

مقدمه	15
وجوب حج	15
فصل اول: شرائط وجوب حجة الاسلام	16
حجّ کودک	17
استطاعت مالی	19
استطاعت بدنی	25
احکام استطاعت مالی	27
استطاعت بدنی	27
استطاعت از جهت راه	28
نام نویسی برای حج	29
تصرف در مال و از بین بردن استطاعت	30
مزاحمت سایر تکالیف با حج	31
مسائل متفرقه استطاعت	31
فصل دوم: نیابت	38
احکام نائب گرفتن	39
احکام نایب شدن	39
فوت نائب	40
مسائل متفرقه نیابت	41
نائب گرفتن	42
احکام نیابت	43
فصل سوم: حج استحبایی	47
استیجار در حج	48
فصل چهارم: اقسام حج	51
حج افراد	51
حج تمتع	52
اعمال عمره تمتع	54
فصل اول: میقات	55
احکام مواقیت	56
احرام قبل از میقات	58
احرام از محاذی میقات	58
تأخیر احرام از میقات	59
احرام با نذر	60
مسائل متفرقه میقات	60
فصل دوم: واجبات احرام	62
نیت	62

<u>تلبیه</u>	64
<u>قطع تلبیه</u>	66
<u>پوشیدن جامه احرام</u>	67
<u>لباس احرام بانوان</u>	68
<u>تعلق خمس به لباس احرام</u>	69
<u>احکام احرام</u>	69
<u>مستحبات احرام</u>	70
<u>مکروهات احرام</u>	73
<u>فصل سوّم: محرّمات احرام</u>	73
<u>نگاه کردن در آینه</u>	73
<u>پوشیدن لباس دوخته برای مرد</u>	74
<u>پوشاندن تمام روی یا برای مردان</u>	75
<u>پوشانیدن سر برای مرد</u>	76
<u>پوشانیدن صورت برای زن</u>	77
<u>استفاده از بوی خوش</u>	79
<u>سر مه کشیدن</u>	80
<u>زینت کردن</u>	80
<u>روغن مالیدن</u>	81
<u>گرفتن ناخن</u>	82
<u>زائل کردن مو</u>	83
<u>سایه قرار دادن (برای مردان )</u>	84
<u>عقد کردن</u>	86
<u>نگاه کردن به همسر از روی شهوت</u>	87
<u>لمس کردن</u>	87
<u>بوسیدن زن</u>	88
<u>جماع کردن</u>	88
<u>استمنا</u>	89
<u>کندن دندان</u>	90
<u>بیرون آوردن خون از بدن خود</u>	90
<u>جدال: یعنی گفتن «لا والله» و «بلی والله»</u>	90
<u>فسوق (دروغ گفتن و دشنام دادن و فخر نمودن )</u>	92
<u>کشتن جانوران و حشرات</u>	92
<u>شکار کردن حیوانات صحرايي</u>	93
<u>سلاح در برداشتن</u>	94
<u>بعضی از محرّمات حرم الهی</u>	94
<u>ارتکاب محرّمات احرام به جهت جهل یا فراموشی</u>	95
<u>مستحبات ورود به حرم</u>	95
<u>مستحبات ورود به مکه معظمه</u>	96

آداب ورود به مسجدالحرام	96
<u>فصل چهارم: طواف و احکام آن</u>	98
<u>شرائط طواف</u>	100
<u>اول: نیت</u>	100
<u>دوم: طهارت</u>	101
<u>طهارت بدن و لباس</u>	104
<u>سوم: مختون بودن</u>	106
<u>چهارم: ستر عورت</u>	106
<u>پنجم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن</u>	107
<u>ششم: قرار دادن کعبه در طرف چپ</u>	108
<u>هفتم: داخل نمودن حجر اسماعیل(علیه السلام) در طواف</u>	108
<u>هشتم: رعایت محدوده طواف</u>	110
<u>نهم: طواف نکردن روی شاذروان</u>	111
<u>دهم: موالات</u>	112
<u>یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر</u>	112
<u>کم کردن دورهای طواف</u>	112
<u>زیاد کردن دورهای طواف</u>	113
<u>قرآن در طواف</u>	115
<u>قطع طواف</u>	115
<u>قطع طواف جهت نماز</u>	116
<u>شک در طواف</u>	117
<u>مسائل متفرقه طواف</u>	119
<u>بطلان طواف یا بعض آن</u>	122
<u>قطع طواف و از سر گرفتن آن</u>	124
<u>طواف در لباس غصیی و غیر مخمس</u>	124
<u>نیابت در طواف</u>	125
<u>طواف با لباس دوخته</u>	125
<u>طواف حائض و مستحاضه</u>	125
<u>دائم الحدث</u>	129
<u>طواف مستحب</u>	130
<u>مستحبات طواف</u>	131
<u>فصل پنجم: نماز طواف</u>	133
<u>فصل ششم: سعی بین صفا و مروه</u>	139
<u>«کم کردن سعی»</u>	142
<u>«شک در سعی»</u>	142
<u>احکام سعی</u>	143
<u>فصل هفتم: تقصیر</u>	145
<u>احکام خاص بین عمره تمتع و حج</u>	148

تبدیل حج تمتع به افراد	149
<u>تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع</u>	152
<u>عدول از عمره تمتع به عمره مفرده</u>	154
<u>پایان وقت عمره تمتع</u>	154
<u>اعمال حج تمتع</u>	155
<u>فصل اول: احرام حج</u>	155
<u>زمان احرام</u>	156
<u>مکان احرام حج</u>	156
<u>مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات</u>	158
<u>فصل دوّم: وقوف به عرفات</u>	159
<u>وقوف اختیاری عرفه</u>	160
<u>وقوف اضطراری عرفه</u>	161
<u>مستحبات وقوف به عرفات</u>	162
<u>فصل سوّم: وقوف به مشعر الحرام</u>	166
<u>وقوف اضطراری مشعر الحرام</u>	168
<u>مستحبات وقوف به مشعر الحرام</u>	171
<u>فصل چهارم: اعمال منا</u>	173
<u>رمی جمره عقبه</u>	173
<u>شرائط سنگ ریزه</u>	173
<u>زمان رمی</u>	174
<u>واجبات رمی</u>	175
<u>شک در رمی</u>	176
<u>مستحبات رمی جمرات</u>	177
<u>قضاء رمی جمرات</u>	178
<u>کوچ کردن از منی</u>	180
<u>ذبح (قربانی)</u>	181
<u>شرائط قربانی</u>	184
<u>نیابت در قربانی</u>	187
<u>بدل قربانی</u>	189
<u>مستحبات قربانی</u>	192
<u>حلق یا تقصیر</u>	193
<u>ترتیب در اعمال منی</u>	196
<u>خروج از احرام با حلق یا تقصیر</u>	197
<u>مستحبات حلق</u>	197
<u>فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی</u>	198
<u>تقدیم اعمال مکه بر وقفین</u>	200
<u>ترتیب اعمال مکه</u>	203
<u>ترک طواف</u>	204

204	<a href="#">بطلان طواف حج</a>
205	<a href="#">احکام طواف نساء</a>
206	<a href="#">مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی</a>
207	<a href="#">فصل ششم: بیتوته در منی</a>
211	<a href="#">فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه</a>
213	<a href="#">نیابت در رمی</a>
214	<a href="#">شک در رمی</a>
215	<a href="#">زیاده در رمی</a>
216	<a href="#">مستحبات منی</a>
216	<a href="#">مستحبات دیگر مکه معظمه</a>
218	<a href="#">استحباب عمره مفرده پس از حج</a>
218	<a href="#">طواف وداع</a>
219	<a href="#">احکام عمره مفرده</a>
220	<a href="#">عمره مفرده</a>
223	<a href="#">تخیر بین قصر و تمام در مکه و مدینه</a>
223	<a href="#">مکان ذبح کفارات عمره و حج</a>
223	<a href="#">معتبر نبودن شرائط قربانی در کفارات</a>
224	<a href="#">مصرف کفارات</a>
224	<a href="#">محصور و مصدود و احکام آنها</a>
231	<a href="#">مسائل متفرقه</a>
231	<a href="#">شرکت در نماز جماعت اهل تسنن</a>
233	<a href="#">مالی که در حرم پیدا شده</a>
233	<a href="#">سجده بر فرش و مانند آن</a>
234	<a href="#">احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلي الله عليه وآله )</a>
236	<a href="#">مقصود از حرج</a>

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و صلي الله تعالى علي محمد و آله الطاهرين لا سيما مولانا بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا له الفداء

پیشگفتار

مناسک و احکام حج، در مقایسه با احکام سایر واجبات، ویژگی هایی دارد؛ از آن جمله، کثرت مسائل و پیدایش مسائل جدید آن است. ویژگی دیگرش آن است که بر هر انسان مکلفی، تنها یک مرتبه در طول عمر واجب می شود و این خود به حساسیت این فریضه می افزاید. و از این رو است که معمولاً انگیزه و جوش و خروش زیادی برای فراگیری آن، در زمان نزدیک شدن حج، برای همه محسوس است.

بنابراین، حساس بودن خود مناسک حج و شرایط جنبی آن از سویی و اختلاف فتاوی از سوی دیگر و متعدد بودن مراجع تقلید از دیگر سویی، به مشکلات کار می افزود و باید اعتراف کرد که پاسخگویی مسائل به زائران توسط روحانیون محترم، بسیار مشکل بود؛ زیرا به دست آوردن فتاوی مراجع به جهت اختلاف آراء آنها، کاری دشوار می نمود، لیکن چاره ای جز این نبود و باید آن را تحمل می کردند. این آرزوی همه عزیزان روحانی بود که این اشکالات به گونه ای رفع شود تا بهتر بتوانند پاسخگویی مردم باشند و آنان را، از سردرگمی که عمدتاً به خاطر نقل اختلاف فتاوی بود، برهانند. گرچه تهیه و تنظیم مناسک محتثای مراجع بزرگوار تقلید، منتشر شده توسط بعثه مقام معظم رهبری، گامی بزرگ در جهت آگاهی و آموزش فتاوی مراجع بزرگوار محسوب می گردد و لازم است در اینجا از همه آن عزیزان تقدیر و تشکر نمایم، لیکن با این همه، خود شاهد پاورقی های فراوان آن هستید!

به هر حال، حل این مشکل آرزویی بود که سالها در ذهن خود می پروراندیم تا اینکه راههای مختلفی به ذهن رسید که شاید بیشتر یا همه آن راه ها به ذهن همه عزیزان روحانی نیز رسیده باشد ولی پیداست که باید چاره ای اندیشیده می شد که از نظر فتاوی مراجع نیز به مشکل برخورد نکند.

با مطالعه دقیق مناسک حج سرانجام به این نتیجه رسیدیم که اگر بتوانیم احتیاطات را از مناسک جدا کنیم و تنها فتاوی را در اختیار قرار دهیم، که با این کار شاید بیش از نیمی از راه را پیموده باشیم. فلذا این شیوه را با بعضی از بزرگواران آشنا به مسائل و اهل فن، مطرح نمودم که آنها نیز معتقد بودند از نظر عملی کار مشکلی است و پیگیری لازم دارد، ولی اگر به نتیجه برسد، بسیاری از مشکلات حل می شود.

با استعانت از خداوند، چند نفر از فضلا را دعوت به همکاری نمودم، آنها نیز با داشتن مشاغل زیاد درسی، بذل محبت کرده، آماده همکاری شدند که بدین وسیله با ذکر نام آنها از همه این عزیزان تقدیر و تشکر می نمایم:

حجج اسلام آقایان مسیح الله آصفی، قدیر علی شمس، محمد عسکری و رضا محققیان.

جزوه حاضر که با تلاش فراوان این عزیزان به انجام رسید، دارای ویژگی های زیر است. امیدوارم مورد توجه و عنایت امام زمان قرار گیرد.

1- مطابق است با فتاوی ده نفر از مراجع بزرگوار تقلید که عبارتند از: مرحوم امام خمینی (قدس سره)، مرحوم حضرت آیه الله العظمی خوئی و مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی (قدس الله اسرارهم) و حضرات آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، خامنه ای و مکارم شیرازی (متع الله المسلمین بطول بقائهم الشریف).

2- در این جزوه احتیاط واجب با توجه به اینکه قابل رجوع به فتاوی فالأعلم است، جمع آوری شده و فتاوی مشهور بین این ده مرجع ذکر شده است؛ زیرا یا فتوا در مسأله دارند یا احتیاطی که قابل رجوع به فتوی است. بنابراین، مقلدین مراجع فوق الذکر می توانند به متن این جزوه با ملاحظه پاورقی عمل نمایند یا از جهت اینکه فتاوی مرجع

تقلید آنان است و یا از این جهت که مرجع تقلید آنان در مسأله فتوا ندارد و احتیاط کرده. و متن موجود فتاوی مرجعی است که مقلد آنان می تواند به آن عمل نماید.

3- عبارت متن مطابق است با فتاوی اکثر مراجع فوق و چنانچه هرکدام از این بزرگواران فتوا به خلاف داشته باشند در پاورقی آمده است.

4- در مواردی اندک، احتیاط در مسأله ذکر شده و این به خاطر آن است که فتوا در مسأله نبوده و همه احتیاط فرموده اند.

5- اگر در مسأله ای دو فتوای مختلف بوده و بعضی نیز احتیاط کرده اند، فتوای اکثر با ارجاع احتیاط به آن در متن و تنها فتوای دیگر در پاورقی آورده شده، جز آنکه اختلاف میان اقلیت و اکثریت کم باشد، که در این صورت فتوای مطابق احتیاط در متن آورده شده است.

6- مسائلی که در بخش مسائل متفرقه و استفتاءات مناسب منتشر شده، از سوی بعضی معتمدان رهبری آمده، در اینجا به جای مناسب خود و استفتاءات جزئی به صورت مسائل کلی به هر قسمتی منتقل شده است.

7- در مواردی که بعضی از مراجع عظام متعرض فرعی شده اند و دیگران متعرض نبوده اند، آن فرع از دیگران نیز استفتا شده و نظر آنان هم منعکس گردیده که این خود باعث تکمیل جزوه و تقلیل بعضی پاورقی ها شده است.

8- در فهرست و ترتیب محرمات احرام تغییراتی داده شده؛ مثلاً مسائل صید که کمتر مورد ابتلا است، در آخر و مسائل مربوط به روابط زن و مرد، به جهت ملاحظات، در ابتدای محرمات آورده نشده است.

در پایان از سرورانی که با راهنمایی های خود، در هرچه بهتر شدن این مجموعه ما را یاری نمودند خصوصاً از جناب مستطاب عماد الاخیار آقای حاج سیداحمد موسوی که در به ثمر رسیدن این اثر سهم بسزایی داشتند کمال تشکر و قدردانی را دارم و امیدوارم بخشی از مشکلات، با مراجعه به این جزوه حل گردد.

در خاتمه ثمره همه این تلاش ها را به پیشگاه باعظمت قطب عالم امکان امام زمان (عج) تقدیم نموده، عرض می کنیم ایها العزیز مسنا واهلنا الضر وجننا ببضاعة

مراجعة فافوف لنا الكيل وتصدق علينا ان الله يجزي المتصدقين وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين.

و السلام عليكم و رحمة الله وبركاته

سید مرتضی موسوی شاهرودی

نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۶ هجری قمری

حجّ از واجبات مهمّ دین مبین اسلام است بلکه از ضروریات آن است و ترک آن از گناهان کبیره است.

خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید { وَلِلّٰهِ عَلَي النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ (1) }.

ترجمه: برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند. آنهایی که توانایی رفتن سوي آن دارند. و هر کس کفر ورزید (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

و همچنین مرحوم شیخ کلینی در روایت معتبري از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرموده است هر کس از دنیا برود و حجة الاسلام بجا نیاورد بدون این که او را حاجتي ضروري باشد یا بجهت بیمار شدن از آن باز بماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید چنین کسی در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت.

نظر به این که این مناسک برای فارسی زبانان می باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است به بیان احکام آنها اکتفا شده است.

این کتاب در سه بخش و چند فصل تنظیم گردیده است و قبل از بیان واجبات و مناسک، مسائلي مربوط بهوجوب حجوبرخي مسائل نیابتووصیت به حج، ذکر می گردد.

. 1 آل عمران ۹۷.

بخش اول:

«وجوب حجّ»

مسأله ۱ - حج در شریعت اسلام در تمام عمر بیش از یک مرتبه بر شخص مستطیع واجب نمی گردد و به این حج حجة الاسلام می گویند.

مسأله ۲ - وجوب حج بر شخص مستطیع فوري (1) است، یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست (2) و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین...

فصل اول: «شرائط وجوب حجة الاسلام»



با چند شرط حج واجب می شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست:

اول و دوم: بلوغ و عقل، پس بر کودک و کسی که وقت انجام اعمال حج دیوانه است، حج واجب نیست.

مسئله ۳ - اگر غیر بالغ حج بجا آورد صحیح است هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

مسئله ۴ - اگر کودک نابالغ قبل از محرم شدن در میقات بالغ شود چنانچه از همانجا مستطیع باشد باید حج بجا آورد و حج او حجة الاسلام است.

---

۱ آیه الله سیستانی: عقلا و از باب احتیاط تا منجر به ترک واجب نگردد و لذا اگر مطمئن نیست که بعداً می تواند بیاورد و حج را تأخیر انداخت و موفق به انجام آن شد تجرّی نموده و اگر موفق نشد مرتکب گناه بزرگی شده است.

۲ بلکه بنا بر فتوای جماعتی از مراجع عظام از گناهان کبیره است.

---

## 17

مسئله ۵ - اگر کودک ممیز برای حج محرم شود و در وقت درک مشعر الحرام (۱) بالغ باشد. از حجة الاسلام کفایت می کند (۲) و همچنین اگر مجنون قبل از درک مشعر الحرام عاقل شود (۳).

مسئله ۶ - کسی که گمان کرده بالغ نشده و لکن به قصد انجام حجی که فعلاً خداوند متعال از او خواسته حج بجا آورد حج او از حجة الاسلام کفایت می کند هر چند تصور نموده که این حج استحبابی است.

مسئله ۷ - اگر شخصی بعد از احرام عمره تمتع یا حج دیوانه شود لازم نیست که همراهان او به نحوی اعمال باقی مانده او را تکمیل کنند و آن شخص در احرام باقی می ماند (۴).

«حجّ کودک»

مسئله ۸ - بر ولی واجب نیست کودکی را که همراه خود به مکه می برد برای حج یا عمره محرم کند، ولی اگر او را محرم کرد باید وظائف و اعمال را مطابق آنچه در مناسک ذکر شده انجام دهد. وگرنه در بعضی صور، طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکند

---

۱ آیه الله بهجت: کفایت ادراک آنچه با آن حج ادراک می شود اگر چه اضطراری مشعر باشد با انجام واجب از اضطراری عرفه، خالی از وجه نیست.

۲ آیه الله بهجت: با وجود سایر شرایط و استطاعت از زمان بلوغ بمقدار انجام باقی واجبات حج.

آیات عظام گلپایگانی، صافی، خوئی و تبریزی: از حجة الاسلام کفایت نمی کند (در مناسک آیه الله خوئی و آیه الله تبریزی تفصیلی است که برای اطلاع آن به مناسک آنها مراجعه شود)

۳ آیه الله تبریزی: اگر مجنون قبل از فوت زمان عمره تمتع عاقل شود، بر فرض استطاعت محرم شده و اعمال را انجام می دهد و در غیر این فرض اتمام حج بر او واجب نیست.

۴ آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: احرام و حج او باطل است.

آیه الله سیستانی: اگر احتمال بهبودی و درک و وقوفین در او نیست، نیازی به نیابت نیست، و حج و احرام او باطل است.

نمی تواند ازدواج نماید.

مسئله ۹ - انجام حج برای کودک ممیز مستحب و صحیح است اگر چه ولی او اذن ندهد (1). البته برای تصرف در اموال او اذن ولی لازم است.

مسئله ۱۰ - مستحب است ولی کودک غیر ممیز او را محرم کند به این صورت که لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که این طفل را محرم می کنم برای حج، یا این طفل را معتمر می کنم به عمره تمتع و اگر می شود تلبیه را به او تلقین کند و الا خودش به عوض او بگوید.

مسئله ۱۱ - قدر متیقن از ولی در این امر نسبت به کودک غیر ممیز ولی شرعی است مانند پدر یا جد و مادر نیز در اینجا ملحق به ولی شرعی است (2).

مسئله ۱۲ - بعد از آنکه کودک محرم شد یا او را محرم کردند باید ولی، او را از محرمات احرام باز دارد و اگر ممیز نیست خود ولی او را از محرمات حفظ کند (3).

مسئله ۱۳ - بعد از این که کودک محرم شد، اگر محرمات احرام را به جا آورد یا ولی، او را از آنها باز نداشت کفاره ندارد (4) مگر در صید که کفاره بر ولی است (5).

مسئله ۱۴ - گوسفند قربانی کودک (6) بر عهده ولی او است (7).

1 آیه الله سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد.

2 در غیر ولی شرعی و همچنین غیر ما در نظر مراجع عظام مختلف است.

3 آیات عظام خوئی، سیستانی، بهجت: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است.

آیه الله تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است.

4 آیه الله بهجت: فداء صید مولی علیه بر ولی است (که با مباشرت او عمل مولی علیه صحیح است) کفاره موجب بر ولی است در آنچه عمد و خطا کفاره دارد بلکه در آنچه عمد فقط کفاره دارد و کودک عمداً مرتکب شد ثبوت کفاره بر ولی که سبب است خالی از وجه نیست.

5 آیات عظام خوئی، سیستانی، بهجت: ثبوت کفاره در صید مختص به احجاج کودک غیر ممیز است.

6 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت: غیر ممیز.

7 در فرض عدم تمکن ولی از قربانی برخی از مراجع عظام تفصیلی دارند که برای اطلاع به مناسک آنها مراجعه شود.

مسئله ۱۵ - بر ولی کودک لازم است او را وادار کند تا تمام اعمال حج و عمره را بجا آورد (1).

سوم: حریت که به دلیل عدم ابتلاء غالب مردم از توضیح آن صرف نظر شد.

چهارم: استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانایی و باز بودن راه، آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.

#### استطاعت مالی

مسأله ۱۶ - استطاعت از جهت مال یعنی داشتن هزینه های سفر از جمله هزینه رفت و برگشت (۲) تا جایی که قصد بازگشتن به آنجا را دارد و کافی است مالی داشته باشد که بتواند با آن هزینه های مذکور را تأمین کند.

مسأله ۱۷ - شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، این که ضروریات زندگی (۳) و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد، مثل خانه مسکونی (۴) خواه ملکی باشد یا اجاره ای که با شوون او سازگار باشد و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن،

---

۱ آیه الله بهجت: و در تمام افعال آنچه در غیر نیت می تواند انجام دهد، ولی متصدی نیت می شود.

۲ آیه الله بهجت: هرگاه کسی هزینه حج را در اختیار نداشته باشد، ولی وضع او بگونه ای است که در بین راه یا مثلاً خود مکه معظمه با شغلی که در شأن اوست، می تواند آن را تهیه نماید بنابر اظهر، حج بر او واجب می شود، و همچنین است اگر از کسی طلبی دارد که در راه یا در مقصد، وصول می شود.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، خوئی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود یا جایی که دورتر از وطن نباشد را داشته باشد ولی اگر قصد رفتن بجایی دورتر از وطن خود را داشته باشد، داشتن هزینه برگشت به وطن کافی است (البته مقصود جایی است که از رفتن به آنجا به حرج نمی افتد).

۳ آیه الله بهجت: ضرورت شخصیه یا شأنیه.

۴ آیه الله مکارم: خواه ملکی باشد یا اجاره ای که با شوون او سازگار باشد.

در حدی که مناسب با شأن او باشد (۱). و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

مسأله ۱۸ - کسی که استطاعت مالی ندارد اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حجة الاسلام کفایت نمی کند. آیه الله خوئی: به پاورقی مسأله بعد مراجعه شود.

مسأله ۱۹ - اگر ترک ازدواج موجب مشقت (۲) یا ناراحتی در زندگی وی (۳) شود در صورتی شخص مستطیع است که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد (۴).

مسأله ۲۰ - کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرائط استطاعت را نیز دارا است در موارد ذیل مستطیع است و باید به حج برود:

(۱) اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقع شدن در حرج و مشقت از راه مشروعی طلب خود را وصول کند در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

(۲) اگر وقت طلب او نرسیده ولی مدیون خود می خواهد بدهی اش را بپردازد یا با

---

1 آیه الله سیستانی و آیه الله صافی ... و نداشتن آن موجب حرج باشد.

2 آیه الله خامنه ای: اگر ترک ازدواج موجب مشقت غیر قابل تحمل یا موجب حرام و یا وهن او باشد.

آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: اگر مستلزم حرج باشد، نحوی که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

3 امام خمینی، آیه الله مکارم: کافی است به ازدواج نیاز داشته باشد و مطابق شأن او باشد.

4 آیه الله بهجت: اگر در ترک نکاح مشقت غیر قابل تحمل به حسب عادت بود یا خوف مرض یا خوف وقوع در حرام بود، اظهر جواز صرف در نکاح است و همچنین اگر قبل از رسیدن وقت سیر کاروان حج، صرف در نکاح کند. اما بعد از رسیدن وقت سیر نمی تواند صرف در نکاح نماید، به نحوی که متمکن از حج در آن سال نمی شود نه در صورت تمکن از جمع بین آن دو. (کتاب حج، ص ۱۲).

آیه الله خوئی: بلی اگر قصد داشته باشد که آن مال را در نیاز خود صرف نکند حج بر او واجب می شود.

---

## 21

---

مطالبه حاضر به پرداخت می شود و در مطالبه محذوری ندارد(1).

(3) هر گاه بتواند طلب خود را به دیگران بفروشد، بمقداری که پول آن ولو با ضمیمه سایر اموالش وافی به حج باشد و در این کار مشقتی (2) بر او نیست.

مسأله ۲۱ - استطاعت به قرض حاصل نمی شود (3) مگر آنکه (4) قدرت پرداخت آن را بدون مشقت بعد از حج داشته باشد.

مسأله ۲۲ - بدهی مدت داری که اطمینان از ادای آن در وقتش هست مانع استطاعت نیست و نیز دینی که وقت اداء آن رسیده لکن طلبکار راضی به تأخیر آنست و در غیر این دو صورت حج واجب نیست(5).

مسأله ۲۳ - داشتن پول قربانی در تحقق استطاعت شرط نیست (6) بنابراین کسی که

---

1 امام خمینی، آیه الله سیستانی، آیه الله خامنه ای: اگر خود نمی خواهد بپردازد مطالبه در این فرض لازم نیست و شخص مستطیع نمی باشد) آیه الله سیستانی اضافه فرمودند: اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد چنانکه معمولاً چنین است).

2 آیه الله سیستانی: اجحافی در حق او نباشد.

آیه الله فاضل: یا ضرری.

3 امام خمینی، آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: هر چند بتواند بعداً بسهولت پرداخت کند.

4 آیه الله بهجت: مگر آنکه در وقت قرض گرفتن مالی داشته باشد که بتواند با فروش آن قرض خود را ادا نماید.

آیه الله سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلاً عقلاً به آن توجه نکنند.

5 آية الله خوئي: بلي اگر دين خود را ادا نکند حج بر او واجب است و به هر حال اگر چنين فردي حج بجا آورد مجزي از حجة الاسلام مي باشد.

آية الله سيستاني: اگر بدهي به مقداري باشد که اگر مقدار قرض برداشته شود باقي مانده آن وافي به هزینه حج نباشد حج واجب نیست.

آية الله فاضل: يعني مخير است بين انجام حج و اداء دين و در صورت انجام حج کفايت از حجة الاسلام مي کند.

6 آیات عظام خوئي، فاضل، گلپایگاني، صافي: شرط مي باشد.

---

## 22

---

سایر مخارج حج را دارد مستطيع مي باشد و بجاي قرباني روزه مي گیرد.

مسأله ۲۴ - کسی که خمس و زکات بر مالش يا بر ذمه اش تعلق گرفته است (1) در صورتی مستطيع است که علاوه بر آن مقدار مخارج حج را نیز داشته باشد (2).

مسأله ۲۵ - تحصيل مقدماتي که سفر حج متوقف بر آنهاست مانند تهیه گذرنامه، ویزا، ودیعه و مانند اینها واجب است و هزینه این امور جزء استطاعت مي باشد بنابراین اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطيع نیست.

مسأله ۲۶ - بالا بودن هزینه هاي سفر حج مانند اجرت ماشین و هواپیما و قیمت اجناس در سال استطاعت دليل بر جواز تأخير حج نمي شود (3) و باید در همان سال استطاعت به حج برود مگر (4) آنکه به قدری بالا باشد که موجب حرج و مشقت در زندگاني شود (5).

مسأله ۲۷ - اگر شخصی زايد بر ضروریات زندگي و نیازهاي معیشت، مالي دارد که مي تواند با فروش آن مصارف حج را تأمین کند مستطيع است و باید حج برود هر چند که بواسطه ي نداشتن مشتري به کمتر از قیمت معمولي بفروشد مگر این که فروش به این نحو موجب حرج و مشقت (6) براي او شود (7).

---

1 آية الله بهجت: يا كفاره يا نذر.

2 آیات عظام گلپایگاني، خوئي، تبريزي، صافي: حکم سایر ديون را دارد، الا این که عين مال متعلق خمس و زکات باشد که مقدم بر سایر ديون است.

3 آية الله بهجت: اگر به حدّ غير عقلاني نرسد.

4 آية الله گلپایگاني: مگر آنکه ضرر به نحوي باشد که عرفاً بگویند مستطيع نیست.

5 آية الله مکارم: به طوري که در عرف بگویند مستطيع نیست.

6 آية الله خوئي، آية الله تبريزي: يا موجب ضرر عمدہ اي شود.

آیات عظام سيستاني، گلپایگاني، صافي: يا اجحاف در حق او باشد. آية الله صافي و آية الله گلپایگاني اضافه فرمودند: اجحاف و ضرر بحدي باشد که عرفاً بگویند مستطيع نیست.

آية الله بهجت: يا ضرر.

7 آية الله مكارم: بطوري که در عرف بگویند مستطیع نیست.

مسأله ۲۸ - اگر شک کند مالي که دارد به اندازه استطاعت است یا نه واجب است که تحقیق کند و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آن که مقدار مال خود یا مقدار مخارج حج را نداند(1).

مسأله ۲۹ - اگر اعتقاد دارد که مستطیع نیست و به قصد انجام وظیفه ای که فعلا دارد حج بجا آورد و بعد از اعمال یا در اثنای آن معلوم شود مستطیع بوده حج او صحیح و کفایت از حجة الاسلام می کند هر چند تصور می کرده حش استحابی است.

مسأله ۳۰ - کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود، به اجرتی که با آن مستطیع میشود حج بر او واجب می شود هر چند اجیر شدن بر او واجب نبوده، ولی بعد از آن مستطیع می شود و باید حج بجا آورد.

مسأله ۳۱ - کسی که برای حج نیایی اجیر شد و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرد، سه صورت دارد:

اول: برای همان سال اجیر شده و استطاعت به سبب اجاره حاصل شده باشد که در این صورت باید حج نیایی را بجا آورد و چنانچه استطاعت او باقی ماند حج خودش را در سال بعد انجام دهد. لکن اگر برای خودش حج به جا آورد حج او صحیح است ولی به خاطر مخالفت با اجاره معصیت کرده است.

دوم: برای همان سال اجیر شده و استطاعت از راه دیگری حاصل شده (2). در این صورت اجاره باطل است (3). و باید برای خودش حج انجام دهد.

سوم: اجاره مقید به سال معینی نبوده و بعد از آن استطاعت مالی پیدا کرد که باید حج خود را مقدم بدارد (4). حتی اگر استطاعت به سبب مال الاجاره حاصل

---

1 آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: لازم نیست فحص و تحقیق کند.

2 آیات عظام امام خمینی، فاضل، مکارم، بهجت: حکم صورت قبل (اول) را دارد.

3 آية الله سیستانی: مگر این که وثوق داشته باشد که در سال آینده می تواند برای خود حج بجا بیاورد که در این صورت اجاره صحیح است و باید به مقتضای آن عمل نماید.

4 آية الله سیستانی: مگر این که اطمینان داشته باشد که می تواند در سالهای آینده حج خود را انجام دهد که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد.

شده باشد(1).

مسأله ۳۲ - شرط است در استطاعت که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج، داشته باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند(2).

مسأله ۳۳ - با وجوه شرعی، مثل سهم امام(علیه السلام) و سهم سادات و منافع آنها شخص مستطیع می شود (3) و اگر حج بجا آورد کفایت از حجة الاسلام می کند.

مسأله ۳۴ - شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت یعنی به واسطه رفتن به حج فقیر یا فقیرتر از قبل نگردد بنابراین اگر وضع زندگی او بواسطه رفتن به حج تفاوتی نکند حج بر او واجب می شود (4).

مسأله ۳۵ - کسی که استطاعت مالی ندارد و توانایی انجام حج را نیز حتی در آینده ندارد چنان چه مخارج حج به او بذل شود واجب نیست قبول نماید و برای حج نایب بگیرد.

---

1 آیه الله تبریزی: اگر بر او محرز باشد که می تواند حج نیابتی را در سالهای بعد انجام دهد و الا باید حج نیابتی را مقدم بدارد.

2 آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی: داشتن مخارج عائله غیر واجب النفقه شرعی شرط نیست مگر این که با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج بیفتد.

آیه الله صافی و آیه الله گلپایگانی: و عرفاً ملنزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد، مثل خواهر و برادر و باید نفقه آنها را هم داشته باشد.

3 امام خمینی: با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سادات مستطیع نمی شود ولی با منافع آن مستطیع می شود.

آیه الله خامنه ای: در صورتی که بعد از حج زندگی او ولو از وجوه شرعیه اداره شود مستطیع است.

آیه الله فاضل: چنانچه به عنوان شهریه یا از روی استحقاق و خدمات دینی از طریق حاکم شرع به او داده شده، مالک می شود و اگر به مقدار حج باشد مستطیع است و باید حجة الاسلام بجا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر سهم امام از سوی حاکم شرع به او تملیک شده باشد.

4 امام خمینی: بلکه پس از بازگشت برای زندگی به شدت و حرج نیفتد ولو این که قدرت بر کسب و کاری داشته باشد که لایق شأنش باشد و تأمین زندگی از وجوه شرعیه مثل خمس و زکات کافی نیست و در این جهت فرقی نیست که تمام زندگی از وجوه شرعیه باشد یا بعض آن.

## استطاعت بذلی

مسأله ۳۶ - اگر به شخصی که هزینه های حج را ندارد گفته شود حج بجا آور و مخارج تو و عائله ات (1) بر عهده من حج بر او واجب می شود به شرط (2) این که اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل داشته باشد و این حج را بذلی می گویند و در آن رجوع به کفایت شرط نیست بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود (3) واجب نمی شود.

مسأله ۳۷ - اگر مقداری از مصارف حج را داشته باشد و بقیه را به او بذل کنند استطاعت او استطاعت مالی است و شرائط استطاعت مالی مثل رجوع به کفایت در او شرط است.

مسأله ۳۸ - اگر مالی که وافی به مصارف حج است به او ببخشند سه صورت دارد:

اول: مال را به او می بخشند برای این که حج به جا آورد که در این صورت باید قبول کند و حج بجا آورد (4).

دوم: به او اختیار دهند که مال را در حج یا در غیر آن صرف کند که در این صورت نیز قبول واجب است.

---

1 آیه الله فاضل: تعهد نسبت به نفقه عائله شرط نیست.

آیات عظام تبریزی، خوئی، بهجت: اگر چه حج برود و چه حج نرود نمی تواند نفقه عائله را تأمین کند بذل نفقه عائله شرط وجوب حج نیست.

آیه الله سیستانی: اضافه فرمودند: و همچنین اگر نفقه عائله اش را تا زمان برگشت داشته باشد.

2 آیه الله فاضل: اطمینان به وفا و عدم رجوع شرط نیست. آیه الله خوئی و آیه الله تبریزی اضافه فرمودند: ولی اگر وثوق و اطمینان به رجوع و عدم وفاء باذل دارد حج واجب نمی شود.

3 آیه الله مکارم: یا مستلزم منت و هتک او باشد.

4 آیه الله بهجت: واجب نیست قبول کند ولی اگر قبول کرد استطاعت بذلیه است کما این که در دو صورت بعدی اگر قبول کرد استطاعت مالیه محقق است.

---

## 26

سوم: مال را به او ببخشند و هیچ نامی از حج نبرند که در این صورت قبول واجب نیست (1).

مسأله ۳۹ - باذل می تواند بذلش رجوع کند ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه بازگشت را بدهد (2) و اگر بعد از احرام رجوع کند (3) باید نفقه اتمام حج را نیز بدهد (4).

مسأله ۴۰ - پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است در صورتی که قربانی بر مبذول له واجب باشد پس اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی شود (5) مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.

مسأله ۴۱ - در حج بذلی کفارات بر عهده باذل نیست (6).

---

1 آیه الله مکارم: بلکه قبول واجب است به شرط این که هنگام بازگشت زندگی او تأمین باشد

آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: در دو صورت اخیر قبول واجب نیست.

2 آیه الله بهجت: بنابر اظهر نفقه بازگشت از محل اعلام رجوع که زاید بر نفقه وطن است بر باذل است.

آیه الله تبریزی: باذل ضامن نفقه برگشتن او نیست همان طور که در صورت رجوع بعد از احرام نفقه اتمام حج را هم ضامن نمی باشد گر چه اتمام بر او واجب است مطلقاً.

3 آیه الله بهجت: اظهر عدم جواز رجوع است.

4 آیه الله خوئی: در صورتی که اتمام آن بر مبذول له واجب باشد و آن در جایی است که آنچه تاکنون به او بذل شده و او صرف نموده، با ضمیمه به اموال خود موجب استطاعت او باشد.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از احرام باذل رجوع کند، مبذول له باید حج را تمام بکند، اگر بر او حرجی نباشد هر چند فعلاً مستطیع نباشد و باذل ضامن مصرف اتمام حج او و بازگشتش می باشد.



5 آية الله تيريزي: مگر در صورتي که بتواند بدون حج بدل قرباني روزه بگیرد.

آية الله سيستاني: مگر این که بتواند قرباني را از مال خود بخرد و در پرداخت قيمت قرباني حج و مشقت نباشد

آية الله فاضل: حج واجب است ولي پول قرباني بر باذل است.

6 آية الله گلپايگاني و آية الله صافي: در صورتي که از روي عمد باشد و اما اگر از روي فراموشي يا جهل يا اضطرار و ناچاري باشد چنانچه مبذول له متمکن از اداء كفاره باشد و كفاره يافت شود پول آن بر عهده باذل است و الا مبذول له بايد به وظيفه غير متمکن از كفاره عمل نمايد.

---

## 27

مسأله ۴۲ - در مواردی که نهاد یا ارگانی شخصی را به حج بفرستد بدون این که او را ملزم به کاری نماید با فرض مشروعیت، حج او حج بذلی است.

### احکام استطاعت مالي

مسأله ۴۳ - اگر کسی به تصور این که مستطیع است به قصد عمره تمتع محرم شد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد مستطیع نبوده است فعلاً محرم نیست و هرگاه مستطیع شد باید حجة الاسلام انجام دهد.

مسأله ۴۴ - زن اگر شوهرش از دنیا رفته است، نمی تواند مخارج حج را از اموال اطفال صغیر خود بردارد و در صورتي که سهم ارث خودش براي حج کافي بوده و ساير شرائط را دارد مستطیع است و بايد حج بجآورد.

مسأله ۴۵ - اگر چند نفر در مالي شریک باشند در صورتي که سهم هر کدام وافي به هزینه هاي حج باشد او مستطیع است با داشتن ساير شرائط استطاعت مانند پدري که با فرزندانش درآمدشان را یکجا ریخته و خرجشان را از آن بر مي دارند بنابراین اگر مجموع سهام وافي به حج بعضی شرکاء باشد هیچکدام مستطیع نیستند.

مسأله ۴۶ - کسی که سرمایه یا ابزار کاری دارد که اگر مقداری از آن را که وافي به هزینه هاي حج است بفروشد می تواند با باقیمانده آن بدون زحمت زندگی کند از نظر مالي مستطیع است (1).

### استطاعت بدني

مسأله ۴۷ - در وجوب حج علاوه بر استطاعت مالي استطاعت بدني نیز شرط است بنابراین بر شخص مسن یا مریضي که قدرت انجام حج را ندارد یا بر او حج و

---

1 آية الله مکارم: در صورتي که فروختن آن مخالف شؤن او نباشد.

---

## 28

مشقت زیاد دارد واجب نیست حج بجا آورد ولي اگر امید به بهبودي و تمکن از حج ندارد واجب است نایب بگیرد هر چند حج بر او مستقر نشده باشد (1) و وجوب آن فوري است.

مسأله ۴۸ - اگر مستطیع در اثنای راه قبل از احرام یا بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج مریض شود بطوری که نتواند مناسک عمره و حج را، حتی به نحو اضطراری انجام دهد حج بر او واجب نیست و حکم نایب گرفتن در فرض یأس از بهبودی در مسأله قبل گذشت.

#### استطاعت از جهت راه

مسأله ۴۹ - یکی از شرایط وجوب حج باز بودن راه است، بنابراین بر کسی که راه برای او باز نیست حج واجب نیست.

مسأله ۵۰ - کسی که بتواند بر اساس ضوابط شرعی ارث، از نوبت حج متوفی استفاده کرده و برای خودش حج بجا آورد چنانچه سایر شرایط استطاعت را داراست واجب است برای خودش حج بجا آورد و در موارد لزوم نیابت، برای متوفی نایب بگیرد. (که در مسائل مربوط به نیابت خواهد آمد)

مسأله ۵۱ - هر گاه کسی وصیت به حج بلدی را پذیرفته و اکنون خود از هر جهت استطاعت پیدا کرده جز استطاعت طریقی، و راهی برای سفر حج ندارد جز، استفاده از فیش وصیت کننده باید حج از طرف میت را انجام دهد(2).

---

1 آیات عظام امام خمینی، فاضل، خامنه ای، مکارم: اگر از قبل مستقر نشده باشد استنابه واجب نیست.

2 آیه الله تبریزی: در فرض مزبور برای خود حج بجا آورد و برای حج بلدی میت نایب بگیرد.

آیه الله گلپایگانی: با فرض استطاعت در میقات نیابت صحیح نیست.

#### نام نویسی برای حج

مسأله ۵۲ - با اعلام نام نویسی برای حج از طرف دولت برای چند سال، در فرض حصول سایر شرایط استطاعت شرکت در نام نویسی لازم است (1). مگر این که بتواند از راه مشروع دیگری به حج برود و اگر مسامحه نمود و ثبت نام نکرد حج بر او مستقر می شود که مسایل آن خواهد آمد.

مسأله ۵۳ - کسی که با وجود استطاعت مالی سعی در رفتن به حج داشته و در نام نویسی برای حج شرکت کرده ولی از جهت این که قرعه به نامش اصابت نکرده و راه مشروع دیگری نیز برای رفتن به حج نبوده، نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست.

مسأله ۵۴ - کسی که حج بر او مستقر نشده چنانچه بعد از حصول استطاعت برای حج ثبت نام کرد ولی بعد از آن احتیاج به پول سپرده شده پیدا کرد می تواند پول خود را پس بگیرد (2). و مستطیع نیست اگر چه در همان سال یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت نماید.

مسأله ۵۵ - کسی که برای حج ثبت نام کرده اگر سایر شرایط استطاعت را دارد نمی تواند نوبتش را به شخص دیگری مانند همسرش و اگذار نماید ولی اگر نوبتش را به دیگری داد حج دیگری صحیح است.

1 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، بهجت: اگر احتمال بدهد که در همان سال او را به حج ببرند.

آیه الله سیستانی: در صورتی که عروض مانع دیگری در سالی که او را به حج می برند متوقع باشد نام نویسی لازم نیست.

2 آیه الله تبریزی: اگر در سال اول قرعه به نام او اصابت کند نمی تواند پول را بگیرد مگر این که در حج بیفتد.

آیه الله سیستانی و آیه الله خویی: اگر نفقه لازم باشد یا از ترک انفاق به حج بیفتد.

تصرف در مال و از بین بردن استطاعت

مسأله ۵۶ - در صورتی که استطاعت محقق شده باشد چنانچه رفتن به حج متوقف بر حفظ مال و صرف آن برای حج باشد تصرف در آن مال به نحوی که نتواند حج بجا آورد جایز نیست هر چند موسم حج نرسیده باشد (1) و چنانچه تصرف کند حج بر او مستقر می شود و در این حکم فرقی نیست که مال را در کارهای خیر و عام المنفعه صرف کند یا در سایر مسائل.

مسأله ۵۷ - اگر از نظر مالی استطاعت دارد و لی از جهت توانایی بدنی یا بازبودن راه استطاعت برای او در سالهای آینده حاصل می شود نمی تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند (2).

مسأله ۵۸ - کسی که از جهت مالی مستطیع است ولی از جهت بسته بودن راه یا عدم توانایی بدنی امیدی ندارد حج را ولو در سالهای آینده بجا آورد باید نایب بگیرد (3) و وجوب آن فوری است و چنانچه نایب گرفتن متوقف بر حفظ آن مال باشد حفظ آن لازم است.

مسأله ۵۹ - اگر از نظر مالی استطاعت دارد ولی هنوز از طرف دولت وقتی برای ثبت نام اعلام نشده و راه مشروع دیگری نیز ندارد چنانچه بداند که در همین سال ثبت نام خواهد شد حق ندارد در مال تصرف نموده و خود را از استطاعت بیندازد و در غیر این صورت مستطیع نیست و نگهداری آن مال لازم نیست (4).

1 آیه الله بهجت: می تواند قبل از وقت حرکت قافله مال را در مصارف خود خرج کند ولو دیگر نتواند به حج برود

2 آیات عظام امام خمینی، فاضل، بهجت، مکارم: تصرف و خارج کردن خود از استطاعت جایز است.

3 آیات عظام: امام خمینی، آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: لزومی ندارد و می تواند در مال تصرف کند.

4 آیه الله خویی: بهر حال باید آن را تا زمان ثبت نام حفظ کند.

آیه الله سیستانی: اگر احراز کند که در سال بعد واجد شرائط خواهد شد لازم است پول را نگه دارد.

#### مزاحمت سایر تکالیف با حج

مسئله ۶۰ - اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می شود (1) باید ملاحظه اهمیت حج با حرام و واجب را کرد، اگر اهمیتش بیشتر است باید برود و الا نباید برود (2) لکن اگر رفت و حرامی بجا آورد یا واجبی را ترک کرد معصیت کار است ولی حج او صحیح است.

مسئله ۶۱ - اگر شخصی نذر کند که در روز عرفه کربلائی معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند چنانچه مستطیع بوده یا در همان سال نذر مستطیع شود نذرش (3) منحل است و عمل به آن واجب نیست و مخالفتش کفاره ندارد بلکه باید به حج برود.

#### مسائل متفرقه استطاعت

مسئله ۶۲ - مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی کند مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که گذشت.

۱ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و یا موجب از بین رفتن مال معتد به (قابل توجه) بدون عوض شود

۲ آیه الله تبریزی: اگر فقط احتمال اهمیت در حج باشد حج مقدم است وگرنه باید حرامی را که حج بر آن توقف دارد ترک کند و چنانچه ارتکاب حرام بعد از شروع در حج باشد مجزی از حجة الاسلام نیست و اگر حج متوقف بر ترک واجب باشد نظر ایشان موافق نظر آیه الله خویی است.

آیه الله خویی: در فرض تساوی و یا احتمال اهمیت در هر یک مخیر بین آن هاست و اگر در یکی از آن ها احتمال اهمیت می دهد آن مقدم است.

آیه الله سیستانی: در صورت تساوی مخیر است.

۳ امام خمینی، آیه الله فاضل: نذر مانع از حج نمی شود و اگر نرفت حج بر او مستقر می شود و باید به نذر عمل کند و اگر حج رفت تخلف از نذر موجب کفاره نمی شود ولی اگر هر دو را ترک کرد کفاره نذر را باید بدهد

مسئله ۶۳ - کسی که مستطیع است نباید از طرف دیگری برای حج نایب شود و یا حج استحبابی بجا آورد ولی اگر حج نیابی و استحبابی بجا آورد صحیح است (1)

مسأله ۶۴ - اگر با وجود شرایط استطاعت حج را ترک کند حج بر او مستقر می شود (2) و باید بعداً به هر نحوی که می تواند به حج برود (3).

مسأله ۶۵ - اگر بعد از حصول استطاعت و وجوب حج در تهیه اسباب و مقدمات آن کوتاهی کرد و به حج در آن سال نرسید حج بر او مستقر می شود.

مسأله ۶۶ - کسی که حج بر او مستقر شد و بجا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برایش حج بدهند و حج میقاتی کفایت می کند و تا حج او را ندهند، ورثه نمی توانند در ترکه تصرف نمایند (4) و لازم است در همان سال فوت حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز نیست، و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد لازم است (5) از بلد اجیر

---

1 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: باطل است.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم: حج استحبابی او حجة الاسلام محسوب می شود. آیه الله تبریزی اضافه فرمودند: بله در صورت علم به استطاعت خود و عدم صحت حج استحبابی حج او باطل است. (نسبت به بطلان اجاره در بعض کتب مناسک تفصیلی است مراجعه شود).

2 آیه الله فاضل: به شرط اینکه تا پایان اعمال شرایط استطاعت باقی باشد.

آیات عظام: سیستانی، خویی، تبریزی: مگر در صورت جهل یا غفلت عذری.

3 آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، خویی: مگر این که حرجی باشد و در این صورت واجب نیست و در این حال از خودش ساقط است لکن باید از ترکه او ولو از میقات نایب بگیرند یا شخصی تبرعاً حج او را انجام دهد.

4 آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: مگر آن که قصد بر ادای حج او داشته باشند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: مگر آنکه ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم بر ادای حج شوند.

آیه الله سیستانی: تصرفی که منافی با قضای حج میت از میراث باشد.

آیه الله فاضل: بلی اگر ترکه بیشتر از مخارج حج باشد بهتر است تصرف نکنند.

5 آیه الله سیستانی: ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات را از سهم صغار ورثه بحساب نیاورند

بگیرند و از اصل ترکه خارج می شود (1) و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند (2) و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامن اند بلی اگر میت ترکه نداشته باشد بر وارث حج او واجب نمی شود.

مسأله ۶۷ - اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزانتر بخرد و با تفاوت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شوون او نباشد (3) لازم نیست آن را بفروشد (4) و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شوون او باشد، با وجود سایر شرائط، مستطیع است (5).

مسأله ۶۸ - اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد و قصدش این باشد که منزل مسکونی تهیه کند در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی شود هر چند (۶) پولی که بدست آورده برای مخارج حج کافی باشد.

مسأله ۶۹ - هر گاه زنی با کسب می تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج

---

۱ آیات عظام: سیستانی، خامنه ای، مکارم: مگر این که وصیت کرده باشد که از ثلث خارج شود و ثلث کافی باشد و الا مازاد آن از اصل ترکه تکمیل گردد.

۲ آیه الله بهجت: دین مقدم است حتی بر وصیت ولی در زاید بر اجرت متعارف باید با اجازه ورثه باشد.

آیه الله سیستانی: ولی مازاد بر اجرت متعارف را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

۳ آیه الله بهجت: یا مورد ضرورت شخصیه او باشد.

۴ آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است.

۵ آیه الله بهجت: ولی اگر تبدیل کردن حرجی یا ضرری باشد مستطیع نیست.

۶ آیات عظام بهجت، خوئی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود حج بر او واجب نمی شود و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می شود.

آیه الله خامنه ای: اگر در نزد عرف، داشتن خانه ملکی از شوون عرفی او باشد یا سکونت در غیر خانه ملکی برای او باعث مشقت و ناراحتی شود و یا موجب تحقیر او گردد، مستطیع نمی شود.

حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد (۱) مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی شود.

مسأله ۷۰ - کسی که در محل خودش مستطیع نیست، واجب نیست به حج برود هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر از جمله رجوع به کفایت (۲) به معنایی که گذشت را داشت مستطیع می شود و کفایت از حجة الاسلام می کند.

مسأله ۷۱ - خدمه و روحانیون کاروانهای حج که همراه کاروان به سفر حج می روند اگر سایر شرائط استطاعت را دارند و انجام حج تفاوتی در زندگی آنان ایجاد نمی کند. مستطیع هستند و باید حجة الاسلام بجا آورند (۳) و در غیر این صورت حج آنان استحبابی است و چنانچه بعداً مستطیع شدند باید حج بجا آورند.

مسأله ۷۲ - زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده ای ندارد، با فرض این که شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می دهد لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه

---

۱ آیه الله سیستانی: به حدی که تحملش برای او مشکل باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به نحوی که زندگی او مختل شود.

2 آیه الله مکارم: اگر چنانچه انجام حج در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشد حج او صحیح است و رجوع به کفایت شرط نیست.

3 امام خمینی: در صورتی که بعد از بازگشت، زندگی آنها به نحوی مناسب از غیر وجوه شرعیه تأمین شود.

آیه الله خامنه ای: اگر زندگی آنان بعد از مراجعت تأمین باشد ولو از طریق وجوه شرعیه

آیه الله مکارم: چنانچه زندگی خانواده آنها در همان مدت تأمین باشد و تأمین زندگی آنها بعد از بازگشت شرط نیست..

برای او مفسده دارد مثل این که ممکن است مطالبه به نزع (1) و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

مسأله ۷۳ - کسی که برای حج نیابی اجبر شد و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرد سه صورت دارد: اول: برای همان سال اجبر شده و استطاعت به سبب اجاره حاصل شده باشد که در این صورت باید حج نیابی را به جا آورد و چنانچه استطاعت او باقی ماند حج خودش را در سال بعد انجام دهد. لکن اگر برای خودش حج به جا آورد حج او صحیح است ولی به خاطر مخالفت با اجاره معصیت کرده است. دوم: برای همان سال اجبر شده و استطاعت از راه دیگری حاصل شده (2) در این صورت اجاره باطل است (3) و باید برای خودش حج انجام دهد. سوم: اجاره مقید به سال معینی نبوده و بعد از آن استطاعت مالی پیدا کرد که باید حج خود را مقدم بدارد (4) حتی اگر استطاعت به سبب مال الاجاره حاصل شده باشد (5).

1 آیه الله تبریزی: اگر مطالبه مهریه موجب ناراحتی هایی شود که زن در زندگی اش به حرج و مشقت بیافتد حج بر او واجب نیست

آیه الله سیستانی: اگر به حدی باشد که برای زن تحملش مشکل باشد.

آیه الله خوئی: یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد حج بر او واجب نیست.

آیه الله گلپایگانی: مجرد طلاق باعث عدم وجوب حج نیست، بلکه اگر صرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختل شود حج بر او واجب نیست.

آیه الله مکارم: حتی اگر منجر به طلاق نشود ولی مشکلات مهمی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.

2 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، مکارم، بهجت: حکم صورت قبل را دارد.

3 آیه الله سیستانی: مگر این که وثوق داشته باشد که در سال آینده می تواند برای خود حج به جا آورد که در این صورت اجاره صحیح است و باید به مقتضای آن عمل نماید.

4 آیه الله سیستانی: مگر این که اطمینان داشته باشد که می تواند در سالهای آینده حج خود را انجام دهد که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد.

5 آیه الله تبریزی: اگر برای او محرز باشد که می تواند حج نیابی را در سالهای بعد انجام دهد و الا باید حج نیابی را مقدم بدارد.

مسأله ۷۴ - مسلمین بعضی کشورهای غیر اسلامی که برای تشرّف به حج باید مبلغ زیادی به حکومت بپردازند، این پول جزء هزینه سفر حج آنان می باشد (1) و با داشتن آن و سایر شرایط مستطیع می شوند (2) اگرچه این پول صرف در تقویت حکومت غیر اسلامی گردد (3) و بنابراین حج برایشان واجب و مجزی از حجة الاسلام می باشد.

مسأله ۷۵ - اگر برای اموری مانند زیارت مشاهد مقدسه سوریه و امثال آن ثبت نام کرد و بعد از آن استطاعت مالی برای حج پیدا کرد در صورتی که واجد شرایط باشد واجب است به حج برود.

مسأله ۷۶ - کسی که در حال حیات همه شرایط استطاعت را داشته باشد و به حج نرفته تا از دنیا رفته است (4) هزینه حج او از اصل ترکه خارج می شود هر چند معاش زن و فرزندان او از درآمد همین ترکه تأمین شود و در ورثه صغار باشد و چنانچه وصیت نکرده باشد هزینه حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد.

مسأله ۷۷ - اگر مرد در موقع ازدواج به همسرش وعده سفر حج بدهد در صورتی که مهر او قرار داده یا شرط در ضمن عقد کرده باشد عمل به آن واجب است.

مسأله ۷۸ - اگر شخص وصیت به حج را قبول کند و بعد مستطیع شود واجب است

1 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: اگر بذل این مال امری متعارف باشد.

آیه الله سیستانی: اگر نسبت به حال این شخص ضرر زیادی نداشته باشد.

2 آیه الله بهجت: اگر ضرر مالی مجحف و موجب عسر باشد مانع از استطاعت شرعی است.

3 آیه الله خوئی: اگر موجب فساد بر مسلمین باشد جایز نیست.

آیه الله صافی: اگر موجب تقویت کفر در برابر اسلام محسوب شود که عرفاً آن بر ضرر اسلام و خلاف مصلحت مسلمین شمرده شود استطاعت حاصل نیست ولی اگر پول را پرداخت و استرداد آن ممکن نبود پس از پرداخت، اگر چه معصیت کرده، استطاعت حاصل می شود و باید به حج برود.

4 آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: بلکه اگر تمکن مالی داشته و توانایی مباشرت حج را نداشته یا دشوار بوده و در نائب گرفتن تأخیر کرده است تا از دنیا رفته حج بر ذمه اش می باشد. آیه الله خوئی اضافه فرمودند: مگر در مورد استطاعت خود جاهل قاصر بوده که در این صورت لازم نیست برای او حج به جا آورند.

برای خود حج بجا آورد، (1) و قبول وصیت مانع از استطاعت نیست.

مسأله ۷۹ - در صورتی که زن مستطیع شود اذن شوهر شرط نیست و حتی اگر اذن ندهد زن باید به حج برود و شوهر نیز نمی تواند زن را از انجام حج واجب منع نماید.

مسأله ۸۰ - هرگاه پدری ثبت نام کرده و فوت نموده و به یکی از فرزندان که مستطیع است وصیت کرده باشد که از طرف او حج به جا آورد اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او راه برایش باز شده باید برای پدرش حج به جا آورد، (2) مگر این که تیر عا و بدون اجازه به نیابت پدر آمده باشد که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به جا آورد (3).



مسأله ۸۱ - کسی که واجد شرائط حج باشد و فرزند و نوه ای دارد که نیاز به همسر دارد که اگر ازدواج نکند به حرام می افتد حج خودش مقدم است مگر این که ازدواج شان از مخارج عرفی (4) او محسوب شود و ترک تزویج آنها برای این شخص حرجی باشد (5). و با صرف مال نتواند هم برای او همسر بگیرد و هم حج برود در این صورت حج بر او واجب نیست.

مسأله ۸۲ - شخص معتادی که مستطیع است و شرائط وجوب حج را دارد ولی طبق مقررات کشوری نمی تواند به سفر حج برود اگر بتواند با ترک اعتیاد یا از راه مشروع دیگری به حج برود رفتن به حج بر او واجب است و الا باید نایب بگیرد (6).

مسأله ۸۳ - کسی که ملکی دارد که قیمت آن وافی به هزینه های حج است و الآن

---

1. آیه الله مکارم: بلکه لازم است به وصیت عمل کند و مستطیع نیست.

2. آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید برای خود حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

3. آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: در این صورت نیز برای پدرش حج به جا آورد.

4. آیه الله سیستانی، آیه الله گلپایگانی: ایشان قید مخارج عرفی را ندارند.

5. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه ای، مکارم: قید حج را ذکر نکرده اند.

6. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه ای، مکارم: اگر از قبل مستقر نشده باشد استنباه واجب نیست.

ملک درآمد ندارد لکن صاحب آن اطمینان دارد که وقتی ملک درآمد پیدا کند او هم از کار افتاده شده و باید از درآمد آن امرار معاش کند و به غیر از آن درآمد دیگری نخواهد داشت مستطیع نیست.

مسأله ۸۴ - کسی که بعد از حصول استطاعت و وجوب حج از دنیا رفته اگر سال اول استطاعت او بوده حج از عهده او ساقط است و ورثه نیز تکلیفی ندارند (1). و اگر حج قبلاً بر او مستقر شده چنانچه بعد از احرام و دخول حرم از دنیا رفته از حجة الاسلام کفایت می نماید و در غیر این صورت باید از اصل ترکه او برایش نایب بگیرند و حج میقاتی کافی است (2).

فصل دوم: نیابت

مسأله ۸۵ - در نایب اموری شرط است:

1- بلوغ در حج واجب

2- عقل

3- ایمان (یعنی اعتقاد به امامت دوازده امام علیهم السلام))

4- معرفت نایب به افعال و احکام حج ولو با ارشاد کسی در حال عمل.

5- ذمه نایب، مشغول به حج واجبی (3) در آن سال نباشد (4).

6- در ترک بعض افعال (5) حج معذور نباشد، البتہ اگر بعداً عذري پيدا شد کہ با انجام

---

1 آية الله خوئي: اگر قبل از احرام یا دخول حرم بمیرد ظاهراً قضا از او واجب شود.

2 آية الله مکارم: اگر بعد از احرام فوت شود حج از او ساقط است خواه بعد از دخول حرم و یا قبل از دخول حرم باشد.

3 آیات عظام: خوئي، تبريزي، سيستاني، بهجت: واجب منجزی در آن سال نباشد و این شرط صحت اجاره است بنابراین اگر غافل استطاعت بوده اجاره او هم صحیح است.

4 آية الله فاضل، آية الله مکارم: اگر ذمه او مشغول باشد نیابت او صحیح است هر چند گناه کرده است.

5 آية الله سيستاني، آية الله صافي: در خصوص کارهایی که ترک عمدي آنها موجب بطلان حج است لذا معذور بودن بیتوته در مني ضرري به نیابت نمی زند.

وظیفه معذور حج صحیح است نیابت او نیز صحیح می باشد (1). هر چند عذر قبل از احرام عارض شده باشد.

#### احکام نایب گرفتن

مسأله ۸۶ - لازم است اطمینان حاصل شود که نایب عمل را انجام می دهد، (2) و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می شود و نایب گرفتن صحیح است هر چند شک او قبل از عمل باشد.

مسأله ۸۷ - در منوب عنه اموري شرط است:

اول: اسلام (3)

دوم: در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد و یا اگر زنده است خودش از جهت عذري نتواند حج برود (4) که تفصیل آن در مسائل گذشته بیان شده است.

مسأله ۸۸ - در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست (5).

#### احکام نایب شدن

مسأله ۸۹ - نیابت زن از مرد و بالعکس صحیح است.

---

1 امام خميني: در اين فرض نيز نيابت صحيح نيست. آية الله خامنه اي اضافه فرمودند: در صورتي كه عذر منجر به نقص در اعمال شود.

2 آية الله خوئي، آية الله تبريزي: اگر نائِب مورد اطمینان باشد خیرش كافي است.

3 آية الله فاضل: در منوب عنه، اسلام و ايمان شرط است پس حج به نيابت كافر و مخالف صحيح نيست.

4 آیات عظام: امام خميني، خامنه اي، فاضل، مكارم: و حج بر او مستقر شده باشد.

5 آية الله فاضل: شرط هست ولي اگر حج قبل از جنون بر او مستقر شده عقل شرط نيست. و در صورت يأس از بهبودي يا بعد از فوت او بايد از مالش ولو از ميقات براي او استنابه كنند.

---

#### 40

مسأله ۹۰ - كسي كه تاكنون به حج نرفته و مستطيع نيست مي تواند از طرف ديگري نائِب شود.

مسأله ۹۱ - نائِب بايد در عمل قصد نيابت نمايد و منوب عنه را در نيت تعيين نمايد(1) ولو اجمالاً و شرط نيست اسم او را ذكر كند گرچه مستحب است.

مسأله ۹۲ - كساني كه مجازند اعمال مكه را بر وقوفين مقدم بدارند مي توانند نائِب شوند و نيابتشان صحيح است.

مسأله ۹۳ - خانمها كه مجازند در شب عيد قربان بعد از درك وقوف اضطراري مشعر به مني بروند مي توانند از ديگري نيابت در حج نمايند اما نيابت ضعفاء مثل پيرمرد صحيح نمي باشد(2).

مسأله ۹۴ - كسي كه در وقت اجاره از معذورين نبوده و در شب عيد با غفلت از لزوم وقوف اختياري بعنوان راهنما با زنها و مريضها وقوف اضطراري نموده و به مني رفته است (3). حج نيابي او صحيح است.

مسأله ۹۵ - كسي كه به ناچار بايد در بين عمره و حج تمتع از مكه خارج گردد از معذورين نيست و مي تواند از غير نيابت نمايد.

مسأله ۹۶ - نائِب در حج بلدي لازم نيست به شهر منوب عنه برگردد مگر آن كه در عقد اجاره شده باشد.

فوت نائِب

مسأله ۹۷ - ذمه منوب عنه فارغ نمي شود مگر به اين كه نائِب عمل را صحيحاً انجام

---

1 آية الله بهجت: با تعدد نيابت و در صورت اتحاد كافي است قصد نيابت واجبه مثلاً.

2 آية الله خوئي، آية الله تبريزي: نيابت ضعفا صحيح مي باشد.

آية الله سيستاني، آية الله مكارم: همچنين ساير ذوي الاعذار چون وقوف ركني را درك کرده اند نيابت آنان صحيح است.

3 امام خمینی: عمل مزبور مجزی از حج نیابتی استیجاری نیست.

دهد بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد (1) مجزی از منوب عنه است (2). و در این حکم بین حجة الاسلام و غیر آن و نیز بین نیابت تبرعی و اجاره فرقی نیست.

مسائل متفرقه نیابت

مسأله ۹۸ - لباس احرام و پول قربانی در حج نیابتی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

مسأله ۹۹ - نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

مسأله ۱۰۰ - نایب در حج و عمره مفرده اگر طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

مسأله ۱۰۱ - نایب گرفتن کسی که به جهت ضیق وقت قادر بر انجام حج تمتع نیست و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست ولی اگر در سعه وقت او را به نیابت گرفت و بعد وقت ضیق شد نایب به حج افراد عدول می کند و این حج از منوب عنه مجزی است.

مسأله ۱۰۲ - در یک سال حجة الاسلام برای بیش از یک نفر واقع نمی شود بنابراین نمی توان حجة الاسلام را به نیابت از طرف دو نفر و یا برای خود و دیگری بجا آورد اما انجام حج استحبابی و عمره مستحب به نیابت از چند نفر مانعی ندارد. همانگونه که انجام یک حج یا عمره مستحبی به نیت خود و دیگران صحیح است.

مسأله ۱۰۳ - کسی که اجیر شده برای حج تمتع، می تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می تواند برای خودش

1] آیه الله فاضل: در حرم بمیرد.

2] آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: و همچنین اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد.

طواف و عمره مفرده به جا آورد.

مسأله ۱۰۴ - کسانی که مانند خدمه کاروانها باید نیمه شب از مشعر الحرام برای انجام کارهای لازم یا همراه ضعفاء به منی بروند با توجه به این که از معذورین هستند نیابت آنان صحیح نیست، (1) مگر این که بتوانند برای درک مسمی و قوف اختیاری به مشعر برگردند یا عذر آنان طاری باشد (2).

نایب گرفتن

مسأله ۱۰۵ - در دو مورد نایب گرفتن واجب است:

اول: کسی که از دنیا رفته و حج واجب خود را انجام نداده در این صورت بر ورثه واجب است برای او نایب بگیرند اگر که ترکه وافی باشد مگر این که یکی از ورثه یا شخص دیگری حج میت را انجام دهد ولو تبرعاً.

دوم: این که کسی مستطیع است و به جهت عذری نمی تواند حتی در آینده خودش به حج برود که باید فوراً نایب بگیرد (3) و نایب گرفتن دیگری کفایت نمی کند. مگر از او وکالت داشته باشد (4) و در هر دو مورد فوق حج میقاتی کفایت می کند.

مسأله ۱۰۶ - هرگاه مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقفین را درک کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد.

---

1] آیه الله مکارم، آیه الله سیستانی: نیابت آنان صحیح است.

2] امام خمینی: فرقی بین عذر طاری و غیرطاری نیست به هر حال اگر نتواند برگردد به مشعر برای مسمی و قوف رکنی نیابت صحیح نیست.

3] آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، مکارم، فاضل: اگر حج بر او مستقر شده

4] آیه الله بهجت: چنانچه احراز رضایت شود و شاهد حال هم بر رضایت بود به طوری که اگر او بفهمد راضی است نیابت صحیح است با مراعات سایر جهات.

مسأله ۱۰۷ - کسی که در نایب گرفتن از طرف دیگری اختیار دارد می تواند برای او نایب بگیرد خواه اختیار او در خصوص مورد نیابت باشد و یا به نحو مطلق که شامل نایب گرفتن نیز بشود اما اگر در خصوص اموال اختیار تام دارد کفایت نمی کند (1).

مسأله ۱۰۸ - کسی که حج بر او مستقر شده لکن قبل از احرام و شروع در اعمال دیوانه شده تا زنده است نمی شود برای او نایب گرفت و یا تبرعاً برای او حج به جا آورد. و اگر عاقل نشد تا از دنیا رفت باید از ترکه او برایش نایب بگیرند.

#### احکام نیابت

مسأله ۱۰۹ - عمره مفرده استحبابی و طواف مستحب را می توان به نیابت از چند نفر انجام داد و باید اعمال آن از جمله طواف نساء را به نیت همه انجام دهد.

مسأله ۱۱۰ - کسی که برای حج نیابی به میقات آمده و از نیابت غافل شده و مُحرم شده است اگر ارتکازاً قصد منوب عنه را داشته به طوری که اگر کسی می پرسید جواب می داد برای منوب عنه حج بجا می آورم کفایت می کند و حج نیابی او صحیح است و اگر به کلی غافل باشد که اگر از او پرسیده شود جواب می دهد برای خود احرام می بندم باید حج را به نیت خود تمام کند مگر این که احرام او باطل باشد مثل این که حج بر او واجب نبوده و نیت حجة الاسلام کرده باشد (2).

مسأله ۱۱۱ - بعد از این که شخص بر احرام صحیحی مُحرم شد باید عملش را به همان نیت تمام کند و نمی تواند نیت خود را عوض کند یا دوباره با نیت دیگر مُحرم شود

---

1] آیه الله بهجت: با احراز رضایت او اشکال ندارد و تبرع از حیّ در حج واجب با عدم قدرت او اظهر جواز آن است و با اذن باشد احوط است در تفریغ ذمه.

آیه الله گلپایگانی: اجیر گرفتن از مال او بدون اطلاع او صحیح نیست بلی در صورتی که مبلغ اجاره را از مال خود تبرعاً بپردازد در فرضی که او عاجز از انجام حج است مانعی ندارد و مجزی از حجة الاسلام اوست.

2. آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: در این مثال احرام او صحیح است.

هر چند به نیت حج یا عمره استحبابی محرم شده باشد مثلاً اگر برای خود محرم شد نمی تواند نیت خود را به نیت نیابی عوض کند یا دوباره برای دیگری محرم شود.

مسأله ۱۱۲ - در نیت، خطور لازم نیست پس اگر نائب بعد از احرام شک کند که نیت نیابت کرده یا نه، اگر انگیزه او در حال احرام، نیابت بوده عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) تمام کند (1) و در نیابت به آن اکتفا نمی شود (2).

مسأله ۱۱۳ - کسی که خود در حال بج آوردن حج و یا عمره است می تواند در برخی اعمال مانند طواف و سعی از دیگران نائب شود.

مسأله ۱۱۴ - اگر نائب بعد از عمره تمتع از انجام حج عاجز شد نمی تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید.

مسأله ۱۱۵ - ایمان نائب در نیابت در اجزاء معتبر است و فقط در ذبح تفصیلی است که خواهد آمد.

مسأله ۱۱۶ - نائب باید اعمال حج و عمره را مطابق فتاوی مرجع تقلید خود انجام دهد (3) و اگر اجیر شده که به کیفیت خاصی عمل کند باید طوری عمل نماید که مراعات

1. آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر احتمال بدهد که نه قصد خود و نه قصد دیگری را کرده احرام او باطل است مگر این که در حال طواف مثلاً نیت معینی دارد که به همان نیت اعمال را تمام می کند.

2. آیه الله سیستانی: اگر احتمال می دهد در میقات به کلی از ذهنش نیت نیابت از غیر پاک شده بوده بنا می گذارد که احرامش برای خودش بوده و اگر این احتمال را نمی دهد همان طور که متعارف است در کسی که عازم بر نیابت بوده است بنا می گذارد که احرامش برای غیر بوده است.

آیه الله بهجت: در صورتی که قصد انجام وظیفه داشته، محلّ به نیابت نیست و عمل مجزی است.

3. آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر منوب عنه زنده باشد و یا وصیت کرده باشد که حج برای او بج آوردن باید مراعات تقلید او شود و در غیر این دو صورت مراعات تقلید او لازم نیست.

آیه الله سیستانی: باید طبق تقلید خودش عمل کند ولی اگر اجیر شده باشد که طبق نظر منوب عنه یا مستأجر عمل کند، چه با صراحت ذکر شده باشد و چه اطلاق منصرف به آن باشد، باید به همان نحو عمل کند مگر در صورت یقین به فساد عمل.

وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده بشود.

مسأله ۱۱۷ - در اجاره بر اعمال حج لازم نیست اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می کند(1).

مسأله ۱۱۸ - پدري که از دنیا رفته و یکی از فرزندان خود را برای نیابت حج از خود معین نموده چنانچه آن فرزند مستطیع شد هر چند با ارث پدر باید حج خود را بجآورد و باید برای پدر نایب بگیرد یا بعداً برای پدر حج بجآورد(2).

مسأله ۱۱۹ - بعد از آن که نائب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می شود و لازم نیست خودش حج کند اگر چه عذرش برطرف شود(3)، و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود(4).

مسأله ۱۲۰ - کسی که حج بر او مستقر شده است ولی به هیچ وجه نمی تواند حج برود و امید برطرف شدن مانع نیز وجود ندارد باید برای حج نائب بگیرد.

نیابت از طرف شخص زنده ای که حج از قبل بر او مستقر شده و اکنون بجهت

---

1 آیه الله خوئی: اگر اجیر بتواند اعمال را به نحوی انجام دهد که بدانند مطابق تقلید منوب عنه واقع می شود. و در صورتی که عمل طبق فتوای مقلد منوب عنه به نظر نایب باطل باشد باید عمل به احتیاط کند.

2 آیه الله سیستانی: مگر این که وصیت شده باشد که حج را همان سال استطاعت انجام دهد در این صورت اگر مطمئن باشد که سال بعد می تواند حج خود را انجام دهد به وصیت عمل کند و گرنه در آن سال حج خود را انجام دهد و حج از جانب پدر را سال بعد انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر حج واجب بر عهده پدر بوده در همان سال نایب بگیرد تا تأخیر در انجام وصیت نشود.

آیه الله مکارم: اگر میت شرط مباشرت کرده نمی تواند نایب بگیرد.

3 آیه الله صافی: در صورتی که حج بر او مستقر بوده با تمکن باید خودش حج بجآورد، و همچنین اگر مستقر نبوده ولی استطاعتش باقی باشد باید حج بجآورد.

4 آیه الله گلپایگانی: مگر این که در اثناء عمل بعد از احرام عذر برطرف شود ولی منوب عنه تمکن از انجام عمل کامل نداشته باشد که در این صورت حج نائب مجزی است.

عدم توانایی مالی نمی تواند به حج برود صحیح نیست هر چند نیابت تبرعی باشد.

مسأله ۱۲۱ - حج به نیابت حضرت ولی عصر سلام الله علیه و ارواحنا له الفداء جایز است(1).

مسأله ۱۲۲ - مستحب است از طرف ائمه معصومین(علیهم السلام) و همچنین از طرف خویشاوندان یا غیر آنها تبرعاً حج به جا آورد چه زنده باشند و چه مرده و نیز طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آنکه در مکه نباشند یا معذور باشند.

مسأله ۱۲۳ - کسی که برای حج اجیر می شود نمی تواند شرط کند برای طواف نساء(2) یا عمل دیگری که نیابت بر دار است نائب می گیرم مگر برای ذبح که اشکال ندارد.

مسأله ۱۲۴ - کسی که زمان کافی برای حج تمتع را دارد ولی احتمال قوی می دهد که بعداً نتواند اعمال را بنحو عادی انجام دهد و ممکن است حج تمتع را مبدل به افراد کند می تواند نایب شود و اگر وظیفه او عدول به افراد شد و حج افراد بجا آورد از منوب عنه کفایت می کند(3).

مسأله ۱۲۵ - افرادی که شب دهم باید با زنها و ضعفاء همراهی کنند و به منی بروند اگر با جهل به مسأله شرعی نایب شوند نیابت آنها صحیح نیست و از منوب عنه کفایت نمی کند(4).

---

۱] آیه الله مکارم: برجاء مطلوبیت.

۲] آیه الله سیستانی: در عملی مانند طواف نساء که صحت حج بر آن متوقف نیست، اگر از ابتداء هم عذر او معلوم باشد نیابت صحیح است.

۳] آیه الله صافی: اگر وضع به طوری است که نایب عند العرف استطاعت حج تمتع را دارد از حج منوب عنه مجزی است و الا در صورت عدول، مجزی از منوب عنه نیست.

۴] آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: در فرض مسأله، نیابت صحیح است.

آیه الله تبریزی: اگر در وقت دانستن مسأله امکان برگشتش به مشعر و درک وقوف نبود حج آنها صحیح است.

مسأله ۱۲۶ - منظور از معذوری که نمی تواند در حج نایب شود کسی است که نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد(1).

مسأله ۱۲۷ - کسی که قرائت نمازش صحیح نیست و نمی تواند آن را تصحیح نماید از معذورین است و نباید نایب شود و چنانچه به نیابت از غیر محرم شود نیابت او باطل است (2) ولی باید عمل را تمام نماید، و اگر می تواند قرائتش را تصحیح کند نیابتش صحیح است و باید قرائت خود را تصحیح نماید(3).

مسأله ۱۲۸ - نیابت شخص معذور صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمی کند خواه مستنوب و منوب عنه در هنگام نیابت بدانند که او معذور است یا ندانند.

فصل سوم: حج استحبابی

مسأله ۱۲۹ - انجام حج برای کسی که شرائط وجوب حج مثل بلوغ و استطاعت و مانند آن را ندارد و یا حج واجبش را انجام داده استحباب دارد بلکه مستحب است تکرار حج در هر سال و مکروه است ۵ سال متوالی آن را ترک کند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برنگشتن داشته باشد(4).

---

۱] آیه الله سیستانی: در خصوص اعمالی که در صحت حج مدخلیت دارند ولی اگر در صحت حج دخالت ندارند مانند طواف نساء و بیتوته در منی معذور بودن در آنها مضرّ به نیابت نیست و همین طور اگر در وقوف بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت او صحیح است.

۲] آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه ای: نیابت و احرام او باطل است.



آیه الله بهجت: اگر احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد، نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی توانسته نایب شود.

3 آیه الله فاضل: گرچه به تلقین شخص دیگری باشد که آن بخواند و نایب هم با او بخواند.

4 آیه الله مکارم: ولی اگر انجام حج های مستحبی پی در پی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب شود بهتر است مجال را به آنها بدهند.

مسئله ۱۳۰ - کسی که استطاعت مالی ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود در صورتی که می تواند قرض را ادا کند.

مسئله ۱۳۱ - در وقت شروع به حج استحبایی یا بعد از انجام آن می تواند ثواب آن را به دیگران هدیه کند.

مسئله ۱ - 32 - کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری به حج برود.

#### استیجار در حج

مسئله ۱۳۳ - اگر در وسعت وقت اجیر شود که حج تمتع به جا آورد بعداً اتفاقاً وقت ضیق شد و حج خود را مبدل به افراد کرد چنانچه اجاره بر انجام عمره و حج تمتع باشد استحقاق اجرت را نخواهد داشت و اگر اجاره بر تفریغ ذمه منوب عنه بوده (1) اجرت را مستحق خواهد بود.

مسئله ۱۳۴ - اگر اجیر بعد از احرام و داخل شدن در حرم (2) بمیرد چنانچه اجاره بر تفریغ ذمه منوب عنه باشد (3) مستحق تمام اجرت می باشد و اگر برای انجام اعمال حج اجیر شده فقط نسبت به اعمالی که انجام داده استحقاق اجرت دارد مگر این که اعمال را به نحوی انجام دهد که در عرف گفته شود عمره و حج را انجام داده در این صورت مستحق تمام اجرت است اگرچه بعضی اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد (4).

---

1 آیات عظام: خامنه ای، مکارم، بهجت: که ظاهر در اجاره هم همین است.

2 آیه الله فاضل: اگر در حرم بمیرد.

3 آیات عظام: مکارم، بهجت، خامنه ای: که ظاهر در اجاره همین است.

4 آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: در این صورت هم فقط به مقدار اعمالی که انجام داده مستحق اجرت است.

مسئله ۱۳۵ - اگر اجیر قبل از احرام و یا دخول حرم بمیرد چنانچه اجاره بر تفریغ ذمه (1) منوب عنه باشد مستحق چیزی نخواهد بود (2) و اگر برای انجام اعمال اجیر شده مستحق اجرت آنچه از اعمال حج انجام داده می باشد و اگر مقدمات هم جزء اجاره باشد اجرت مقدماتی را هم که انجام داده مستحق است (3).

مسئله ۱۳۶ - شخصی که در وقت اجیر شدن برای حج یا عمره از معذورین نبوده و بعداً عذری برای او پیش آمد و طبق وظیفه معذور عمل نمود عمل نیایی او صحیح و مستحق تمام اجرت خواهد بود (4).

مسأله ۱۳۷ - اگر شخص برای حج بلدي نائِب شد و قصد داشت که حج را از شهر خاصی بجا آورد چنانچه با غفلت از نیابت از آن شهر حرکت کند لازم است برگردد (5). و سفر حج را از آن شهر شروع کند ولی اگر بر نگشت حج نیابی او صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد (6).

---

1 آیات عظام: بهجت، خامنه ای، مکارم: که ظاهر اجاره همین است.

2 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر بعد از احرام بمیرد مستحق تمام اجرت است.

3 آیه الله بهجت: اگر قبل از احرام مرده بعید نیست اجرت مقدار راهی که پیموده مستحق باشد.

4 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: نیابت صحیح نیست و از جهت اجرت باید به اجیرگیرنده مراجعه نماید و یا در صورتی که اجاره موقت به زمان مخصوصی که منقضی شده نباشد دوباره عمل نیابتی صحیح بجا آورد.

آیه الله تبریزی، آیه الله صافی: در اجرت با اجیرکننده تراضی کنند.

5 آیه الله بهجت: لازم نیست برگردد.

آیه الله مکارم: مگر این که نیت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد.

6 آیه الله سیستانی: حج او صحیح است مطلقاً، ولی اگر اجاره بر حج بلدي به نحو تقیید باشد مستحق اجرت نیست و اگر شروع از بلد منوب عنه جزو عمل مورد اجاره باشد مستحق اجرت می باشد ولی مستأجر می تواند اجرت المثل آن قسمت را که به جا نیاورده از او بگیرد و می تواند اجاره را فسخ کند ولی باید اجرت المثل حج او را بدهد، و اگر شروع از بلد از باب شرط ضمن عقد باشد مستأجر فقط می تواند اجاره را فسخ کند و در این صورت اجرت المثل او را باید بدهد.

حج سه قسم است: تمتع، قران(1)، افراد

مسأله ۱۳۸ - کسی که می خواهد حجة الاسلام انجام دهد چنانچه فاصله محل زندگی او با مکه 48 (2)میل - ۱۶ فرسخ (3)- یا بیشتر باشد باید حج تمتع بجآورد (مگر در بعض فروض که وظیفه او بدل به افراد می شود که تفصیل آن خواهد آمد)

و در غیر این صورت باید حج افراد یا قران بجآورد اما در غیر حجة الاسلام بین اقسام سه گانه حجّ مخیر است.

### حج افراد

برای انجام حج افراد باید در میقات به نیت حج افراد محرم شود و مثل سائر حجاج و قوف در عرفات و مشعر نموده اعمال منی و مکه و بیتوته در منی و اعمال ایام تشریق را

1 با توجه به این که حج قران و مسائل مربوط به آن مورد ابتلا نیست از ذکر آن خودداری می شود.

2 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: با مسجدالحرام

3 آیه الله مکارم: یعنی حدود ۸۶ کیلومتر.

انجام دهد ولی قربانی بر او واجب نیست.

مسأله ۱۳۹ - کیفیت افعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه مانند حج تمتع است.

### حج تمتع

حج تمتع از دو عمل تشکیل شده است یکی عمره تمتع و دیگری حج آن و عمره تمتع مقدّم بر حج است.

اعمال عمره تمتع:

1- احرام ۲- طواف خانه خدا ۳- نماز طواف ۴- سعی بین صفا و مروه ۵- تقصیر

اعمال حج تمتع:

- 1- احرام
- 2- وقوف در عرفات
- 3- وقوف در مشعر
- 4- رمي جمره عقبه
- 5- قرباني
- 6- حلق يا تقصير
- 7- طواف زيارت
- 8- نماز طواف
- 9- سعي بين صفا و مروه
- 10- طواف نساء
- 11- نماز طواف نساء
- 12- ماندن در مني شبهاي يازدهم و دوازدهم و نيز شب سيزدهم براي بعض

اشخاص.

13- رمي جمرات سه گانه در روز يازدهم و دوازدهم و نيز رمي روز سيزدهم براي كسي كه شب سيزدهم در مني بماند.

آنچه ذكر شد صورت اجمالي اين دو عمل است كه تفصيل آنها خواهد آمد.

مسأله ۱۴۰ - دانستن اين اعمال ولو بطور اجمالي قبل از شروع در عمره و حج لازم نيست بلكه كافي است كه نيت كند عمره تمتع را، يعني عبادتي را كه خداوند بر او واجب کرده و همين طور حج تمتع را به نحوي كه واجب است بر او و كيفيت و تفصيل هريک را از رساله در وقت عمل ياد بگيرد و عمل كند، ولي يادگرفتن اجمالي آن بهتر و موافق احتياط است.

مسأله ۱۴۱ - در عمره تمتع طواف نساء واجب نيست.

مسأله ۱۴۲ - اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع، شك كند كه عمره تمتع را بجآورده يا نه، يا شك كند كه صحيح بجآورده يا نه، اعتنا نكند و عملش صحيح است.

مسأله ۱۴۳ - اگر در هر يك از اعمال عمره يا حج شك كند بعد از آن كه وارد عملي كه مترتب بر آن است شده به شك خود اعتنا نكند چه شك او در انجام دادن عمل باشد و چه در صحت آن.

مسأله ۱۴۴ - عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع بجا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی باشد.

مسأله ۱۴۵ - باید عمره تمتع و حج تمتع، هر دو در ماه های حج واقع شود و ماه های حج: شوال و ذی قعدة و ذی حجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی قعدة عمره تمتع بجا آورد و در موقع حج، حج تمتع بجا آورد صحیح است. و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع بجا آورد صحیح نیست، اگرچه بعضی اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماه های حج.

بخش دوم:

#### اعمال عمره تمتع

1- احرام: احرام عمره تمتع باید در محل خاصی که (میقات) نامیده می شود انجام شود.

#### فصل اول: میقات

برای احرام عمره تمتع پنج میقات وجود دارد.

1- مسجد شجره که آن را ذوالحلیفه می نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می روند.

مسأله ۱۴۶ - تأخیر احرام از این میقات تا جحفه در صورت ضرورت جایز است مانند بیماری.

مسأله ۱۴۷ - احرام بستن از داخل مسجد شجره لازم نیست بلکه از بیرون مسجد به طوری که از محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد کافی است (1) هرچند از

---

1] آیه الله خامنه ای، آیه الله بهجت: احرام بستن از خارج مسجد کفایت نمی کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و همینطور احرام بستن از پشت دیوار مسجد صحیح است.

آیه الله خوئی: احرام در منطقه ذوالحلیفه صحیح است.

داخل مسجد مستحب است و در داخل مسجد فرقی بین قسمت قدیمی و قسمتهای توسعه یافته نیست.

مسئله ۱۴۸ - جنب و حائض می توانند در خارج مسجد به تفصیلی که در مسئله قبل گذشت (۱) محرم شوند و چنانچه بخواهند در داخل مسجد محرم شوند باید در حال عبور باشد) به این صورت که از دری وارد و از درب دیگر خارج شوند) و اگر توقف کنند معصیت کرده اند هر چند احرام آنها صحیح است.

تذکر: بنابر نظر آیات عظام بهجت و خامنه ای نمی توان به احرام از خارج مسجد اکتفا نمود و نظر به این که انجام احرام در جحفه و محاذی آن آسان نیست لذا زن حائض می تواند با نذر صحیح از مدینه منوره محرم شود.

## 2- جحفه

مسئله ۱۴۹ - کسانی که فعلا از راه جده به مکه می روند می توانند از این میقات محرم شوند.

مسئله ۱۵۰ - میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای آن می توان محرم شد.

3- وادی عقیق: که اوائل آن را مسلخ و اواسط آن را غمره و اواخر آن را ذات عرق می گویند که محل احرام عامه است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند.

4- قرن المنازل: و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می روند.

5- یلملم: که نام کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه می روند.

1 آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: برای حیاض و نساء احرام بستن در خارج مسجد هر چند در محاذی آن صحیح است (آقای آیه الله مکارم حکم جنب را نیز همین دانسته اند).

## احکام مواقیب

مسئله ۱۵۱ - اگر مستطیع از روی علم و عمد احرام را از میقات تأخیر بیندازد و بواسطه عذری نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری در پیش نداشته باشد حج او باطل است و باید سال دیگر حج بجاورد (۱).

مسئله ۱۵۲ - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسئله یا عذر دیگر بدون احرام یا با احرام باطل از میقات عبور کند چهار فرض دارد:

1- این که بتواند به میقات برگردد به طوری که به اعمال عمره برسد در این فرض باید به میقات برود و در میقات محرم شود هر چند داخل حرم شده باشد(2).

2- این که نتواند به میقات برگردد و هنوز داخل حرم نشده است در این فرض از همانجا محرم می شود و احتیاط مستحب این است که هر قدر می تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود.

3- اگر داخل حرم شده و امکان بازگشت به میقات را ندارد ولی می تواند از حرم خارج شود باید از حرم خارج شود (3) و محرم شود.

---

1. فتوای آیه الله خوئی در این مسأله این است که اگر بر طبق آنچه در مسأله آینده در معذور خواهد آمد عمل کند حج او صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر از میقات ذوالحلیفه عبور کرده و می تواند به جحفه برود باید در جحفه محرم شود و حج او صحیح است.

2. این حکم در غیر مسجد شجره است پس کسی که از آن عبور کند هر چند عمدی باشد می تواند از جحفه محرم شود هر چند گناه کرده.

آیه الله مکارم: بازگشت به میقات لازم نیست و می تواند در خارج حرم محرم شود.

3. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر از میقات دیگری عبور می کند از میقات بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که می تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچ یک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

4- این که داخل حرم شده و امکان بازگشت به خارج حرم را نیز ندارد در این فرض باید از داخل حرم محرم شود و احتیاط مستحب این است که هر قدر می تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود.

مسأله ۱۵۳ - گرانی بیش از حد کرایه برای بازگشت به میقات عذر محسوب نمی شود مگر موجب حرج باشد.

مسأله ۱۵۴ - زن حائض اگر به مسأله آگاه نبود و عقیده داشت که نباید از میقات محرم شود و احرام نیست حکمش همان است که در مسأله قبل گذشت(1).

مسأله ۱۵۵ - کسی که می خواهد از میقات احرام ببندد باید یقین یا اطمینان به رسیدن میقات پیدا نماید و یا حجت شرعی داشته باشد (2). و گفته راهنما یا حمله دار کافی نیست مگر از گفته او اطمینان حاصل شود(3).

مسأله ۱۵۶ - کسانی که با هواپیما برای حج یا عمره به جده می روند و نیز شاغلین(4) ایرانی و غیر ایرانی در جده، نمی توانند از جده یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه (5) بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین عمره تمتع یا مفرده نیست(6).

---

1. آیه الله مکارم: این زن اگر می تواند باید به میقات برگردد.

2. آیه الله تبریزی: گفته کسانی که در آنجا زندگی می کنند حجت شرعی محسوب می شود.

امام خميني، بهجت، خامنه اي، صافي، گلپايگاني: اگر علم و بيّنه ممکن نشد مي تواند به ظن حاصل از گفته کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها هستند اكتفا کند.

3 آية الله تيريزي، آية الله خوئي: يا اين که آنها ثقة باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

4 آية الله خوئي: اگر حدود سه سال در جدّه مي ماند که صدق مقر و منزل بر آن بکند مي تواند از جدّه محرم شود.

5 آية الله بهجت: يا محاذات آن

آية الله سيستاني: از جدّه با نذر محرم شود زیرا جنوب شرقي آن محاذي با جحفه است. ولي در صحت احرام به نذر براي کسي که مي داند مجبور به تظليل مي شود اشکال است.

6 آيات عظام: صافي، گلپايگاني، فاضل، بهجت: در عمره مفرده احرام از ادني الحل کفايت مي کند اگر چه عبور از ميقات بدون احرام گناه است.

آية الله مکارم: در عمره مفرده بايد در حديبيه يا يکي از مواقيت پنج گانه محرم شود و احرام در مواقيت پنج گانه افضل است.

#### احرام قبل از ميقات

مسأله ۱۵۷ - احرام بستن پيش از رسيدن به ميقات جايز نيست و اگر احرام بست احرام او صحيح نمي باشد مگر با نذر که مسائل آن خواهد آمد.

#### احرام از محاذي ميقات

مسأله ۱۵۸ - هرگاه از راهي برود که از هيچ يک ميقاتها عبور نکند بايد از محاذات ميقات احرام ببندد هر چند در مسير خود به محاذي ميقات ديگري نيز برخورد کند (1). بيله اگر ميقات ديگري در پيش داشته باشد تأخير احرام تا آن ميقات جايز است (2).

مسأله ۱۵۹ - مراد از محاذات آن است که کسي که به طرف مکه مي رود، به جايي برسد که ميقات به طرف راست يا چپ او واقع شود به خط راست به طوري که اگر از آنجا بگذرد ميقات متمايل پشت او شود.

مسأله ۱۶۰ - رسيدن به محاذات مانند رسيدن به ميقات بايد براي مکلف به يکي از راه هايي که در مسأله ۱۵۵ گذشت (3) اثبات گردد.

---

1 آية الله سيستاني: در اين فرض مخير است از هر کدام محرم شود گرچه احتياط مستحب احرام از محاذي اولي است.

2 آية الله گلپايگاني، آية الله صافي: در اين فرض نيز بايد در محاذات ميقات اول محرم شود.



3 آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، صافی، گلپایگانی، بهجت: در اثبات محاذات قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیة محاذات را تعیین می کنند اگر موجب گمان باشد ظاهراً کافی است.

مسأله ۱۶۱ - اگر ثابت نشود که رابع محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست(1).

#### تأخیر احرام از میقات

مسأله ۱۶۲ - اگر بدون احرام (2) از میقات عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود هر چند میقات دیگری هم در پیش داشته باشد(3).

#### احرام با نذر

مسأله ۱۶۳ - اگر نذر کند که از محلی پیش از میقات احرام ببندد جایز است و باید از همان جا محرم شود مثلاً اگر نذر کرد از شهر خود یا در مدینه منوره محرم شود باید به نذر خود عمل کند و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند و در این حکم فرقی بین حج یا عمره واجب و یا مستحب نیست. خواه از طرف خود باشد یا به نیابت از دیگری.

مسأله ۱۶۴ - نذر برای احرام مثل سایر نذر ها باید با صیغه شرعیه انجام شود مثلاً در احرام عمره تمتع بگوید: *بسم الله علی أن أحرم لعمره التمتع من المدينة الطيبة و یا ترجمه آن را به زبان دیگر بگوید مانند این که به فارسی بگوید: برای خدا بر من است که از مدینه طیبه محرم شوم برای عمره تمتع.*

1 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: نظر به این که رابع قبل از جحفه است احرام با نذر از آنجا صحیح است.

2 آیه الله فاضل: بدون عذر

آیه الله بهجت: در حال اختیار

3 آیه الله سیستانی: مگر کسی که بدون عذر از نوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد که بنابر اظهر کافی است از جحفه احرام ببندد هر چند گناه کرده است.

آیه الله مکارم: در این فرض می تواند از میقات دوم محرم شود.

مسأله ۱۶۵ - نذر زن برای احرام باید به اذن شوهر باشد مگر این که با حق او منافات نداشته باشد (1). بنابراین اگر بدون اذن شوهر نذر کرد و قبل از میقات محرم شد و با این حال از میقات گذشت احرامش باطل است. و حکم کسی را دارد که بدون احرام از میقات عبور کرده است.

#### مسائل متفرقه میقات

مسأله ۱۶۶ - کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند باید به یکی از مواقیع معروفه بروند و نمی توانند بدون احرام از میقات عبور کنند و در صورت عبور (2) واجب است به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند و اگر نمی توانند در خارج از حرم محرم شوند.

مسأله ۱۶۷ - شخصی که در مکه است اگر بخواهد عمره تمتع بجآورد باید به یکی از میقات های پنجگانه برود و چنانچه به عللی از رفتن به میقات معذور باشد لازم است به خارج حرم برود (3) و از آنجا محرم شود و احرام از ادنی الحل کافی است.

مسأله ۱۶۸ - کسی که وظیفه اش احرام در میقات های معروفه است اگر در جای دیگری مانند جدّه محرم شود احرام او صحیح نیست و محرمات احرام بر او حرام نمی شود و در این حکم فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست.

مسأله ۱۶۹ - احرام در مواقیع یا ادنی الحل لازم نیست در مساجد این اماکن واقع شود بجز مسجد شجره به تفصیلی که گذشت.

مسأله ۱۷۰ - کسی که در یکی از میقات ها محرم شد می تواند برخلاف جهت مکه از

---

1 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، گلپایگانی، صافی: اذن شوهر مطلقاً معتبر است.

آیات عظام: خوبی، سیستانی، تبریزی: با این که صحت حج بر آن متوقف باشد.

2 آیات عظام: فاضل، بهجت، صافی، گلپایگانی: احرام از ادنی الحل کفایت می کند

3 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: هر قدر می تواند به طرف میقات برود محرم شود.

میقات فاصله بگیرد و سپس با همان احرام از میقات یا محاذی آن عبور کند مثل این که از مسجدشجره به مدینه برگردد پس از یک یا چند روز از همان راه یا راه دیگر به مکه برگردد.

مسأله ۱۷۱ - کسی که در یکی از ماه های قمری عمره مفرده انجام داده در ماه دیگر نمی تواند بدون احرام از میقات عبور کند.

مسأله ۱۷۲ - کسی که قبل از رسیدن به میقات دیوانه شد واجب نیست او را محرم کنند و ورود او بدون احرام به مکه مانعی ندارد.

مسأله ۱۷۳ - کسی که برای احرام عمره تمتع به میقات رفته اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته یا نیت نکرده یا به جهت دیگر احرامش درست نبوده و بازگشت به میقات برای او ممکن نیست مگر این که به مکه بیاید، باید برای دخول مکه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده محرم شود و عمره مفرده انجام دهد و برای احرام عمره تمتع باید به یکی از مواقیع پنجگانه برود.

## فصل دوّم: واجبات احرام

مسأله ۱۷۴ - واجبات در وقت احرام سه چیز است:

1- نیت ۲- تلبیه ۳- پوشیدن جامه احرام

### نیت

در نیت چهار امر معتبر است:

اول: قصد قربت.

دوم: همزمان بودن نیت با شروع در احرام.

سوم: تعیین عملی که برای آن محرم می شود که حج است یا عمره و نوع آنها و قصد نیابت اگر احرامش نیابی است.

چهارم: باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می کند نداشته باشد (1).

مسأله ۱۷۵ - لازم نیست نیت احرام را بر زبان جاری کند یا در ذهن خود بگذراند.

مسأله ۱۷۶ - عمره و حج و تمام اجزای آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای خداوند تعالی بجا آورد.

مسأله ۱۷۷ - اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

مسأله ۱۷۸ - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد، عملش صحیح

1 آیات عظام گلپایگانی، بهجت، مکارم، صافی: بلکه قصد ترک جمیع محرّمات احرام لازم است.

می شود، گرچه معصیت کار است.

مسأله ۱۷۹ - اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر، به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کرد، پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه بجا می آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش، حج تمتع است ظاهراً عمل او صحیح است و عمره او تمتع است و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

مسأله ۱۸۰ - اگر بواسطه ندانستن مسأله یا عذر دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند با این قصد که بعد از احرام به عرفات و مشعر برود و اعمال حج را انجام دهد و بعد از آن عمره انجام دهد احرامش باطل است و باید در میقات تجدید احرام کند و اگر از میقات گذشته بر اساس آنچه در مسأله ۱۵۱ و ۱۵۲ گذشت عمل کند.

مسأله ۱۸۱ - کسی که با وجود استطاعت خیال می کرده مستطیع نیست و به نیت استحباب محرم شده چنانچه قصدش امتثال امری بوده که فعلاً متوجه به اوست، احرامش صحیح و برای حجة الاسلام واقع می شود (۱).

مسأله ۱۸۲ - غیر مستطیع اگر به تصور این که مستطیع است به نیت انجام حجة الاسلام محرم شود احرامش صحیح نیست مگر این که قصدش امتثال امری باشد که فعلاً متوجه اوست که در این صورت احرام او برای حج استحبابی واقع می شود.

مسأله ۱۸۳ - کسی که وظیفه اش عمره تمتع بوده و ندانسته به نیت عمره مفرده محرم شده چنانچه قصد انجام وظیفه فعلی را داشته و اشتبهاً آن را بر عمره مفرده تطبیق کرده احرامش برای عمره تمتع واقع می شود و الا احرام عمره مفرده محسوب می شود.

مسأله ۱۸۴ - کسی که قبلاً حج واجب خود را انجام داده یا بدلیل نداشتن شرائط استطاعت حج بر او واجب نیست و می خواهد حج استحبابی انجام دهد اگر از روی

---

. [آیه الله سیستانی: بلکه مطلقاً حج او از حجة الاسلام کفایت می کند.]

ناآگاهی یا فراموشی در نیت احرام عمره، احرام عمره تمتع از حجة الاسلام را نیت نماید احرامش صحیح است و برای حج مستحبی واقع می شود.

مسأله ۱۸۵ - خدمه ای که بواسطه وظائفی که دارند نمی توانند در عرفات و منی در حالت احرام باشند می توانند برای ورود به مکه عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج تمتع بجا آورد.

مسأله ۱۸۶ - پس از این که شخص به طور صحیح برای حج یا عمره محرم شد نمی تواند احرام خود را به هم بزند و اگر لباس احرام را هم از تن درآورد و قصد بیرون آمدن از احرام را نیز نکند باز در احرام خود باقی است و محرمات احرام بر او حلال نمی شود و اگر کاری که موجب کفاره است انجام دهد باید کفاره بدهد.

مسأله ۱۸۷ - قصد ابطال عمره یا حج یا بعض اجزاء آن مبطل نمی باشد.

مسأله ۱۸۸ - دوم تلبیه: یعنی لبیک گفتن به این صورت که بگوید:

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» با گفتن این جملات شخص محرم می شود و مستحب است پس از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» بلکه موافق احتیاط است و نیز مستحب است بعد از آن بگوید: «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَيَّ دَارَ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلَابِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بُدِيًّا وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ نَسْتَعِينِي وَيُقْفِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَإِبْنُ عَبْدِيكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ.»

مسأله ۱۸۹ - واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می تواند و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است و

لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته شد تکرار کند بلکه کافی است بگوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تکرار کند «لبیک» را فقط.

مسأله ۱۹۰ - واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیره الاحرام در نماز واجب است.

مسأله ۱۹۱ - اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد و یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

مسأله ۱۹۲ - کسی که لال است باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد (1) و بهتر است نائب هم بگیرد.

مسأله ۱۹۳ - کسی که به هر دلیلی نمی تواند تلبیه را صحیح بگوید اگرچه با تلقین باید به هر نحوی که می تواند بگوید و کفایت می کند اگر عرفاً تلبیه بر آن صدق کند، و الا بنا بر احتیاط علاوه بر آنچه می تواند، ترجمه تلبیه را بگوید و اگر اصلاً نمی تواند بگوید اکتفا به ترجمه، خالی از وجه نیست.

مسأله ۱۹۴ - اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نداشته باشد و با تلقین هم نتواند بگوید باید به هر نحو که می تواند بگوید و کافی است و لازم نیست ترجمه اش را هم بگوید یا نائب بگیرد گرچه موافق احتیاط است.

مسأله ۱۹۵ - تأخیر تلبیه واجب از میقات جایز نیست و اگر تأخیر انداخت محرم نشده که حکم آن در مسأله ۱۵۱ و ۱۵۲ گذشت.

مسأله ۱۹۶ - اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطه عذری و چه بدون عذر،

۱. [آیه الله سیستانی: اگر در اثر عارضه ای لال شده و الفاظ تلبیه را می داند. به مقداری که می تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چه به گفتن ترجمه آن باشد.

چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد کفاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مسئله ۱۹۷ - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، شک کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید شک کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است(1).

مسئله ۱۹۸ - ترجمه تلبیه واجب این است که بگوید: «اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا. خدایا! اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را» و اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

### قطع تلبیه

مسئله ۱۹۹ - کسی که برای عمره تمتع محرم شده باید وقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید و مراد از خانه‌های مکه خانه‌هایی است که در زمانی که عمره به جا می‌آورد جزو مکه باشد هر چند مکه بزرگ شود (2) و کسی که احرام حج بسته لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

مسئله ۲۰۰ - کسی که برای عمره مفرد محرم شده اگر از خارج مکه به سوی آن می‌آید هنگام داخل شدن به حرم لبیک را قطع نماید و اگر از مکه برای احرام به خارج حرم رفته است هنگام مشاهده کعبه لبیک را قطع کند.

1. آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: در هر دو صورت اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می‌شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید.

2. آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: بلکه مراد خانه‌های مکه قدیم است.

### پوشیدن جامه احرام

مسئله ۲۰۱ - سوّم پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را بر دوش بیندازد و لازم است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط مستحب آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسئله ۲۰۲ - لنگ باید به اندازه‌ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند و رداء نیز باید به قدری باشد که شانه‌ها را بپوشاند به گونه‌ای که رداء صدق نماید.

مسئله ۲۰۳ - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب معتبر نیست همانطور که کیفیت خاصی نیز معتبر نمی باشد بلی باید یکی را بهر کیفیتی که می خواهد لنگ قرار دهد و دیگری را به هر کیفیتی که می خواهد رداء قرار دهد.

مسئله ۲۰۴ - لباس احرام باید دو جامه جدا باشد و در حال اختیار نمی توان به یک جامه بلند که مقداری از آن لنگ و مقداری رداء قرار داده شده اکتفا نمود.

مسئله ۲۰۵ - پوشیدن جامه احرام، عملی عبادی است و در آن نیت و قصد قربت لازم است و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد قربت داشته باشد.

مسئله ۲۰۶ - شرائط لباس نمازگزار در دو جامه احرام معتبر است بنابراین جامه حریر و جامه نجس به نجاستی که در نماز از آن عفو نشده کفایت نمی کند.

مسئله ۲۰۷ - جامه ای را که لنگ قرار می دهد نباید به قدری نازک باشد که بدن نما باشد ولی در رداء این شرط معتبر نیست. گرچه موافق احتیاط است.

مسئله ۲۰۸ - در حال احرام هرگاه این دو جامه نجس شود باید آن را تطهیر یا تبدیل کند (۱) ولی اگر تطهیر و تبدیل ننماید ضرر به احرامش نمی زند و کفاره هم ندارد. اما تطهیر بدن لازم نیست مگر برای نماز و طواف.

---

۱] آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط مستحب

مسئله ۲۰۹ - لباس احرام می تواند از غیر منسوج مانند پوست یا نمد باشد اگر عرفاً به آن جامه گفته شود.

مسئله ۲۱۰ - لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد بلکه می تواند آن را عوض کند و برای شستن، استحمام و مانند آن بیرون آورد ولی اگر جامه را عوض کرد افضل آن است که برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده بپوشد.

مسئله ۲۱۱ - شخص محرم می تواند برای حفظ از سرما و یا غرض دیگر بیش از دو جامه احرام بپوشد (۱) مثل دو یا سه رداء و دو یا سه لنگ.

مسئله ۲۱۲ - محرم می تواند برای آشکار نشدن عورت یا اغراض دیگر قطعه ای پارچه زیر لنگ بسته آن را از میان دو پا عبور دهد.

مسئله ۲۱۳ - وصل نمودن قسمتی از لباس احرام به قسمت دیگر با سنجاق و گیره و مانند آن جایز است (۲) و نیز گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولیکن نباید آنچه را لنگ قرار داده به گردن گره بزنند ولی اگر از روی جهل یا فراموشی گره زد باید بنابر احتیاط فوراً آن را باز نماید ولی اگر باز نکرد یا از ابتداء عمداً گره زد به احرامش ضرر نمی زند و چیزی بر او نیست.

لباس احرام بانوان

مسئله ۲۱۴ - دو جامه ذکر شده که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است ولی زن می تواند در لباس های عادی خود به هر نحو که هست محرم شود چه دوخته باشد و چه

---

1 آية الله فاضل: ولي همه آنها بايد شرائط لباس احرام را داشته باشد.

2 آية الله صافي، آية الله گلپايگاني: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بين دو طرف حوله به نحوي که حوله به صورت يقه پيراهن درآيد جايز نيست و نيز نبايد پارچه احرام را چاک داده و مانند پيراهن ببوشد، بلي قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام بر آنکه آن را سنگين کرده و رداء را حفظ نمايد مانعي ندارد.

آية الله خامنه اي: مادامي که از صدق رداء و لنگ خارج نشود.

نبايد بلي شرائط ذکر شده در دو جامه احرام در آن معتبر است حتي از حرير خالص نيز نباشد.

تعلق خمس به لباس احرام

مسأله ۲۱۵ - پوشيدن لباس احرام غصبي جايز نيست و همين طور است لباسي که

متعلق خمس باشد يا با عين پولي که متعلق خمس است آن را بخرد.

مسأله ۲۱۶ - اگر شک داشته باشد که لباس احرام او متعلق خمس شده يا نه، يا شک دارد پولي که با آن لباس احرام را خريده متعلق خمس بوده يا نه، تخميس آن واجب نيست و پوشيدن آن براي احرام جايز و طواف و نماز در آن صحيح است.

احکام احرام

مسأله ۲۱۷ - براي احرام بستن طهارت از حدث اصغر و اکبر لازم نيست.

مسأله ۲۱۸ - اگر بعد از آن که محرم شده است پيراهن ببوشد لازم است که پيراهن را شکاف دهد و از طرف پائين بيرون آورد ولي اگر در پيراهن محرم شود لازم نيست شکاف دهد و از پائين بيرون آورد و همين قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام ببوشد و در هر دو صورت احرامش صحيح است.

مسأله ۲۱۹ - اگر در هنگام احرام بستن لباس احرام را عمداً يا از روي عذر نپوشد يا لباس دوخته را از تن بيرون نياورد احرامش صحيح است هر چند در صورت عمد معصيت کرده است و همين طور است احرام در جامه اي که شرائط لازم را ندارد.

مسأله ۲۲۰ - اگر بواسطه عذري، مثل مرض، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام ببوشد، بايد در ميقات يا محاذات آن نيت عمره و يا حج کند و لبيک بگويد و کافي است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند و اگر لباس احرام نپوشيده، ببوشد. و لازم نيست به ميقات برگردد، ولي براي پوشيدن لباس دوخته يک گوسفند

قرباني کند.

مسأله ۲۲۱ - اگر از روي علم و عمد اعمال عمره تمتع را بدون احرام صحيح انجام دهد آن اعمال باطل است و در صورتي که امکان تدارک آنها با احرام



صحیح نباشد نمی تواند حج تمتع بجآورد (1) و اگر وظیفه او حجة الاسلام بوده حج بر او مستقر می شود.

مسأله ۲۲۲ - اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله احرام نیست یا احرامش را باطل انجام داد و با این وجود اعمال عمره تمتع را بجآورد چنانچه امکان تدارک آن اعمال را با احرام صحیح دارد باید رعایت آنچه در مسأله ۱۵۱ گذشت محرم شود و اعمال را تدارک نماید و اگر امکان تدارک وجود ندارد عمره او صحیح است خواه بعد از عمره (2) متوجه شود یا در اثناء حج یا بعد از آن.

مسأله ۲۲۳ - اگر تلبیه احرام عمره تمتع را غلط بگوید حکم دو مسأله قبل را دارد.

مستحبات احرام

مسأله ۲۲۴ - مستحبات احرام چند چیز است (3):

1- بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد، و موی زیر بغل و عانه را با نوره از اله نماید.

2- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده

---

1 آیه الله بهجت: اگر وقت تنگ باشد و نتواند پیش از حج اعاده و یا جبران کند حج او افراد می شود و عمره افراد پس از حج بجا می آورد، احوط اعاده حج است در سال آینده.

2 آیه الله فاضل: در این صورت نیز عمره او باطل است و باید حج افراد انجام دهد و این حج از حجة الاسلام کفایت می کند.

3 آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: پاره ای از مستحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است پس باید رعایت آن به قصد رجاء باشد نه ورود.

است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

3- پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حیض و نساء نیز صحیح است (1) و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

4- آن که دو جامه احرام از پنبه باشد.

5- لباس احرام سفید باشد.

6- احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر (2) و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ أَمَّنَ بَوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ

أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ، وَ فِي قُبُضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَاسْأَلْكَ أَنْ تُعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَيَّ كِتَابَكَ، وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تَقْوِيَنِي عَلَيَّ مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرِ مَنِّكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَدِّكَ الَّذِي رَضِيْتَ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شَفَّةِ

1 آية الله بهجت: این غسل با خوابیدن باطل نمی شود ولی اعاده آن شبیه به مستحب در مستحب است.

2 آية الله بهجت، آية الله فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء بعد از فریضه قضا محرم شود.

بَعِيدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَنُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَيَّ كِتَابِكَ، وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةَ فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عَصْبِي مِنَ النَّسَاءِ وَ النَّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ.»

7- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمْرَتِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَ عَنِّي، وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَّلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مُنْجَايَ وَ دُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي.»

8- تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در موارد ذیل:

الف: وقت برخاستن از خواب.

ب: بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج: وقت رسیدن به سواره.

د: هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه: وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و: آخر شب.

ز: اوقات سحر

زن حیض و نساء (1) نیز این تلبیه ها را بگویند. و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است (2).

1 آية الله بهجت، آية الله فاضل ... و: جنب.

2. آیه الله بهجت: و همچنین مستحب است بر مردان تلبیه را بلند بگویند.

## مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

- 1- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.
- 2- خوابیدن محرم بر رختخواب و بالش زرد رنگ.
- 3- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.
- 4- احرام بستن در جامه راه راه (1).
- 5- استعمال حنا، (2) پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.
- 6- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.
- 7- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

## فصل سوم: محرّمات احرام

### نگاه کردن در آینه

مسأله ۲۲۵ - نگاه کردن در آینه، به جهت زینت، حرام است و به غیر این جهت اشکال ندارد (3). و در این حکم تفاوتی میان زن و مرد نیست.

مسأله ۲۲۶ - نگاه کردن به آب صاف و اجسام صیقلی که خاصیت آینه را دارد، اشکال ندارد (4).

---

1. آیه الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه دار و مانند آن.

2. آیه الله مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ های امروز نیست.

3. آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست چه به قصد زینت باشد و چه نباشد.

4. آیات عظام: خامنه ای، سیستانی، مکارم: حکم نگاه در آئینه را دارد.

مسأله ۲۲۷ - نگاه به اشیا از پشت شیشه اتاق یا عینک (1) و مانند آن مانعی ندارد و همچنین است نگاه در دوربین، حتی اگر در آن آینه باشد.

مسأله ۲۲۸ - بودن در مکانی که در آن آینه هست و می‌داند که گاهی سهواً نگاهش به آن می‌افتد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است که آن را بردارد یا چیزی رویش بیندازد.

مسأله ۲۲۹ - نگاه کردن در آینه (2) کفاره ندارد ولی مستحب است بعد از نگاه، لبیک بگوید.

پوشیدن لباس دوخته برای مرد

مسأله ۲۳۰ - جایز نیست پوشیدن لباسهای دوخته؛ مثل پیراهن و زیرجامه و شبیه به دوخته مانند لباس های بافتنی و نمدي.

مسأله ۲۳۱ - استفاده از فنق بند و کمر بند و بند ساعت و دمپایی دوخته مانعی ندارد و همینطور است همیانی که در آن پول می‌گذارند.

مسأله ۲۳۲ - اگر به لباس دوخته و مانند آن احتیاج پیدا کرد، جایز است بپوشد ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۳۳ - گره زدن لباس احرام و وصل کردن قسمتی از آن به قسمت دیگر با سوزن و سنجاق و سنگ گذاشتن و نخ بستن مانعی ندارد، مگر آن که ردا صدق نکند و همچنین نباید آنچه را لنگ قرار داده به گردن گره بزند

مسأله ۲۳۴ - پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان، مانعی ندارد، جز دستکش که جایز نیست.

مسأله ۲۳۵ - جایز است محرم هنگام خوابیدن با لحاف و پتو و مانند آن از چیزهای دوخته تن خود را، جز سر بپوشاند.

1- حکم عینک زدن، در مسائل مربوط به حرمت زینت خواهد آمد.

2- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: کفاره اش استغفار است.

مسأله ۲۳۶ - اگر با علم و عمد لباس دوخته و مانند آن بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۳۷ - اگر چند لباس از یک نوع بپوشد، مانند چند پیراهن (1) یا یک لباس را چند بار بپوشد کفاره متعدّد می‌گردد.

مسأله ۲۳۸ - اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد بپوشد کفاره ساقط نمی‌شود (2).

مسأله ۲۳۹ - اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد؛ مثل پیراهن و کت، باید برای هر کدام یک کفاره بدهد حتی اگر آنها را داخل در هم کرده باشد و یکدفعه بپوشد (3).

## پوشاندن تمام روی پا برای مردان

مسئله ۲۴۰ - پوشیدن کفش و جوراب و مانند آن، که تمام روی پا را بپوشاند برای مرد جایز نیست اما پوشیدن دمپایی و مانند آن، که تمام روی پا را نمی پوشاند اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۱ - انداختن حوله احرام یا پتو روی پا؛ به طوری که پوشیدن آن به حساب نیاید اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۲ - اگر مرد از روی ناچاری چیزی بپوشد که تمام روی پا را می پوشاند، می تواند آن را بپوشد و شکاف دادن آن لازم نیست.

مسئله ۲۴۳ - پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره ندارد.

---

1- آیه الله فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه (یعنی پشت سر هم و بدون فاصله بپوشد یک کفاره کافی است).

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره یک کفاره و در احرام حج یک کفاره کافی است.

2- آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

3- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: نظر ایشان در پاورقی قبل گذشت.

## پوشاندن سر برای مرد

مسئله ۲۴۴ - جایز نیست مرد سر خود را با چیزی بپوشاند حتی با مثل حنا و گل و غیر اینها ولی پوشاندن با بعضی بدن خود؛ مثل دست ها، جایز است.

مسئله ۲۴۵ - احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد که سر به وسیله آن پوشیده شود؛ مثل بار برای حمل.

مسئله ۲۴۶ - در حکم سر است بعضی سر، پس نباید بعضی سر را نیز بپوشاند. گوشها هم از سر محسوب می شود اما صورت از سر نیست و پوشاندن آن عیبی ندارد.

مسئله ۲۴۷ - محرم می تواند برای سردرد، دستمال به سر ببندد و کفاره هم ندارد(1).

مسئله ۲۴۸ - گذاشتن سر روی بالش و مانند آن برای خوابیدن مانعی ندارد. ولی پوشاندن سر موقع خوابیدن جایز نیست و اگر بدون توجه یا از روی فراموشی پوشانید واجب است آن را فوراً بردارد.

مسئله ۲۴۹ - اگر پارچه ای را روی چیزی بیندازد بنحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند، مانعی ندارد و همینطور رفتن در پشه بند.

مسئله ۲۵۰ - اگر سر را شست نباید با پارچه و حوله آن را خشک کند و بعضی سر در حکم همه آن است(2).

و اگر وقت نماز تنگ باشد و نتواند سر را برای مسح ولو با دست خشک کند احتیاط جمع بین وضو با این حال و تیمم است(3).

مسأله ۲۵۱ - نباید محرم (4) سر خود را زیر آب فرو برد، حتی بعض سر را (5) بلکه جایز

---

1- آیات عظام گلپایگانی، بهجت و صافی: کفاره دارد.

2- آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت، خامنه ای، مکارم: خشک کردن به نحوی که سر پوشانده نشود اشکال ندارد (نظر این آقایان نسبت به بقیه مسأله همینجا معلوم شد).

3- آیه الله سیستانی: در این فرض می تواند با کنار حوله به مقدار مسح، سرش را خشک کند.

4- آیه الله مکارم: و ظاهر کلام امام خمینی: این حکم مختص مردان است و شامل زنان نمی شود.

5- آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: فرو بردن بعض سر را زیر آب جایز است.

نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن هم فروبرد و لکن زیر دوش رفتن مانعی ندارد.

مسأله ۲۵۲ - اگر عمداً و با علم به مسأله سر را بپوشاند بنحوی از انحای کفاره آن یک گوسفند است اما پوشاندن بعض سر کفاره ندارد.

مسأله ۲۵۳ - اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و دوباره سر را پوشانید باید مجدداً کفاره بدهد (1) ولی اگر قبل از کفاره دادن چند بار سر را پوشانید کفاره متعدد نمی شود (2).

مسأله ۲۵۴ - اگر محرم سر خود را با چیز دوخته ای که پوشیدنش موجب کفاره است (مثل کلاه) بپوشاند، باید دو کفاره بدهد (3) جز در صورت جهل و فراموشی.

مسأله ۲۵۵ - پوشانیدن سر از روی اضطرار ظاهراً کفاره ندارد (4).

پوشانیدن صورت برای زن

مسأله ۲۵۶ - زن نباید روی خود را با نقاب و پوشیه و مانند اینها، حتی با بادبزن بپوشاند (5) و احتیاط واجب آن است که به چیزهای غیر متعارف مثل گل و دارو نیز نپوشاند.

مسأله ۲۵۷ - بعض صورت در حکم همه آن است بنابراین نباید آن را بپوشاند اما زیر

---

1- امام خمینی: کفاره مجدد احتیاط مطلوبی است گرچه واجب نیست.

آیه الله سیستانی: بعید نیست کفایت یک کفاره.

2- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: کفاره متعدد می شود.

3- آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: ظاهراً کفارہ متعدد نمی شود.

4- آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی و صافی: فرض اضطرار را برای عدم لزوم کفارہ استثناً فرمودند.

5- آیه الله بهجت: در غیر حال ضرورت؛ مانند تحفظ از مگس و مانند آن، در حال خوابیدن، اشکالی ندارد.

چانه از صورت محسوب نمی شود(1).

مسئله ۲۵۸ - زن می تواند کمی از اطراف صورت را مقدمتاً برای پوشش واجب نماز بپوشاند، لکن بعد از فراغ از نماز باید آن را فوراً باز کند(2).

مسئله ۲۵۹ - گذاردن دست بر روی صورت و همچنین گذاشتن صورت بر بالش و پوشاندن صورت هنگام خوابیدن مانعی ندارد.

مسئله ۲۶۰ - خشک کردن صورت با حوله و پارچه اگر تدریجاً و به نحوی باشد که تمام صورت پوشیده نشود مانعی ندارد(3).

مسئله ۲۶۱ - زن باید مواظب باشد که هنگام پوشیدن و یا درآوردن مقنعه و مانند آن صورتش پوشیده نشود. (4) لکن اگر از روی علم و عمد پوشیده نشود مانعی ندارد.

مسئله ۲۶۲ - جایز است برای روی گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر انداخته پایین بیندازد تا محاذی بینی بلکه چانه و بلکه در صورت احتیاج تا گردن، چیزی بر او نیست(5).

مسئله ۲۶۳ - بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می اندازد با دست یا چیز دیگر از صورت دور نگهدارد تا به صورت نچسبد(6).

مسئله ۲۶۴ - در پوشاندن صورت، به هر نحو که باشد، کفارہ نیست(7).

1- آیه الله خامنه ای: بر زنان حرام است پوشاندن صورت و مانند آن؛ به آنگونه که عادتاً برای حفظ حجاب انجام می دهند. اما پوشاندن گوشه هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن؛ به طوری که پوشاندن صورت صدق نکند مانع ندارد چه در نماز یا غیر آن.

آیه الله مکارم: پوشیدن بعض صورت؛ به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند اشکالی ندارد.

2- نظر آیه الله خامنه ای و آیه الله مکارم از پاورقی مسئله قبل روشن می شود.

3- آیات عظام خوئی، تبریزی و فاضل: زن نباید صورت خود را با حوله خشک کند.

4- آیه الله مکارم: این مقدار پوشیدن مانعی ندارد.

5- آیه الله گلپایگانی: متعرض فرع اخیر نشده اند.

6- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: باید با دست یا چیز دیگر از صورت دور نگهدارد.

7- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: باید یک گوسفند کفارہ بدهد.

استفاده از بوي خوش

مسأله ۲۶۵ - استعمال عطرها مانند مشک، عود، عنبر و زعفران جایز نیست (1). چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن به لباس و بدن و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد، گرچه قبلاً عطر به آن مالیده شده باشد.

مسأله ۲۶۶ - اگر در غذا و مانند آن چیز خوش بویی مانند زعفران باشد خوردن آن جایز نیست.

مسأله ۲۶۷ - بوییدن چیزهای خوش بو حرام است و چنانچه ناچار به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد گردد، باید بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسأله ۲۶۸ - اجتناب از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می دهد لازم است مگر بعضی انواع صحرائی؛ مانند بومادران، درمنه و خزامی که می گویند خوش بوترین گلها است (2).

مسأله ۲۶۹ - اجتناب از میوه های خوش بو؛ مانند سیب و به، لازم نیست و خوردن و بوییدن آنها مانع ندارد (گرچه احتیاط ترک آن است).

مسأله ۲۷۰ - بر محرم لازم نیست از بوی خوشی که در کعبه است اجتناب کند.

مسأله ۲۷۱ - گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی فرار کردن از آن به تند رفتن مانعی ندارد.

مسأله ۲۷۲ - خرید و فروش عطرها اشکال ندارد ولی نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال نماید.

مسأله ۲۷۳ - استعمال شامپو و صابون و خمیر دندان، اگر صدق بوی خوش کند،

1- آیه الله تبریزی: در غیر از این چهار چیز و ورس احتیاط استحبابی است (از اینجا نظر ایشان در مسائل بعدی روشن می شود).

2- آیه الله مکارم: البته سبزی هایی مانند ریحان و نعناع اشکالی ندارد.

جایز نیست. (1)

مسأله ۲۷۴ - کفاره خوردن چیزی که در آن بوی خوش به کار رفته، در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است.

سرمه کشیدن

مسأله ۲۷۵ - سرمه سیاه کشیدن اگر برای زینت باشد، حرام است هر چند قصد زینت نکند.

مسأله ۲۷۶ - سرمه غیر سیاه کشیدن، اگر زینت حساب شود حرام است هر چند قصد زینت نکند (2).

مسأله ۲۷۷ - اگر سرمه بکشد به چیزی که بوی خوش داشته باشد داخل در مسأله استعمال بوی خوش می شود که حکم آن گذشت.



مسأله ۲۷۸ - در حرمت سرمه کشیدن، تفاوتی میان زن و مرد نیست.

مسأله ۲۷۹ - سرمه کشیدن به چیزی که در آن بوی خوش (3) نباشد کفاره ندارد.

مسأله ۲۸۰ - سرمه کشیدن در صورتی که ناچار باشد اشکال ندارد.

#### زینت کردن

مسأله ۲۸۱ - محرم باید از هر چیزی که زینت حساب می شود اجتناب کند، هر چند قصد (4) او زینت نباشد.

مسأله ۲۸۲ - انگشتر به دست کردن به جهت زینت جایز نیست اما برای استحباب یا غرض دیگر مانعی ندارد (5).

---

1- آیه الله تبریزی: بلکه جایز است.

2- آیات عظام: خوئی، تبریزی، بهجت: اگر قصد زینت نکند جایز است.

3- آیه الله فاضل: یا بوی خوش آن هنگام سرمه کشیدن قابل استشمام نباشد.

4- آیه الله فاضل: اگر قصد زینت آنها را نداشته باشد مانعی ندارد.

5- آیه الله مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

مسأله ۲۸۳ - حنا بستن در حال احرام، اگر زینت حساب شود، جایز نیست (1) ولو قصد زینت نداشته باشد و در غیر این صورت مانعی ندارد و همینطور حنا بستن قبل از احرام مانع ندارد هر چند به قصد زینت باشد و اثرش تا زمان احرام باقی بماند.

مسأله ۲۸۴ - پوشیدن زیور برای زن محرم به جهت زینت حرام است بلکه اگر زینت باشد حرمت آن بدون قصد زینت نیز خالی از قوت نیست (2).

مسأله ۲۸۵ - زیورهایی را که زن عادت به پوشیدن آن قبل از احرام داشته، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد. (3) ولی (4) نباید آنها را به مرد (5) نشان دهد حتی به شوهر خود.

#### روغن مالیدن

مسأله ۲۸۶ - مالیدن روغن و پماد چرب (6) حرام است، اگر چه بوی خوش نداشته باشد.

مسأله ۲۸۷ - اگر در روغن بوی خوش باشد، چنانچه بوی خوش آن تا وقت احرام باقی بماند قبل از احرام نیز نباید استعمال کند.

مسأله ۲۸۸ - روغن مالیدن به جهت ضرورت و احتیاج عیبی ندارد (7).

مسأله ۲۸۹ - خوردن روغنی که در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد مانعی ندارد.

---

- 1- آیه الله بهجت: اشکال ندارد هر چند برای زینت باشد.
- 2- آیه الله فاضل: بدون قصد زینت احتیاط مستحب در ترک است.
- آیه الله سیستانی: خالی از اشکال نیست.
- 3- آیه الله فاضل: اگر قصد زینت آنها را نداشته باشد.
- 4- آیه الله مکارم: باید آنها را بپوشاند.
- 5- آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط مستحب آنها را برای مَحَرَم خود هم ظاهر نسازد.
- 6- آیه الله مکارم: بلکه مطلقاً حرام است ولو چرب نباشد.
- 7- آیه الله سیستانی: محرم می تواند روغنی که بوی خوش ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوش بو است یا بوی خوش در آن است.

مسأله ۲۹۰ - اگر در روغن بوی خوش نباشد مالیدن آن کفاره ندارد و اگر در آن بوی خوش باشد (1) کفاره اش یک گوسفند است هر چند از روی اضطرار باشد(2).

#### گرفتن ناخن

مسأله ۲۹۱ - جایز نیست محرم ناخن دست یا پای خود را بگیرد حتی بعض آن را و فرقی نیست با ناخن گیر باشد یا هر وسیله دیگر بلکه زائل کردن ناخن با دندان یا سوهان نیز جایز نیست.

مسأله ۲۹۲ - گرفتن ناخن دیگری عیبی ندارد گر چه دیگری نیز محرم باشد بنابراین محرم می تواند ناخن محرم دیگری را برای تقصیر بگیرد.

مسأله ۲۹۳ - اگر بقای ناخن موجب اذیت و آزار باشد مثل اینکه بعض آن جدا شده و بعض دیگر مانده و موجب ناراحتی می شود گرفتن آن جایز است لکن باید (3) کفاره بدهد.

مسأله ۲۹۴ - برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همینطور است در ناخن های پا.

مسأله ۲۹۵ - اگر تمام ناخن های دست ها و پاها را در یک مجلس بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۹۶ - اگر تمام ناخن های دست را در یک یا چند مجلس بگیرد و در مجلس دیگر یا چند مجلس دیگر (4) تمام ناخن پاها را بگیرد باید دو گوسفند کفاره بدهد.

---

1- آیه الله خامنه ای: اگر روغن را معطر کرده باشند مانند کرمهای معطر و امثال آن بعید نیست که کفاره نداشته باشد.

2- آیه الله فاضل: در حال اضطرار کفاره ثابت نیست.

3- آیه الله فاضل: می تواند برای هر ناخن یک کف طعام بدهد.

4- آیه الله بهجت: چنانچه ناخن دستها در یک مجلس و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد کفاره آن دو گوسفند است با تحلل کفاره.

مسأله ۲۹۷ - اگر تمام ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده تا بگیرد یک گوسفند برای ناخن دستها و برای هر یک از ناخن های پا یک مد طعام بدهد و همچنین است اگر تمام ناخن پاها را بگیرد و ناخن دست ها را کمتر از ده ناخن بگیرد.(1)

مسأله ۲۹۸ - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و همه آنها را گرفت برای هر ناخن یک مد طعام بدهد(2).

زائل کردن مو

مسأله ۲۹۹ - بر محرم حرام است زائل کردن موی خود یا دیگری هر چند دیگری محرم نباشد و در این حکم فرقی نیست میان موی کم و زیاد بلکه (3) زایل کردن بعضی از یک مو نیز حرام است.

مسأله ۳۰۰ - در ازاله مو، فرقی میان تراشیدن یا کندن یا قیچی کردن یا استفاده از موبر نیست، همانطور که فرقی میان اعضاي بدن نیست.

مسأله ۳۰۱ - ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد جایز است مثل مویی که چشم را اذیت می کند.

مسأله ۳۰۲ - اگر در وقت غسل یا وضو یا تطهیر، مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.

مسأله ۳۰۳ - کفاره زایل کردن موی سر، به جهت ضرورت، دوازده (4) مد طعام است که باید به شش مسکین بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند و یک مد تقریباً ده سیر است.

مسأله ۳۰۴ - کفاره زایل کردن موی سر، بدون ضرورت، یک گوسفند است(5).

1- آیه الله فاضل: در هر دو فرض غیر از گوسفند کفاره ای ثابت نیست.

2- آیه الله فاضل: برای مجموع ناخن ها یک گوسفند کفاره بدهد.

3- آیه الله مکارم: این مقدار حرام نیست.

4- آیه الله بهجت و آیه الله گلپایگانی: اطعام ده مسکین به هر کدام یک مد داده شود.

5- آیه الله بهجت: حکم آن مانند مسأله قبل است.

مسأله ۳۰۵ - کفاره از ازاله موی زیر هر دو بغل یا یک بغل یک گوسفند است(1).

مسأله ۳۰۶ - ازاله مو از دیگری، محرم باشد یا غیر محرم، حرام است لکن کفاره ندارد(2).

مسأله ۳۰۷ - اگر عمداً به سر یا ریش خود دست کشید و یک مو یا بیشتر افتاد، باید یک کف طعام صدقه بدهد (3). هر چند التفات به افتادن مو نداشته باشد بلی مویی که در حال وضو و غسل و تطهیر می افتد، کفاره ندارد.

سایه قرار دادن (برای مردان)

مسئله ۳۰۸ - سایه قرار دادن بر سر، برای مردان جایز نیست ولی برای زنان و کودکان اشکالی ندارد.

مسئله ۳۰۹ - حرمت سایه قرار دادن بالای سر، مختص به زمان طی مسافت است. پس در حالیکه در محلی منزل کرده در منا باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن و با چتر و مانند آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد. بنابراین، مانعی ندارد در منا از چادر تا محلی که ذبح یا رمی جمرات را انجام می دهد با چتر برود و نیز جایز است. بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله های جدید مکه برای رفت و آمد به مسجد الحرام در ماشین های سقف دار سوار شود یا زیر سایه برود.

مسئله ۳۱۰ - قرار گرفتن در سایه چیزی که بالای سر نباشد؛ مانند دیواره اتومبیل، مانعی ندارد(۴).

مسئله ۳۱۱ - در حرمت زیر سقف رفتن، تفاوتی میان سواره و پیاده نیست.

---

1- آیه الله بهجت: کفارہ از الہ موی یک بغل آن است کہ سه مسکین را اطعام دهد.

2- امام خمینی: ظاهر کلام ایشان این است کہ فرقی میان از الہ مو از خود یا دیگری، در لزوم کفارہ نیست.

3- آیه الله خامنه ای: این کفارہ گر چه مطابق احتیاط است و لکن وجوبش معلوم نیست.

4- آیه الله خوئی: اظهر حرمت است.

مسئله ۳۱۲ - حکم مزبور اختصاص دارد به سایه متحرکی که با انسان حرکت می کند؛ مثل چتر و سقف ماشین و مانند آن و شامل سایه های ثابت مانند پلها (1) و تونلها و پمپ بنزین نمی شود لذا عبور از زیر آنها اشکال ندارد.

مسئله ۳۱۳ - نشستن در زیر سقف، در حال طی منزل در شب و بین الطلوعین(2) اشکال ندارد. بنابراین جایز است نشستن محرم در ماشینی که سقف دارد و شب حرکت می کند.

مسئله ۳۱۴ - نظر به این که مسجد تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، کسی که از مسجد تنعیم برای عمره محرم شده است. می تواند سوار ماشین سقف دار شود یا زیر سایه دیگری برود.

مسئله ۳۱۵ - کسانی که در مسجد الحرام برای حج محرم می شوند تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می توانند استظلال کنند(3).

مسئله ۳۱۶ - سایه قرار دادن به غیر سر، مانند شانه و دیگر اعضای بدن مانعی ندارد.

مسئله ۳۱۷ - محرم به محض رسیدن به مکه می تواند استظلال نماید هر چند هنوز به محل سکونت نرسیده باشد.

مسئله ۳۱۸ - سایه قرار دادن برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی اشکالی ندارد ولی کفارہ ساقط نمی شود.

مسئله ۳۱۹ - اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک

---

1- امام خمینی: زیر سایه ثابت رفتن هم جایز نیست ولی اگر ماشین از زیر پل یا تونل عبور کند و بناچار محرمین از زیر پلها عبور کنند. و یا در محل پمپ بنزین متوقف شوند اشکال ندارد.

2- آیه الله مکارم: مگر در شب های بارانی که باید کفاره بدهد.

آیه الله خوئی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد است پس اگر هیچ یک از آنها نباشد به طوری که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد و در این حکم فرقی بین شب و روز نیست.

آیه الله سیستانی: در شبهای بارانی باید کفاره بدهد.

3- آیه الله مکارم: در مکه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشند.

مرتبه سایه قرار داده باشد و یک گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.

مسئله ۳۲۰ - کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل، یک گوسفند است؛ چه با عذر سایه قرار داده یا بدون عذر.

مسئله ۳۲۱ - اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسئله، سوار اتومبیل سقف دار شد و بعد از توقف اتومبیل و پیاده شدن متوجه شد کفاره ندارد ولی اگر در حال حرکت متوجه شد برای مقداری که تا زمان ایستادن اتومبیل بناچار زیر سقف قرار دارد باید کفاره بدهد (۱).

عقد کردن

مسئله ۳۲۲ - ازدواج در حال احرام جایز نیست؛ خواه خودش صیغه عقد را بخواند یا به دیگری وکالت دهد، خواه عقد دائم باشد یا موقت و در این حال اگر عقد بخواند عقد او باطل است. همچنین است اگر محرم برای دیگری صیغه عقد بخواند گرچه او محرم نباشد.

مسئله ۳۲۳ - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند، با علم به محرم بودن، آن زن بر او حرام ابدی می شود.

مسئله ۳۲۴ - اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم و موضوع باشند بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است. و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این حکم فرقی نیست بین آن که زن و عاقد محل باشند یا محرم و اگر بعضی از آنها عالم باشند و بعضی جاهل بر عالم کفاره است.

مسئله ۳۲۵ - جایز نیست محرم در مجلس عقد ازدواج برای شاهد بودن حضور پیدا کند ولی جایز است (۲) برای انجام عقد ازدواج شهادت دهد.

---

1- آیه الله مکارم: در این صورت هم کفاره ندارد.

2- آیات عظام: گلپایگانی، بهجت و صافی: شهادت بر عقد جایز نیست، اگرچه پیش از احرام شاهد شده باشد.

مسأله ۳۲۶ - اگر زني احرام بسته باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم بوده، موجب حرمت ابدی نیز می شود.

مسأله ۳۲۷ - خواستگاری در حال احرام جایز است، گرچه احتیاط استحبابی در ترک آن است.

مسأله ۳۲۸ - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانعی ندارد.

نگاه کردن به همسر از روی شهوت

مسأله ۳۲۹ - جایز نیست محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند(1).

مسأله ۳۳۰ - اگر محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند و منی از او خارج شود کفاره اش یک شتر است ولی اگر منی خارج نشود (2) یا از روی شهوت نگاه نکند و منی بیرون بیاید کفاره ندارد.

مسأله ۳۳۱ - اگر محرم به زن اجنبی نگاه کند (3) و منی از او خارج شود کفاره اش یک شتر است اگر متمول باشد و اگر متوسط الحال باشد یک گاو بدهد و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

لمس کردن

مسأله ۳۳۲ - محرم نمی تواند زن خود را با شهوت لمس کند و کفاره اش یک گوسفند (4) است اگر چه منی از او خارج نشود.

مسأله ۳۳۳ - اگر محرم با زن خود ملاحظه کند و منی از او خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد.

---

1- آیه الله سیستانی: در صورتی که موجب خروج منی شود.

2- آیه الله مکارم: اگر از روی شهوت نگاه کند یک گوسفند کفاره دارد.

3- آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: در صورتی که نگاه او حرام باشد.

4- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: کفاره، در صورت خروج منی، یک شتر است.

بوسیدن زن

مسأله ۳۳۴ - جایز نیست محرم زن خود را از روی شهوت ببوسد و چنانچه بوسید لازم است یک شتر کفاره بدهد (1). و اگر از روی شهوت نباشد کفاره اش یک گوسفند است (2).

مسأله ۳۳۵ - شخص محلّ می تواند (3) همسر محرم خود را ببوسد ولی اگر فرد محرم لذت ببرد نباید اجازه بدهد.

جماع کردن

نزدیکی با زن در حال احرام حرام است.

مسأله ۳۳۶ - اگر کسی در حال احرام عمره تمتع از روی علم و عمد با زن، چه در قبل و چه در دبر جماع کند (4) باید کفاره بپردازد و برای کفاره یک گوسفند کافی است (5).

مسأله ۳۳۷ - اگر در احرام حج، قبل از وقوف در مشعرالحرام از روی علم و عمد جماع نماید باید حجش را تمام کند و در سال بعد دوباره حج بجاورد، اگر چه حجش مستحبی بوده است و نیز باید یک شتر کفاره بدهد. (6)

مسأله ۳۳۸ - اگر این عمل بعد از وقوف به مشعرالحرام باشد لازم نیست دوباره حج

---

1- آیات عظام: تبریزی، فاضل، سیستانی: اگر منی خارج نشود کفاره اش یک گوسفند است.

2- آیه الله فاضل: بوسیدن بدون شهوت حرام نیست و کفاره هم ندارد - آیه الله گلپایگانی: بوسیدن حتی بدون شهوت یک شتر کفاره دارد.

3- آیه الله سیستانی: جایز نیست.

4- آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت: اگر قبل از سعی باشد عمره اش باطل است و لکن باید عمره را تمام کند و دوباره اعاده نماید. (لزوم اتمام به نظر آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی احتیاطی است) و اگر وقت (برای اعاده) تنگ باشد حج او میل به افراد می شود و باید بعد از حج، عمره مفرده بجاورد و احوط اعاده حج است در سال آینده، ص ۱۵۵ ذیل مسأله ۳۱۴

5- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: اگر قبل از سعی باشد کفاره آن یک شتر است.

6- آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی، بهجت، فاضل و مکارم: در فرض عجز از شتر، گوسفند کافی است.

بجا آورد لکن باید همان کفاره را بدهد. مگر این که این عمل بعد از شوط پنجم طواف نساء (1) باشد که در این صورت کفاره نیز ندارد اگر چه گناه کرده است.

مسأله ۳۳۹ - در احکام مذکور فرقی میان زن و مرد نیست مگر آنکه مرد زن را مجبور به جماع کرده باشد که در این صورت بر زن چیزی نیست و کفاره او بر مرد است.

مسأله ۳۴۰ - اگر کسی از روی علم و عمد در عمره مفرده جماع نماید باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی تواند (2) یک گوسفند کافی است و چنانچه این عمل پیش از سعی باشد باید آن عمره را تمام کند و تا ماه قمری (3) بعد در مکه بماند سپس به یکی از مواقیت پنجگانه رفته (4) و احرام ببندد و عمره قبل را اعاده نماید و اگر بعد از سعی باشد عمره اش صحیح است.

استمنا

مسأله ۳۴۱ - استمنا با عضو تناسلی حرام و حکم آن از نظر کفاره و لزوم تکرار حج و عمره حکم جماع است.

مسأله ۳۴۲ - اگر استمنا به وسیله بازی کردن یا بوسیدن یا نگاه یا لمس یا فکر و خیال چنین صحنه هایی باشد و منی خارج شود حرام است و کفاره (5) دارد (6). ولی تکرار حج و عمره لازم نیست.

---

- 1- بعضی از فقها بعد از شوط سوم و بعضی دیگر بعد از شوط چهارم کفاره را واجب نمی دانند.
- 2- آیه الله بهجت: اگر نمی تواند یک گاو و اگر نمی تواند یک گوسفند کفاره بدهد.
- 3- آیه الله بهجت: ماندن در مکه تا ماه قمری بعد را قید نفرموده اند.
- 4- آیه الله فاضل: محل احرام عمره دوم در صورتی که در عمره اول از یکی از مواقیت معروفه محرم شده همانجاست و الا از ادنی الحل کافی است.
- آیه الله مکارم و آیه الله بهجت: و برای اعاده عمره، رفتن به ادنی الحل کفایت می کند.
- 5- آیه الله سیستانی: کفاره استمنا در این فرض همان کفاره بوسیدن زن و دست زدن و ملاعبه و نگاه کردن است که گذشت.
- 6- آیه الله سیستانی: با فکر و خیال و نحو آن باشد کفاره لازم نیست.

#### کندن دندان

- مسئله ۳۴۳ - کندن دندان اگر موجب خون آمدن شود جایز نیست (1) و بدون خونریزی مانعی ندارد. (2)
- مسئله ۳۴۴ - کندن دندان دیگری گر چه موجب خون آمدن شود مانعی ندارد.
- مسئله ۳۴۵ - کندن دندان کفاره ندارد.

#### بیرون آوردن خون از بدن خود

- مسئله ۳۴۶ - بیرون آوردن خون از بدن خود برای محرم حرام است (3). همچنین جایز نیست به مثل خاراندن بدن و مسواک نمودن (4) خون بیرون آورد.
- مسئله ۳۴۷ - بیرون آوردن خون از بدن دیگری؛ مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن، حرام نیست.
- مسئله ۳۴۸ - خون در آوردن از بدن در موارد ضرورت یا رفع ناراحتی؛ مثل حجامت برای درمان یا تزریقات یا بیرون آوردن خون دُمَل مانعی ندارد.
- مسئله ۳۴۹ - خون در آوردن از بدن کفاره ندارد.

جدال: یعنی گفتن «لا والله» و «بلی والله»

- مسئله ۳۵۰ - گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مرادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد (5). بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.
-



1- آیات عظام خوئی، سیستانی و تبریزی: جایز است.

آیه الله مکارم: مکروه است.

2- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: بر محرم حرام است دندان خود را بکند هر چند خون نیاید.

3- آیه الله مکارم: مکروه است.

4- آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد گر چه بداند خون خارج می شود.

5- آیه الله فاضل: ظاهراً در جدال محرم لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

مسأله ۳۵۱ - قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرداف آن مثل «خدا» در زبان فارسی (1) جدال است. و اما قسم به غیر خدا به هر کس که باشد جدال نیست.

مسأله ۳۵۲ - قسم خوردن به سایر اسماء الله مثل رحمن و رحیم جدال محرم محسوب نمی شود (2).

مسأله ۳۵۳ - در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی قسم خوردن جایز است (3).

مسأله ۳۵۴ - اگر مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد مثل اینکه بگوید (تو را به خدا زحمت نکشید) اشکال ندارد.

مسأله ۳۵۵ - اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست ولی باید استغفار کند و در سه مرتبه یا بیشتر (4) یک گوسفند کفاره بدهد مگر اینکه بعد از سه مرتبه کفاره داده باشد که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد (5).

مسأله ۳۵۶ - اگر جدال و قسم خوردن بر دروغ باشد در همان مرتبه اول یک گوسفند کفاره بدهد و در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر بدهد (6).

1- آیه الله فاضل: مرداف «الله» به هر زبانی که باشد جدال محرم نمی باشد.

2- آیه الله سیستانی: در جدال کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد.

3- آیه الله سیستانی: از حرمت جدال استثنا می شود موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد؛ مثلاً حق او را پایمال کنند.

4- آیه الله سیستانی: اگر سه مرتبه پی در پی جدال بکند و سپس سه مرتبه دیگر یا بیشتر پی در پی جدال بکند برای هر سه مرتبه پی در پی یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خوئی: در جدال راست از مرتبه سوم به بعد هر بار که جدال می کند یک گوسفند باید بدهد (معمد جلد ۴، ۱۱۷)

5- آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: اگر سه مرتبه پی در پی باشد و الا کفاره ندارد.

6- آیات عظام خوئی، تبریزی و سیستانی: در دو مرتبه دو گوسفند و در سه مرتبه دروغ یک گاو بدهد.

مسأله ۳۵۷ - اگر یکبار قسم دروغ خورد و کفاره داد سپس دوباره قسم دروغ خورد بعید نیست (1) کفاره آن یک گوسفند باشد (2).

مسأله ۳۵۸ - اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و کفاره آن را داد و بعد یک مرتبه دیگر به دروغ جدال کرد (3) ظاهراً یک گوسفند کافی است (4). و اگر بعد از ذبح کفاره دو مرتبه دیگر به دروغ جدال کرد کفاره دو مرتبه جدال کردن را دارد که گذشت (5).

فسوق (دروغ گفتن و دشنام دادن و فخر نمودن)

مسأله ۳۵۹ - دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است ولی در حال احرام بخصوص نهی شده است و همچنین محرم باید از فخر کردن به دیگران اجتناب نماید (6).

مسأله ۳۶۰ - فسوق کفاره ندارد ولی باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره دهد و بهتر است گاو ذبح کند.

کشتن جانوران و حشرات

مسأله ۳۶۱ - کشتن حشرات مانند پشه و مگس و شپش و امثال آن جایز نیست بلکه

1- آیه الله مکارم: بعید است.

2- آیه الله فاضل: کفاره آن یک گاو است.

3- آیه الله خوئی: در جدال دروغ از مرتبه سوم به بعد برای هر بار یک گاو باید بدهد و فرقی نمی کند که بین آن کفاره داده باشد یا نه (معمتد جلد ۴، ص ۱۱۷).

4- آیه الله فاضل: بعید نیست کفاره آن شتر باشد.

5- آیه الله فاضل: بعید نیست کفاره آن دو شتر باشد.

آیه الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

6- آیات عظام سیستانی، خوئی، تبریزی، بهجت: فخر کردن در صورتی که مستلزم اهانت و تحقیر دیگران نباشد حرام نیست.

جایز نیست هیچ جنبنده ای را به قتل برساند (1).

مسأله ۳۶۲ - کشتن مگس و پشه و حشرات خاکی اگر اذیت کنند مانعی ندارد.

مسأله ۳۶۳ - جابجا کردن و دور کردن اینگونه حشرات ظاهراً اشکالی ندارد(2).

شکار کردن حیوانات صحرايي

مسأله ۳۶۴ - شکار کردن حیوانی که در اصل وحشی است، هر چند فعلاً اهلی شده باشد، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت و همینطور کشتن و مجروح ساختن بلکه هر نوع اذیت آن حرام است.

مسأله ۳۶۵ - جایز نیست شکار کردن و کشتن حیوانات وحشی مگر در صورت ترس از آزار آنها.

مسأله ۳۶۶ - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم.

مسأله ۳۶۷ - نشان دادن شکار به شکار کننده و هر گونه کمک دیگر به او نیز از محرمات احرام است.

مسأله ۳۶۸ - احکام مذکور شامل حیوان دریایی، مانند ماهی نیست.

مسأله ۳۶۹ - ذبح و خوردن حیوانات اهلی، مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

مسأله ۳۷۰ - پرندگان، جزو شکار صحرايي هستند و ملخ نیز در حکم شکار

---

1- امام خمینی و آیه الله فاضل: کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران از محرمات احرام محسوب نمی شود.

آیه الله مکارم: مگر اینکه مایه آزار او شوند، یا حیوانات موزی و خطرناک مثل مار و عقرب و مانند آنها باشد.

2- امام خمینی و آیه الله فاضل: انداختن و جابجا کردن حشراتی که در بدن ساکن می شوند مانند کک و شپش جایز نیست.

صحرايي است.

مسأله ۳۷۱ - کشتن ملخ برای محرم جایز نیست، بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است، چنانچه می تواند راه خود را تغییر دهد و اگر نمی تواند باید مواظب باشد ملخ ها را پایمال ننماید ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکال ندارد.

مسأله ۳۷۲ - هر شکاری که حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام است.

مسأله ۳۷۳ - نگهداشتن صییدی که با خود آورده، حرام است، اگر چه خودش مالک آن باشد.

سلاح در برداشتن

مسأله ۳۷۴ - در برداشتن سلاح مثل شمشیر و تفنگ و مانند آنها، از وسایل جنگی، جایز نیست مگر برای ضرورت.

بعضی از محرمات حرم الهی

مسأله ۳۷۵ - کندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده، جایز نیست حتی برای غیر محرم، مگر درخت های میوه و درخت خرما (1) و گیاه انحر که گیاه معروفی است (حکم درخت ها و گیاهانی که در منزل شخصی است، نظر به این که مورد حاجت حجاج سایر کشورها نیست ذکر نشد).

مسأله ۳۷۶ - اگر به طور متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکال ندارد.

مسأله ۳۷۷ - اگر درختی را که کندنش جایز نیست از بیخ بکند کفاره اش قیمت همان درخت است و اگر مقداری از آن را قطع کند کفاره اش قیمت همان مقدار است.

---

1- آیه الله فاضل: میوه ها و شاخه هایی از آن ها را که در کیفیت و کمیت میوه تأثیر می گذارد می تواند قطع کند اما خود آنها را نمی تواند قطع کند.

آیه الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشند خالی از اشکال نیست.

مسأله ۳۷۸ - در قطع گیاهان کفاره نیست بجز استغفار.

مسأله ۳۷۹ - شکار کردن حیوان صحرائی در حرم و کشتن آن جایز نیست و در این حکم فرقی میان محرم و غیر محرم نیست.

ارتکاب محرمات احرام به جهت جهل یا فراموشی

مسأله ۳۸۰ - کفاره محرمات احرام در صورتی واجب است که آن حرام، با علم و عمد انجام شود ولی اگر به جهت جهل یا فراموشی یا غفلت باشد کفاره ندارد مگر در موارد ذیل:

1- صید که در هر صورت کفاره دارد.

2- کسی که طواف عمره یا حج را فراموش کند و با زن نزدیکی نموده چنانچه در مسأله ۸۴۷ گذشت.

3- کسی که در عمره تمتع مقداری از سعی را فراموش کند و به تصور این که سعی او تمام شده برای تقصیر ناخن بگیرد یا جماع نماید (تفصیل این حکم و نظر آیات عظام در مسأله ۶۰۴ گذشت).

4- کسی که دست به سر و ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد (1).

مستحبات ورود به حرم

1- همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت ورود به حرم، غسل نماید.

2- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق - جلّ و علا - پابرهنه شده و کفش های خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

3- وقت ورود به حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ { :وَأَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالاً

1. نظر آیات عظام در محرمات احرام، زائل کردن مو، گذشت.

وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ . { اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَالْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَنْتَعِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ النَّارِ وَأَمِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. »

4- وقت ورود به حرم مقداری از گیاه مخصوصی به نام انخر گرفته و بجود.

مستحبات ورود به مکه معظمه

مسأله ۳۸۱ - برای ورود به مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل نماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه می رود، از بالای مکه وارد شده وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

آداب ورود به مسجدالحرام

مسأله ۳۸۲ - مستحب است مکلف برای ورود به مسجدالحرام غسل نماید (1). و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بني شيبه» وارد شود و گفته اند که باب بني شيبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین بهتر آن است شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

1. [آیه الله سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست. مگر برای طواف باشد.]

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَيُّهَا النَّبِيُّ، اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

و در روایت دیگری وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَيْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ تَنَاءُ وَجْهَكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤَاغِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَاتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَاتِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا تُكَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا تُكَّ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ لَ ل) كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ إِيَّايَ بِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.»

پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.»

پس می گوید: «وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

## فصل چهارم: طواف و احکام آن

دوم از واجبات عمره طواف است.

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع یا مفرده و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره.

مسئله ۳۸۳ - طواف یعنی هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن، به نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می گویند پس طواف هفت شوط است.

مسئله ۳۸۴ - طواف از ارکان عمره است بنابراین کسی که آن را در عمره تمتع از روی عمد ترک کند تا وقت آن فوت شود عمره او باطل است عالم به مسئله بوده یا جاهل باشد.

مسئله ۳۸۵ - چنین کسی که عمره خود را باطل کرد (۱) احرامش نیز باطل می شود و باید در سال بعد حج واجب خود را اعاده نماید (۲) و لازم نیست در این سال حج افراد و عمره مفرده بجآورند. هر چند موافق احتیاط است.

مسئله ۳۸۶ - وقت فوت طواف، وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به جا آورد نتواند وقوف به عرفات کند (۳).

۱. آیه الله گلپایگانی، آیه الله بهجت: حج او مبدل به افراد می شود و در سال بعد هم باید حج را قضا کند.

2. امام خمینی، آیه الله خامنه ای: در فرض جهل فرمودند علاوه بر اعاده حج در سال بعد یک شتر نیز قربانی نماید.

3. آیه الله بهجت: میزان در تنگی وقت... بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است.

آیات عظام: تبریزی، خوئی، فاضل: یعنی نتواند خود را به اندازه درک مقدار رکن از وقوف - مسمای وقوف اختیاری - به عرفات برساند.

آیه الله سیستانی: آخر زمان آن وقتی است که بتواند اعمال عمره را تا ظهر روز عرفه تمام کند.

مسأله ۳۸۷ - اگر سهواً طواف را ترک نماید لازم است آن را انجام دهد هر وقت که باشد (1) و اگر به وطن خود برگشته و نتواند به مکه بازگردد یا مشقت داشته باشد باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد و در این صورت اگر با زن نزدیکی کرده باید یک گوسفند در مکه قربانی کند.

مسأله ۳۸۸ - در فرض سابق باید بعد از انجام طواف سعی را اعاده نماید (2) مگر این که بعد از گذشتن وقت عمره متذکر شود که در این صورت اعاده سعی لازم نیست.

مسأله ۳۸۹ - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف را به جا نیاورده، باید رها کند و طواف نماید و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسأله ۳۹۰ - اگر محرم به واسطه بیماری یا پیری نتواند طواف کند و تا وقت تنگ شود توانایی پیدا نکند باید خود او را طواف دهند (3) هر چند با به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.

مسأله ۳۹۱ - شرایط و احکام طواف باید در بیمار و پیری که او را طواف می دهند تا جایی که ممکن است رعایت شود.

مسأله ۳۹۲ - در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می تواند آهسته برود و می تواند تند برود و حتی بود لیکن بهتر است میانه روی را مراعات کند.

مسأله ۳۹۳ - در طواف لازم نیست پیاده طواف نماید بنابراین می تواند سوار بر صندلی چرخدار طواف نماید به شرط آنکه اگر معذور نیست خودش آنرا حرکت دهد.

---

1. آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: اگر قبل از فوت وقت طواف متذکر شود، باید تا وقت نگذشته قضا کند.

2. آیه الله مکارم: اگر بعد از سعی متذکر شود اعاده سعی لازم نیست.

3. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی، به طوری که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود او را به دوش گرفته یا با چیز دیگر طواف دهند و اگر ممکن نشود نایب بگیرند.

## شرائط طواف

اول: نیت

دوم: طهارت

سوم: مختون بودن

چهارم: ستر عورت

پنجم: شروع طواف از حجرالاسود و ختم به آن

ششم: بودن کعبه در طرف چپ طواف کننده.

هفتم: داخل کردن حجر اسماعیل در طواف.

هشتم: رعایت محدوده طواف

نهم: طواف نکردن روی شانروان

دهم: موالات.

یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر

اول: نیت

یعنی انجام طواف برای خداوند متعال با قصد خالص

مسئله ۳۹۴ - در طواف باید تعیین کند که برای عمره است یا حج و یا طواف مستحب است و قصد نیابت کند اگر طوافش نیابی است.

مسئله ۳۹۵ - به زبان آوردن نیت و گذراندن آن به قلب لازم نیست بلکه همین که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد کفایت می کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد پس همان طور که انسان با قصد آب می خورد و راه می رود عبادت را اگر همانطور به جا آورد با نیت به جا آورده.

مسئله ۳۹۶ - اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است

ریاء کند، یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن علاوه بر معصیت طواف او و همین طور هر چه را این طور به جا آورده باطل است.

مسئله ۳۹۷ - اگر در عملی که برای خدا می آورد، رضای دیگر را هم دخالت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

مسئله ۳۹۸ - ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی شود.



مسأله ۳۹۹ - در صحیح بودن عمل کافی است آن را برای خدا بیاورد یا اطاعت امر او یا ترس از جهنم یا رسیدن به بهشت و ثواب(1).

مسأله ۴۰۰ - کسی که احتمال می دهد حجی که در سالهای قبل انجام داده صحیح نبوده یا مستطیع نبوده و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند می تواند قصد امتثال مطلق امر متوجه به خود را کند و یا قصد حجة الاسلام احتیاطی نماید.

دوم: طهارت

یعنی طهارت از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر به اینکه با وضو باشد.

مسأله ۴۰۱ - در طواف واجب طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر شرط است چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

مسأله ۴۰۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست (2) لیکن کسی که جنب یا حیض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا

---

1 آیه الله سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود.

2 آیه الله تبریزی: طهارت از مثل حدث جنابت و حیض و نفاس لازم است.

نسیاناً (1) طواف مستحب کرد صحیح است.

مسأله ۴۰۳ - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند، باطل است چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد.

مسأله ۴۰۴ - کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره ای هست می تواند برای طواف و نماز آن به همان اکتفا کند.

مسأله ۴۰۵ - اگر از انجام طواف واجب با وضو یا غسل، معذور باشد باید بدل از وضو یا غسل تیمم کند.

مسأله ۴۰۶ - کسی که فعلاً از وضو یا غسل معذور است اگر بداند که عذرش برطرف می شود و می تواند طواف را با وضو یا غسل بجا آورد باید صبر کند تا عذرش برطرف شود یا از برطرف شدن آن مأیوس شود. و اگر احتمال می دهد عذرش تا آخر باقی باشد لازم نیست (2) صبر کند و می تواند به تیمم اکتفا نماید ولی اگر بعداً معلوم شود که می تواند با وضو یا غسل طواف را در وقت بجا آورد باید آن را اعاده کند.

مسأله ۴۰۷ - اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند(3).

---

1 آیه الله فاضل: یا جهلاً.

2. آیه الله سیستانی: در این فرض نیز باید صبر کند مگر این که احتمال بدهد که اگر صبر کند از تیمم هم عاجز می شود.

آیه الله خوئی: اگر عذرش نبود آب است باید فحص کند به تفصیلی که در رساله عملیه آمده است.

3. آیه الله تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند و اگر برای حدث اکبر دیگر غیر از جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنابر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیه الله خوئی: لازم است تیمم بدل از غسل کند.

مسئله ۴۰۸ - اگر در اثنای طواف حدثی عارض شود طواف باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را اعاده نماید مگر این که حدث بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد که در این صورت طواف را قطع و پس از تحصیل طهارت از همان جا طواف را تمام کند و صحیح است (1).

مسئله ۴۰۹ - اگر در اثناء طواف بیهوش شود و پس از مدتی به هوش آید باید طواف را اعاده نماید مگر این که بعد از اتمام شوط چهارم باشد که در این صورت باقی مانده طواف را تکمیل می نماید و در هر دو صورت باید برای اعاده یا تکمیل طواف وضو بگیرد.

مسئله ۴۱۰ - اگر حدثی که عارض شده حدث اکبر باشد مانند جنابت و حیض باید فوراً از مسجد خارج شود و به تفصیلی که در مسئله قبل گفته شده عمل نماید و اگر وقت برای حیض تنگ باشد به طوری که پس از پاک شدن نتواند بقیه اعمال عمره را انجام دهد احکام خاصی دارد که در مسائل طواف حیض خواهد آمد.

مسئله ۴۱۱ - اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

مسئله ۴۱۲ - اگر مُحَدِّث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

مسئله ۴۱۳ - اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که آن را با وضو به جا آورده یا نه یا شک کند که آن را با غسل به جا آورده (2) یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال

1. آیه الله بهجت: و همین طور است اگر پس از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم حدث از روی سهو و غفلت باشد.

آیه الله خامنه ای: و همینطور اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد و موالات بهم نخورد.

2. آیه الله خوئی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در این که قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد.

بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسأله ۴۱۴ - اگر در اثنای طواف شک کند که طهارت از حدث داشته یا نه، اگر سابقه طهارت داشته به شک خود اعتنا نکند و الا واجب است تحصیل طهارت نموده و طواف را از سر بگیرد(1).

مسأله ۴۱۵ - در تمام صورتهایی که در شک گفته شد که «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءاً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می شود.

مسأله ۴۱۶ - هر گاه در اثنای طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود و پس از طهارت طواف را از سر بگیرد چه قبل از شوط چهارم باشد و چه بعد از آن(2).

مسأله ۴۱۷ - اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بیوضو بجا آورد طوافش باطل است و همینطور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد.

طهارت بدن و لباس

مسأله ۴۱۸ - لباس و بدن کسی که می خواهد طواف کند واجب است پاک باشد حتی از خون کمتر از درهم نیز باید اجتناب شود بلی نجس بودن چیزهایی که نمی تواند به تنهایی ساتر در نماز باشد مانند جوراب و عرقچین و انگشتر مانعی ندارد.

مسأله ۴۱۹ - تطهیر از خون قروح و جروح اگر مشقت داشته باشد لازم نیست و

---

1 امام خمینی، آیه الله سیستانی: اگر بعد از تمامی دور چهارم باشد طواف را رها نموده تحصیل طهارت نماید و از همانجا بقیه طواف را بجا آورد.

2 آیه الله سیستانی، امام خمینی: اگر بعد از تمامی دور چهارم باشد طواف را رها کند و تحصیل طهارت نماید و از همان جا تتمه طواف را بجا آورد.

می توان با آن طواف نمود ولی اگر با تأخیر در طواف بتواند بدون مشقت تطهیر نماید احتیاط واجب است که تأخیر اندازد به شرط آن که وقت تنگ نشود.

مسأله ۴۲۰ - خون قروح و جروح، تا آن اندازه ای که می شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

مسأله ۴۲۱ - اگر بعد از طواف آگاه شود که در حال طواف بدن یا لباسش نجس بوده است طوافش صحیح است و همین طور اگر نجاست را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید(1).

مسأله ۴۲۲ - اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است، می تواند با آن حال طواف کند و صحیح است، چه بداند که پیش از این پاک بوده یا نداند، لیکن اگر بداند که قبلاً نجس بوده و نداند که تطهیر شده است، نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسأله ۴۲۳ - اگر در اثناء طواف بدن او نجس شود چنانچه تطهیر آن بدون رها کردن طواف ممکن نباشد باید آن را رها کند و پس از تطهیر، طواف را از همانجا تمام نماید و طوافش صحیح است خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن(2) و همینطور است اگر لباس او نجس شود و تعویض و تطهیر آن همانجا ممکن نباشد.

مسأله ۴۲۴ - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده حکم مسأله قبل را دارد و همین طور است اگر در بین طواف علم پیدا کند که لباس یا بدنش نجس بوده یا نجاست را فراموش کند و در اثناء طواف یادش بیاید(3).

مسأله ۴۲۵ - همراه داشتن چیز نجس در حال طواف مانع ندارد.

---

1 آیه الله گلپایگانی: در فرض فراموش کردن نجاست، باید طواف اعاده شود.

2 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف باطل است و باید بعد از تطهیر آن را از سر بگیرد.

3 آیه الله گلپایگانی: در صورت فراموشی نجاست باید طواف را اعاده نماید حتی اگر بعد از شوط چهارم یادش بیاید.

سوم: مختون بودن

مسأله ۴۲۶ - طواف افراد ذکور اگر ختنه نشده باشند باطل است حتی اگر بالغ نباشند بلی این شرط در طواف کودکان غیر ممیز معتبر نیست(1).

مسأله ۴۲۷ - اگر بچه ختنه شده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

مسأله ۴۲۸ - شخص مستطیع که ختنه نشده اگر بتواند ختنه کند هر چند با تأخیر حج تا سال آینده باید این کار را بکند(2) و اگر اصلاً متمکن از ختنه نباشد یعنی برای او ضرر و مشقت دارد لازم است حج را همان سال بجا آورد لیکن احتیاط این است که در عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف نائب نیز بگیرد(3) ولی خودش نماز طواف را بجا آورد و در صورتی که هر دو طواف با هم صورت بگیرد خودش یک نماز بخواند کافی است.

چهارم: ستر عورت

مسأله ۴۲۹ - طواف بدون ساتر عورت باطل است.

مسأله ۴۳۰ - لباس طواف کننده باید میاح باشد پس طواف در لباس غضبی باطل است هر چند ساتر عورت نباشد(4). بلکه احتیاط آن است که همه شرائط لباس نمازگزار مراعات شود.

---

1 آیه الله گلپایگانی: در این که ختنه شرط صحت طواف است فرقی بین ممیز و غیر ممیز نگذاشته اند.

2 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، مکارم: اگر در سال استطاعت نتواند ختنه کند باید حج به جا آورد.

3 آیه الله مکارم: نایب گرفتن لازم نیست.

4 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: غیر ساتر اگر غصبی باشد طواف صحیح است.

پنجم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن

مسأله ۴۳۱ - طواف باید از مقابل حجر الاسود شروع شود و از هر جای حجر الاسود که شروع کند به طوری که در عرف گفته شود از حجر الاسود شروع کرده کافی است (1). چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسط یا آخرش ولی از هر کجا شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند.

مسأله ۴۳۲ - برای شروع از حجر الاسود می تواند قبل از رسیدن به حجر الاسود قصد کند که طواف را از مقابل حجر الاسود شروع می کنم و زاید بر آن مقدمه علمیه است و همچنین در دور آخر می تواند قدری از حجر الاسود بگذرد با این قصد که زبانی مقدمه علمیه باشد.

مسأله ۴۳۳ - در طواف همان طوری که مسلمین طواف می کنند از محاذات حجر الاسود بدون دقت های صاحبان و سوسه شروع کند و در دور های دیگر لازم نیست مقابل حجر الاسود توقف نماید و تجدید نیت کند. بلکه می تواند بدون توقف دور بزند تا هفت شوط تمام شود.

مسأله ۴۳۴ - کاری که بعضی افراد نادان انجام می دهند که مقابل حجر الاسود می ایستند و برای رعایت محاذات عقب و جلو می روند موجب اشکال و گاهی حرام است.

مسأله ۴۳۵ - اگر اشتباهاً طواف را از غیر حجر الاسود مانند رکن یمانی شروع کند

---

1 آیه الله صافی گلپایگانی: طواف باید از اول جزء حجر الاسود شروع شود و چون تحقق آن معنی بر وجه حقیقت متعسر و بلکه متعذر است، در تحقق آن اکتفا می شود به این که پیش از رسیدن به حجر الاسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید، از باب مقدمه علمیه باشد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حجر شود و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند.

طوافش باطل است هر چند دور آخر را به حجر الاسود ختم نماید (1) و همینطور اگر دور های طواف را از حجر الاسود شروع کند ولی به موضعی قبل از حجر الاسود مانند رکن یمانی ختم نماید.

ششم: قرار دادن کعبه در طرف چپ.

مسأله ۴۳۶ - در طواف باید سمت چپ طواف کننده به طرف کعبه باشد و اگر سمت راست یا پشت یا روبروی او به کعبه باشد و در این حال طواف کند صحیح نیست.

مسأله ۴۳۷ - معیار در شرط مذکور این است که طوری طواف کند که در عرف گفته شود کعبه در طرف چپ اوست و لازم نیست در تمام حالات طواف حقیقتاً کعبه در سمت چپ او باشد بنابراین در موقع دور زدن حجر اسماعیل و گوشه های کعبه به نحو متعارف اگر سمت چپ او از محاذات کعبه خارج شود بلکه خانه متمایل به پشت او شود اشکالی ندارد.

مسأله ۴۳۸ - اگر به هر علتی مقداری از طواف بر خلاف متعارف انجام شود مثلاً رو به کعبه یا پشت به آن یا عقب عقب طواف کرد باید برگردد و آن مقدار را جبران کند و اگر نمی تواند برگردد بدون قصد طواف دور بزند (2) تا جایی که باید طواف را از آنجا تدارک کند برسد و از آنجا جبران نماید.

هفتم: داخل نمودن حجر اسماعیل (در طواف

مسأله ۴۳۹ - حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف کننده از بیرون آن طواف کند.

---

1. آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اگر قصد و شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است در صورتی که کسری دور آخر را به قصد طواف تمام کند صحیح است.

2. آیه الله سیستانی: و تا حجر الاسود برود و آن شوط را کاملاً اعاده نماید.

مسأله ۴۴۰ - اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید اعاده کند پس اگر اینکار عمدی باشد حکم ابطال عمدی طواف را دارد و اگر سهوی باشد حکم ابطال سهوی را دارد که حکم آن دو گذشت.

مسأله ۴۴۱ - اگر در بعضی از شوطها از داخل حجر اسماعیل دور زد، باید آن شوط را اعاده کند و اعاده طواف لازم نیست.

مسأله ۴۴۲ - کسی که یک شوط طواف را از درون حجر اسماعیل (علیه السلام) انجام داده و بقیه طواف را ادامه داده باید یک شوط دیگر بجا آورد (1) و اگر نماز و بقیه اعمال را انجام داده آنها را نیز اعاده نماید. (2)

مسأله ۴۴۳ - اگر پس از داخل شدن در حجر اسماعیل متوجه مسأله شد و بجای اعاده آن شوط آنرا از آنجایی که وارد حجر شده تکمیل نموده طوافش باطل نیست و باید آن شوط را اعاده نماید.

مسأله ۴۴۴ - اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل (علیه السلام) (برود اعاده همان مقدار از شوط کافی است).

---

1 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر موالات فوت نشده و اما اگر موالات فوت شده طوافش باطل است و باید آنرا و اعمال مترتب بر آنرا تدارک نماید و اگر وقت تدارک گذشته حشش باطل است آیه الله سیستانی اضافه فرمودند: ولی در فرض سهو و نسیان اعاده یک شوط و اعمال مترتبه کافی است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را بجا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را بجا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را بجا آورد. (آداب و احکام حج، م ۵۶۰)

2 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: اگر به اعتقاد صحت بقیه اعمال را انجام داده اعاده آن شوط و نماز کافی است.

مسأله ۴۴۵ - در حال طواف، دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل(علیه السلام) جایز است و به طواف ضرر نمی رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است.

هشتم: رعایت محدوده طواف

مسأله ۴۴۶ - بهتر است طواف بین کعبه و مقام حضرت ابراهیم(علیه السلام) انجام شود و این مسافت که تقریباً ۵ / ۲۶ ذراع است در همه اطراف کعبه مراعات شود (1) ولی طواف خارج این حد تا هر کجا که (2) طواف خانه صدق کند جایز است خصوصاً در مواردی که طواف در محدوده مذکور ممکن نباشد یا مشقت داشته باشد.

مسأله ۴۴۷ - محدوده مذکور در مسأله قبل در قسمتی که حجر اسماعیل(علیه السلام) وجود دارد از کعبه حساب می شود و با کاسته شدن مقدار حجر تقریباً از مطاف ۶/۵ ذراع باقی می ماند(3).

تذکر ۲: بنابر نظر مراجع مذکور اگر به جهت نظافت مسجد و مانند آن از انجام

1 امام خمینی، آیه الله فاضل: واجب است طواف در محدوده مذکور انجام شود مگر در صورتیکه حتی در وقت خلوت نتواند در این محدوده طواف کند که در این صورت طواف خارج از این حد با مراعات الاقرب فالاقرب جایز است.

آیه الله فاضل اضافه فرمودند: همینطور اگر ضرورت عرفی اقتضاء کند که خارج از محدوده طواف کند

2 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: جمعیت طواف کننده متصل به یکدیگر مشغول طوافند صحیح است

تذکر: بنابر نظر امام خمینی و آیه الله فاضل اگر شخصی در طواف از محدوده لازم خارج شد باید آن مقدار را اعاده کند و همینطور بنابر نظر آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی اگر در محدوده ای طواف کند که اتصال به جمعیت نداشته باشد باید آن مقدار را اعاده کند.

3 آیات عظام: گلپایگانی، صافی، فاضل: در طرف حجر اسماعیل محدوده طواف ضیق نمی شود و از حجر اسماعیل به مقدار ۵/۲۶ ذراع محدوده طواف است.

طواف در محدوده ممانعت شود اگر امکان دارد که در محدوده طواف کند باید صبر نماید و در محدوده طواف کند و اگر خارج آن طواف کند صحیح نیست آیه الله فاضل اضافه فرمودند: اگر در چنین حالاتی ضرورت عرفیه اقتضاء کند که خارج از محدوده طواف کند و صبر کردن برای طواف در محدوده مستلزم عسر و حرج باشد در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب صحیح است.

تذکر ۳: بنابراین نظر مراجع مذکور زنی که قادر به طواف کردن نیست اگر کسی حتی نامحرم حاضر شود او را بدوش بگیرد و در محدوده طواف دهد نمی تواند به طواف با تخت روان در خارج از محدوده اکتفا کند.

تذکر ۴: کسی که در محدوده طواف است اگر شک کند که از محدوده خارج شده یا نه؟ طوافش صحیح است ولی اگر در ابتدا طواف شک کند که طوافش در محدوده است یا نه؟ نمی تواند به آن اکتفا نماید.

تذکر ۵: یقین به این که در حال طواف او را بی اختیار می برند مجوز طواف در خارج حد نیست و باید همان مقدار را که بی اختیار شده تدارک کند، و همینطور یقین به برخورد با نامحرم برای طواف خارج محدوده عذر محسوب نمی شود.

نهم: طواف نکردن روی شاذروان

مسأله ۴۴۸ - در اطراف دیوار خانه، یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» می گویند و طواف بر روی آن صحیح نیست.

مسأله ۴۴۹ - اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن روی شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است و باید آن اعاده کند.

مسأله ۴۵۰ - دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن، در آن جایی که شاذروان است جایز است و به طواف ضرر نمی رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است.

دهم: موالات

مسأله ۴۵۱ - مراعات موالات عرفیه در طواف لازم است (۱) یعنی باید هفت دور آن پشت سر هم آورده شود و در بین آن بقدری فاصله نشود که از صورت یک طواف خارج گردد.

تذکر: موارد استثناء این شرط در مسائل مربوط به قطع طواف خواهد آمد.

یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر

«کم کردن دورهای طواف»



مسئله ۴۵۲ - اگر طواف کننده از ابتداء عمداً قصد کند که کمتر از هفت دور طواف کند طوافش باطل است اگر چه هفت دور بزند (2) ولی اگر از روی جهل یا سهو یا غفلت باشد و به هفت دور تمام کند طوافش صحیح است.

مسئله ۴۵۳ - اگر از روی جهل به مسئله بیش از هفت دور طواف کند طوافش باطل است (3) و باید طواف و نماز و اعمال بعد از آن را اعاده کند (4).

مسئله ۴۵۴ - اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور زدن برگردد و قصد کند کمتر بیاورد آنچه با این قصد آورده باطل است (5) و باید اعاده کند.

---

1 آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: این شرط در طواف مستحب لازم نیست.

2 آیات عظام: تبریزی، خوبی، سیستانی: در فرضی که هفت دور بزند با تحقق قصد قربت طوافش صحیح است.

3 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: مگر این که جاهل قاصر باشد که در این صورت طوافش صحیح است.

4 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: اگر با اعتقاد صحت بقیه اعمال را آورده اعاده طواف و نماز کافی است.

5 آیات عظام: تبریزی، خونی، سیستانی: اگر قصد قربت مختل شود طواف اشکال پیدا می کند.

مسئله ۴۵۵ - اگر عمداً از طواف واجب یک دور یا کمتر یا بیشتر از آن کم کند اگر پیش از فوت موالات عرفیه آنرا تکمیل نماید طوافش صحیح است (1) و اگر تکمیل ننماید تا موالات فوت شود حکم قطع عمدی طواف را دارد که خواهد آمد.

مسئله ۴۵۶ - در فرض مسئله قبل اگر طواف را تکمیل نکرد تا موالات فوت شد باید آنرا اعاده کند (2) و اگر آنرا اعاده نکند حکم ترک عمدی طواف را دارد که در مسائل قبل گذشت و در این مسئله و مسئله قبل فرقی بین عالم و جاهل نیست.

مسئله ۴۵۷ - اگر سهواً از طواف کم کند چنانچه پیش از فوت موالات آنرا تکمیل نماید طوافش صحیح است و همینطور است اگر بعد از فوت موالات متذکر شود و مقدار فراموش شده سه شوط یا کمتر باشد (3) و اما اگر بعد از فوت موالات متذکر شود که بیش از سه شوط کم کرده باید طواف را اعاده نماید. گر چه تکمیل طواف و اعاده آن در تمام موارد مذکور موافق احتیاط است.

مسئله ۴۵۸ - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را بجا آورد و طواف و سعی صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اگر کمتر از چهار دور بجا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده نماید.

«زیاد کردن دورهای طواف»

مسئله ۴۵۹ - اگر طواف کننده از ابتدا عمداً قصد کند که بیش از هفت دور طواف کند

---

1 آية الله سيستاني: اگر بي دليل قبل از تمام شدن شوط چهارم از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده که عرفاً صدق کند که طوافش را قطع کرده طواف باطل است.

2 آية الله گلپایگانی: اقوي آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعداً احتیاطاً اعاده نماید.

3 آية الله مکارم: در این صورت باید طواف را اعاده کند.

طوافش باطل است هر چند به هفت دور اکتفا کند (1) ولي اگر از روي جهل یا سهو یا غفلت باشد و به هفت دور تمام کند طوافش صحیح است.

مسأله ۶۰ - انجام یک دور یا بیشتر بقصد احتیاط، زیاده در طواف محسوب نمی شود و جبران نقص احتمالی را نیز نمی کند

مسأله ۶۱ - اگر در اثناء طواف از قصد هفت دور زدن برگردد و قصد کند زیادتیر بیاورد آنچه با این قصد آورده باطل است و باید اعاده کند (2) و اگر با این قصد زیادتیر از هفت دور انجام دهد اصل طواف باطل است (3)

مسأله ۶۲ - اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

مسأله ۶۳ - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همانطور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم به دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است خواه آن یک دور را انجام دهد یا انجام ندهد.

مسأله ۶۴ - اگر بعد از هفت دور طواف واجب عمداً یک شوط یا کمتر یا بیشتر به آن اضافه نماید به قصد این که زیاده جزء آن طواف باشد، طواف او باطل می شود و باید اعاده کند.

مسأله ۶۵ - اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتیر است احوط (4) آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز طواف واجب را قبل از سعی بخواند و احتیاط مستحب آن است که بعد از سعی دو رکعت

1 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: با تحقق قصد قربت طوافش صحیح است.

2 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف باطل می شود.

3 آية الله بهجت: آنچه با قصد زیاده آورده باطل است.

4 آية الله گلپایگانی، آية الله صافي: این احتیاط مستحب است.

نماز برای طواف مستحب به جا آورد.

مسأله ۴۶۶ - اگر قسمتی از شوط را که صحیح بوده به تصور این که باطل انجام داده اعاده نموده، طوافش صحیح است.

«قران در طواف»

مسأله ۴۶۷ - قران در طواف (یعنی دو طواف پشت سر یکدیگر بدون انجام نماز طواف بین آن دو) در طواف واجب حرام است ولی طواف اول صحیح است (1) و در طواف مستحب مکروه است.

مسأله ۴۶۸ - اگر بعد از انجام طواف و قبل از نماز طواف یک شوط یا کمتر یا بیشتر بیاورد بقصد این که آنرا جزء طواف دیگر قرار دهد داخل در قران بین دو طواف است که حکمش در مسأله قبل گذشت. (2)

مسأله ۴۶۹ - اگر طواف واجبی را که به فتوای مجتهدش صحیح است قبل از خواندن نماز به قصد احتیاط اعاده نماید و سپس نماز طواف را بخواند عملش صحیح است هر چند به واسطه قران (3) معصیت کرده است.

«قطع طواف»

مسأله ۴۷۰ - قطع طواف یعنی رها کردن آن به طوری که موالات عرفیه فوت شود (4)،

---

1 آیات عظام: سیستانی، خوئی، تبریزی: طواف باطل است.

2 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، بهجت: اگر طواف دوم را به اتمام نرساند نه قران است و نه زیاده در طواف.

3 آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: این عمل قران محسوب نمی شود.

4 آیه الله سیستانی: یا قبل از اتمام شوط چهارم از مطاف خارج و مشغول کاری شود که عرفاً گفته شود طواف را قطع کرده است.

بدون عذر در طواف مستحب جایز و در طواف واجب مکروه است. (1)

مسأله ۴۷۱ - اگر بدون عذر طواف را قطع کند باطل است و باید آنرا اعاده نماید چه قبل از شوط چهارم باشد یا بعد از آن (2) ولی اگر طواف را رها کند و قبل از فوت موالات برگردد و آنرا تمام نماید طوافش صحیح است.

مسأله ۴۷۲ - اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم طواف را به جهت عذری مانند مرض و حیض قطع نماید و بعد از رفع عذر طواف را از همانجا که قطع کرده کامل کند صحیح است. ولی اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باید آنرا اعاده نماید. (3)

مسأله ۴۷۳ - اگر شخصی به جهت عذري طواف را قطع کند و تا وقت تنگ شود از انجام طواف عاجز باشد پس اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند. تا طوافش را تکمیل نماید یا اگر قطع قبل از اتمام شوط چهارم بوده اعاده نماید و اگر ممکن نیست برایش نایب بگیرند که به تفصیل مذکور عمل نماید(4).

مسأله ۴۷۴ - اگر در اثناء طواف به جهت برپا شدن نماز جماعت یا نظافت مسجد و مانند آن، شخص از ادامه طواف معذور شد حکم مسأله قبل را دارد.

«قطع طواف جهت نماز»

مسأله ۴۷۵ - اگر در اثنای طواف وقت نماز واجب تنگ شود واجب است آنرا رها کند و نماز بخواند و سپس طواف را از همانجا که قطع کرده تمام کند (5) و صحیح است مگر

1 آیات عظام: صافی، گلپایگانی، خوبی: در طواف واجب جائز نیست.

2 آیه الله گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد، طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند.

3 آیه الله سیستانی: بجز طواف مستحب که می تواند تکمیل نماید مطلقاً.

4 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بعید نیست گفته شود که نایب باید در هر صورت همه طواف را انجام دهد.

5 آیه الله فاضل، آیه الله خامنه ای: می تواند طواف را از اول شروع نماید.

این که قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد و بقدری فاصله شود که موالات عرفیه به هم بخورد. که در این صورت باید طواف را اعاده کند.

مسأله ۴۷۶ - قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت یا درک وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است و بعد از نماز از همانجا که طواف را قطع کرده ادامه دهد و طوافش صحیح است گر چه احتیاط مستحب آن است که به تفصیل مسأله قبل عمل نماید.

«شک در طواف»

مسأله ۴۷۷ - اگر بعد از طواف شک کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل(علیه السلام) طواف کرده، اعتناء نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

مسأله ۴۷۸ - اگر در اثناء طواف شک کند که طواف را به نیت منوب عنه شروع کرده یا برای خود، نمی تواند به این طواف اکتفا کند و می تواند صبر کند تا موالات فوت شود سپس آنرا از سر بگیرد(1).

مسأله ۴۷۹ - اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که هفت دور آورده یا بیشتر به شک خود اعتناء نکند و همینطور است اگر شک کند در این که هفت دور آورده یا کمتر. (2)

1 آیه الله بهجت: می تواند طواف را به نیت منوب عنه تمام کند.

آیه الله سیستانی: و باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.

2 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: اگر قبل از مشغول شدن به نماز چنین شکی کند باید طواف را اعاده کند.

مسأله ۴۸۰ - اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسأله ۴۸۱ - اگر در طواف در عدد شوطها شک نمود و با این حال و بامید این که شک او را از بین برود طواف را ادامه داد و پس از آن یقین کرد که ۷ دور را کامل کرده طوافش صحیح است.

مسأله ۴۸۲ - اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است. (1)

مسأله ۴۸۳ - اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

مسأله ۴۸۴ - در مواردی که شک در دورهای طواف موجب بطلان طواف است اگر طواف دیگری شروع کرد و در اثناء آن یقین به دورهای طواف اول برایش حاصل شده، طواف دوم صحیح است. (2).

مسأله ۴۸۵ - اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنا بر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

مسأله ۴۸۶ - کسی که در عدد دورهای طواف کثیر الشک است به شکش اعتنا نکند (3) و بنا بر اکثر بگذارد، مگر این که بنا بر اکثر موجب بطلان طواف باشد که در این صورت به احتمال اکثر اعتناء نکند و احتیاط مستحب آن است که کثیر الشک کسی را وادار کند که عدد را برایش حفظ کند.

مسأله ۴۸۷ - معیار در کثیر الشک (4) در طواف این است که عرفاً بگویند در طوافش

1 آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

2 آیه الله مکارم: در فرضی که یقین کند در طواف اول شش شوط انجام داده و از طواف دوم، سه شوط انجام داده فرموده اند صبر کند تا موالات طواف دوم بهم بخورد و طواف اول را تکمیل نماید.

3 آیه الله خوئی: اگر به حد وسواس نرسیده باید به شک خود اعتنا کند.

4 آیه الله سیستانی: معیار این است که شکی که برای او حاصل می شود، نسبت به کسانی که در موجبات حواس پرتی مانند او هستند، به مقدار معتنا به بیشتر باشد.

زیاد شک می‌کند.

مسئله ۴۸۸ - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد (1) و حکم شک را دارد.

«مسائل متفرقه طواف»

مسئله ۴۸۹ - واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسئله ۴۹۰ - جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد، از همانجا اتمام کند ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد و الا طوافش باطل است و باید طواف را اعاده کند. (2)

مسئله ۴۹۱ - اگر معاذ الله در حال طواف معصیتی مانند تماس عمدی با بدن نامحرم انجام شود طوافش باطل نمی‌شود.

مسئله ۴۹۲ - پا گذاردن روی احرامی دیگران و اشیائی که از افراد در مطاف می‌افتد مانند ساعت و غیر آن موجب بطلان طواف نمی‌شود.

مسئله ۴۹۳ - اگر از قسمتی از شوط را نادرست انجام دهد و در وقتی که می‌خواهد تدارک کند محل دقیق آن مشخص نباشد، برای تدارک باید از چند قدم جلوتر شروع کند با این قصد که طواف او از همانجائی که نادرست بوده ادامه پیدا کند و بقیه مقدمه علمیه باشد.

مسئله ۴۹۴ - در مواردیکه احتیاط اقتضا می‌کند که طواف را تکمیل کند و نماز را بخواند سپس آنرا با نمازش اعاده کند، می‌تواند یک طواف کامل به قصد تمام و اتمام بجا آورد (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده تمام هفت شوط طوافش باشد و

---

1 آیه الله بهجت: گمان در دورهای طواف معتبر است و باید به آن عمل شود.

2 آیه الله خامنه ای: ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد می‌توان به اتمام همان طواف اکتفا نمود.

چنانچه صحیح بوده از طواف دوم بمقدار نقصان، طواف اول طواف باشد) و بعد دو رکعت نماز بخواند این عمل کافی است (1).

مسئله ۴۹۵ - اگر طواف عمره را فراموش کند یا ناقص انجام دهد و بعد از وقت و در اثناء اعمال حج متوجه شود واجب نیست فوراً آن را تدارک کند بلکه می‌تواند بعد از اعمال منی آنرا تدارک کند.

مسئله ۴۹۶ - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسئله ۴۹۷ - در حال طواف تکلم کردن بخنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسئله ۴۹۸ - اگر در طواف بی اختیار او را ببرند اعاده آن مقدار لازم است (2) و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که

منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است(3).

مسئله ۴۹۹ - هر گاه چند قدم از طواف اشکال پیدا کند مثل این که بی اختیار انجام شود به نحوی که در مسأله قبل گذشت اگر بتواند باید برگردد و آن مقدار را اعاده نماید وگرنه بدون نیت طواف، دور بزند تا به محلی که طوافش اشکال پیدا کرده برسد و از آنجا طواف را ادامه دهد و اگر از حجر الاسود شروع کند اشکال دارد.(4)

---

1 آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، صافی: این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

2 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

3 آیه الله سیستانی: بی اختیار شدن به این است که نه بتواند توقف کند و نه از مطاف خارج شود.

4 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اگر نتواند برگردد و جبران کند می تواند تا حجر الاسود برود و آن شوط را اعاده نماید و جایز نیست بدون قصد طواف، تا جایی که طوافش نادرست بوده برود و از آنجا ادامه دهد.

مسئله ۵۰۰ - اگر قسمتی از یک شوط طواف نادرست انجام شود و شخص بخواهد آنرا تدارک کند لازم نیست از همان مکانی که طواف اشکال پیدا کرده آنرا ادامه دهد بلکه می تواند از محاذی آن در طرف راست یا چپ آن مکان طواف را تدارک کند و همینطور است مواردی که طواف در نقطه ای قطع می شود و شخص می خواهد آنرا تکمیل نماید.

مسئله ۵۰۱ - اگر از روی جهل به مسأله به جای تدارک آن مقدار از شوط که اشکال پیدا کرده آنرا رها کند و شوط دیگری بجا آورد طوافش صحیح است.

مسئله ۵۰۲ - همراه داشتن مال غصبی مثل پول خمس نداده موجب بطلان طواف نمی شود.(1)

مسئله ۵۰۳ - در مواردی که قسمتی از شوط را صحیح انجام نداده اگر جهلا بدون تدارک آن قسمت به طواف ادامه دهد زیاده ای که انجام داده طواف را باطل نمی کند و چنانچه قبل از فوت موالات آن قسمتی که خلل پیدا کرده تدارک کند طوافش صحیح است.

مسئله ۵۰۴ - اگر کسی طواف عمره تمتع را فراموش نماید و بعد از وقت آن متوجه شود (2) می تواند آنرا در غیر ماه های حج قضا نماید و همینطور است اگر به جهت فراموشی بعضی از شروط آنرا باطل انجام دهد (3) و نائب در طواف مذکور نیز همین حکم را دارد.

مسئله ۵۰۵ - در عدد دورهای طواف و سعی و عدد سنگهای رمی در صورتی می توان به دیگری اعتماد کرد که اطمینان به عدد حاصل شود(4).

---

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود.

2 آیات عظام: سیستانی، فاضل، گلپایگانی، صافی: اگر بعد از ذی الحجه متوجه شود.

3 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر طواف را باطل انجام دهد با گذشت زمان تدارک حج باطل است.

4 آية الله خوئي، آية الله تبريزي: يا آن شخص ثقه باشد.

آية الله سيستاني: در خصوص طواف مي تواند به كسي كه يقين به عدد دورها داشته باشد اعتماد كند.

مسأله ۵۰۶ - نایب در طواف حج یا عمره لازم نیست محرم باشد یا لباس احرام در بر داشته باشد بلکه می تواند طواف نیایی را در غیر احرام و با لباس دوخته انجام دهد.

مسأله ۵۰۷ - کسی که از احرام خارج شده و می خواهد طواف و نماز را اعاده کند لازم نیست طواف را با لباس احرام انجام دهد.

مسأله ۵۰۸ - زن باید در حال طواف تمام بدن خود را به جز صورت (1) و دستها تا مچ از نامحرم بپوشاند و اگر عمداً این مقدار را نپوشاند معصیت کرده لکن طواف او صحیح است.

مسأله ۵۰۹ - کسی که در بین طواف شخصی را از زمین بلند می کند یا چیزی را بر می دارد و در آن حال بدون توجه به طواف یک یا چند قدم به جلو بر می دارد چنانچه در وقت پیمودن این مسافت قصد طواف را داشته ولو اجمالاً کفایت می کند و اگر شک دارد چنین قصدی داشته یانه؟ به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۵۱۰ - اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کرد باید همان مقدار تدارک شود و ادامه طواف بدون تدارک آن، موجب اشکال در طواف است و آوردن آن قسمت از طواف بقصد احتیاط پس از اتمام طواف اشکال را برطرف نمی کند.

#### بطلان طواف یا بعض آن

مسأله ۵۱۱ - اگر پس از انجام حج تمتع متوجه شود که چند شوط از طواف عمره تمتع، یا حج را سهواً باطل انجام داده مثل این که از داخل حجر اسماعیل طواف کرده چنانچه مقداری که باطل انجام داده سه شوط یا کمتر باشد همان مقدار را اعاده نماید با نماز طواف و اگر بیشتر باشد باید اصل طواف را اعاده نماید و در هر دو صورت اعمال

1 آية الله مكارم: و صورتش را با نقاب نپوشاند.

عمره و حج آن صحیح است و اگر از روی جهل به حکم، و در عمره تمتع بوده، عمره و حج او باطل است و باید در سال بعد آنرا اعاده نماید. (1) و اگر در حج بوده طواف او باطل است و احکام آن در مسائل حج خواهد آمد.

مسأله ۵۱۲ - اگر در عمره تمتع بعد از تقصیر متوجه شود که طوافش را سهواً باطل انجام داده است مثل این که بدون وضو طواف کرده یا وضویش باطل بوده پس اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده از محرّمات اجتناب نماید و اگر بعد از گذشتن وقت تدارک متوجه شود اعاده طواف و نماز کافی است. (2)



مسأله ۵۱۳ - اگر از روی جهل به مسأله طواف عمره تمتع را باطل انجام دهد چنانچه قبل از تنگی وقت متوجه شود باید طواف و نماز آنرا اعاده نماید و اگر سعی و تقصیر کرده آنها نیز باید اعاده شود و تا اعاده ننموده در احرام باقی می ماند و اگر بعد از وقت تدارک متوجه شود حج او باطل است (3).

مسأله ۵۱۴ - در فرض مذکور در مسأله قبل اگر بعد از آن حج، عمره یا حج دیگری انجام داده و در آن خللی ایجاد نکرده باشد آن عمره و حج محکوم به صحت است.

---

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی، اگر از روی جهل در عمره مفرده بوده حج او بدل به افراد شده باید عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد نیز حج تمتع را انجام دهد (نظر آیه الله بهجت در فرض جهل بدست نیامد).

2 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر بعد از وقت تدارک یادش بیاید حجتش باطل است.

آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، فاضل: در هر دو صورت اعاده طواف و نماز کافی است و شخص با تقصیر از احرام خارج شده است.

3 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: حج او مبدل به افراد می شود و باید احتیاطاً پس از آن عمره مفرده انجام دهد و سال بعد دوباره عمره و حج تمتع را بجا آورد.

آیات عظام: امام، فاضل، خامنه ای: در هر دو صورت اگر با اعتقاد به صحت اعمال را تمام کرده از احرام خارج شده و عمره و حج او صحیح است و فقط باید طواف و نماز را تدارک نماید.

«قطع طواف و از سر گرفتن آن»

مسأله ۵۱۵ - کسی که در اثناء طواف آنرا رها می کند و از سر می گیرد طوافش صحیح است خواه قبل از اكمال شوط چهارم آنرا رها کند یا بعد از آن (1) و اگر طواف دوم را هم رها کند و طواف سوم را انجام دهد همین حکم را دارا است.

«طواف در لباس غضبی و غیر مخمس»

مسأله ۵۱۶ - کسی که سال خمسی برای خود قرار نداده اگر از درآمد کسب، پولی دارد که معلوم نیست ربح بین سال است یا سال بر آن گذشته است بدون تخمیس آن حکم غضب را دارد بنابراین اگر با آن پول لباس احرام یا قربانی تهیه کند، طواف و قربانی او صحیح نیست مگر آنکه همانطوریکه متعارف است بدمه خریداری کرده باشد که در این صورت طواف و قربانی او صحیح است.

مسأله ۵۱۷ - اگر انجام طواف و نماز در لباسی که با عین پول غضبی یا غیرمخمس تهیه شده از روی علم و عمد نباشد طواف و نماز صحیح است مگر این که جاهل مقصر باشد که باید تدارک نماید (2).

مسأله ۵۱۸ - پولي که معلوم نيست متعلق خمس است يا نه؟ لازم نيست تخميس شود و مي توان آنرا در حج صرف نمود.

1 امام: اگر قبل از شوط چهارم بوده بايد يك طواف ديگر بجا آورد.

آية الله خوئي، آية الله تبريزي: در فرض اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، طواف مذبور مجزي است.

آية الله صافي، آية الله گلپايگاني: اگر بعد از شوط چهارم بوده واجب است نقصان طواف قطع شده را بجا آورد و نماز آنرا نيز بخواند.

2 آية الله بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده باشد.

«نيابت در طواف»

مسأله ۵۱۹ - اگر كسي از ابتدا بداند كه حتي با كمك ديگري قادر بر انجام بعضي از شوطهاي طواف نيست بايد براي طواف كامل نائيب بگيرد و همينطور اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولي اگر بعد از آن باشد مي تواند براي بقيه نائيب بگيرد(1).

مسأله ۵۲۰ - انجام طواف به نيابت از ديگري قبل از طواف عمره يا حج يا طواف نساء جايز است.

«طواف با لباس دوخته»

مسأله ۵۲۱ - اگر محرم طواف و سعي خود را با لباس دوخته انجام دهد، طواف و سعي او صحيح است هر چند بواسطه پوشيدن لباس دوخته (در غير موارد عذر) معصيت کرده است.

«طواف حائض و مستحاضه»

مسأله ۵۲۲ - زن اگر در ايام عادت خون ديده و سپس پاڪ شده و مجدداً خون ديده چنانچه قبل از ده روز پاڪ شود آن خون محكوم به حيض است (2) و اگر در فاصله اي كه پاڪ بوده طواف و نماز را انجام داده بايد آنها را اعاده نمايد(3).

1 آیات عظام: صافي، گلپایگانی، مکارم: در تمام صور باید برای طواف کامل نایب بگیرد.

امام خميني، آية الله بهجت: بعضي از دورهاي طواف قابل نيابت است مطلقاً

2 آية الله خوئي، آية الله تبريزي: اگر خون دوم به صفات حیض باشد.

3 آية الله مکارم: اعاده طواف و نماز لازم نیست.

مسأله ۵۲۳ - زن اگر به جهتي مانند استفاده از قرض نظم عادت ماهانه اش بهم خورده چنانچه يقين دارد خوني که مي بيند سه روز استمرار دارد هر چند به اين نحو که پس از خروج خون تا سه روز در باطن فرج آلوده باشد حکم حیض را دارد وگرنه باید به وظائف مستحاضه عمل نماید(1).

مسأله ۵۲۴ - زن اگر برای احرام عمره تمتع محرم شده اگر به واسطه حیض نتواند طواف کند باید صبر کند و پس از پاک شدن طواف و اعمال دیگر را انجام دهد و اگر بترسد که نتواند در وقت، اعمال عمره را انجام دهد از موارد عدول به افراد است (2) که مسائل آن خواهد آمد.

مسأله ۵۲۵ - اگر زن در اثناء طواف قبل از اتمام شوط چهارم حیض شود طوافش باطل است پس اگر وقت دارد صبر می کند تا وقتی که پاک شد طواف و نماز و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت ندارد مورد عدول به افراد است(3).

مسأله ۵۲۶ - اگر زن در اثناء طواف بعد از اتمام دور چهارم (4) حیض شد چنانچه وقت دارد صبر کند و پس از پاک شدن تحصیل طهارت کرده و بقیه طواف و سایر اعمال

1 آیات عظام: خوئي، تبريزي، سيستاني: اگر به صفات حیض باشد یا در ایام عادت، احتمال استمرار کافي است و حیض محسوب می شود.

2 آیات عظام: خوئي، تبريزي، خامنه اي، سيستاني: اگر بعد از احرام حیض شد مخیر است بین عدول و بین این که سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از حج تمتع و قبل از طواف آن قضای طواف و نماز عمره تمتع را بجا آورد.

3 آية الله خامنه اي: اگر قبل از سه شوط و نیم باشد مورد عدول به افراد است و اگر بعد از آن باشد حکم مسأله بعد را دارد.

آیات عظام: خوئي، بهجت، سيستاني: مخیر است بین عدول و بین اتمام عمره تمتع به این صورت که سعی و تقصیر را انجام می دهد و برای حج تمتع محرم می شود و بعد از حج و قبل از طواف آن، طواف عمره تمتع و نمازش را به جا می آورد. آية الله خوئي: فرمودند: طواف عمره را به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

4 آية الله خامنه اي: بعد از سه شوط و نیم.

را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج تمتع محرم می شود و بعد از حج قبل از طواف آن (1) بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را انجام می دهد(2)

مسأله ۵۲۷ - اگر زن پس از این که متوجه شد که طواف عمره را باطل انجام داده حیض شد و تا آخر وقت عذرش باقی است (3) سعی و تقصیر را انجام می دهد (4) و برای حج محرم می شود و پس از حج و برطرف شدن عذر، طواف و نماز آن را انجام می دهد.

مسأله ۵۲۸ - زن مستحاضه چنانچه استحاضه اش قلیله باشد باید برای هر یک از طواف و نماز جداگانه وضو بگیرد و اگر متوسط باشد باید علاوه بر این، یک غسل برای طواف و نماز انجام دهد (5). و اگر کثیره باشد یک غسل دیگر هم برای نماز انجام دهد (6). این در صورتی است که خون مستمر باشد و اگر از وقت وضو یا غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد طهارتی که برای طواف تحصیل کرده کافی است.

مسأله ۵۲۹ - اگر زن در اثناء طواف مستحاضه شد طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آنرا اعاده نماید مگر این که پس از تمام شوط چهارم باشد که در این

---

1 آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، مکارم: یا بعد از آن.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: باید بعد از اعمال مکه بقیه طواف و نماز عمره را بجا آورد.

2 آیه الله خوئی: و می تواند عدول به افراد کند مانند مسأله قبل.

3 آیه الله سیستانی: در این فرض مخیر است بین عدول و انجام حج تمتع به نحوی که در مسأله ۳۵۷ گذشت.

4 امام، آیه الله خامنه ای: اگر بعد از تقصیر متوجه شد که طوافش باطل است لازم نیست سعی و تقصیر را اعاده نماید.

5 آیه الله مکارم: اگر مستحاضه متوسطه و کثیره وظیفه غسل خود را برای نمازهای یومیه انجام دهد غسل دیگری برای طواف و نماز لازم ندارد.

6 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: غسل دیگر لازم نیست.

آیه الله خوئی: در کثیره اگر محدث به حدث اصغر نباشد احتیاجی به وضو نیست.

صورت طواف را قطع و پس از تحصیل طهارت و تطهیر بدن و لباس از همان جا طواف را تمام کند و صحیح است (1).

مسأله ۵۳۰ - زن مستحاضه اگر پاک شد و وضو گرفت و غسل کرد و مشغول طواف شد و در اثناء طواف مجدداً خون دید حکم مسأله قبل را دارد ولی اگر خون مستمر است و به وظیفه اش عمل کرده با تحفظ از خروج آن طواف او صحیح است.

مسأله ۵۳۱ - مستحاضه پس از تحصیل طهارت برای طواف و نماز آن باید مبادرت به عمل نماید و اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند باید وضو و غسل خود را نزدیک مسجد الحرام انجام دهد.

مسأله ۵۳۲ - اگر مستحاضه در اثناء طواف بجهت اقامه نماز و مانند آن نتواند به طوافش ادامه دهد باید مجدداً برای طواف تحصیل طهارت نماید و طواف را اعاده نماید (2)

مسأله ۵۳۳ - زن غیر سیده (3)خونی که بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری می بیند حکم استحاضه را دارد هر چند به صفات حیض باشد و تا وقتی که رسیدن به سن مذکور برای زن اثبات نشده حکم زنان غیر یائسه را دارد.

مسأله ۵۳۴ - زن که حیض شده اگر با استفاده از دار و کاری کند که خون کاملاً قطع گردد بطوری که در باطن فرج هم خون سه روز استمرار پیدا نکند آن خون حکم استحاضه را دارد و با تحصیل طهارت مستحاضه، می تواند طواف و نماز خود را انجام دهد.

---

1 آیه الله بهجت: و همینطور است اگر پس از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم مستحاضه شده.

2 آیه الله تبریزی: در فرضی که نماز جماعت برگزار شده و مستحاضه نمازش را خوانده فرمودند بعید نیست تمام کردن همان طواف سابق کافی باشد و همچنین آیه الله سیستانی در این فرض فرمودند اگر قطع پس از پایان شوط چهارم بوده اتمام همان طواف کافی است.

3 آیه الله مکارم: فرقی بین سیده و غیر سیده نیست ملاک تمام شدن پنجاه سال قمری است.

آیه الله سیستانی: یائسگی در مسأله حیض در سیده و غیر سیده با اتمام شصت سال قمری شروع می شود.

مسأله ۵۳۵ - شخصی که بعد از اعمال عمره یا حج متوجه می شود که غسل واجب مانند غسل مس میت یا غسل نفاس بر عهده اش بوده است چنانچه پس از وجوب آن غسل، غسل واجب یا مستحبی (که استحباب آن ثابت است مانند غسل احرام یا جمعه) انجام داده کفایت می کند و عملش صحیح است و الا حکم کسی را دارد که طواف خود را باطل انجام داده که در مسائل قبل گذشت.

«دائم الحدث»

مسأله ۵۳۶ - بیماری که حدث (بول، غائط، ریخ) پی در پی از او خارج می شود اگر فرصتی دارد که می تواند در آن طواف را با وضو و طهارت بدن انجام دهد باید پس از وضو و طهارت بدن طواف را در آن وقت انجام دهد و اگر چنین فرصتی ندارد تا وقتی حدث متعارف از او سر نزده یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز کافی است (1).

مسأله ۵۳۷ - کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود واجب است تا آنجا که می تواند از سرایت نجاست به بدن و لباس خود جلوگیری کند به همان کیفیت که در نماز انجام می دهد.

مسأله ۵۳۸ - اگر حدث از غیر مجرای طبیعی بطور پی در پی خارج می شود حکم

---

1 امام: اگر مشقت ندارد باید هر بار که از او حدث سر می زند تجدید وضو نماید هر چند با بردن آب همراه خود در طواف و نماز باشد، و طواف و نمازش صحیح است.

آیه الله بهجت: اگر حدث بول یا ریخ است خود طواف می کند و اگر مشقت ندارد هر بار که حدث از او سر می زند وضو را تجدید کند کافی است و اگر حدث غائط است برای طواف نایب بگیرد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر حدث بول است چنانچه می تواند باید برای هر بار که حدث سر می زند تجدید وضو کند. آیه الله گلپایگانی اضافه فرمودند: و اگر این را هم نمی تواند، وضو بگیرد و چهار شوط آن

را بجا آورد و سپس تجدید وضو نموده و بقیه طواف را بجا آورد و اگر حدث ریح یا غائط باشد برای طواف نائِب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند.

حدثی را دارد که از مجرای طبیعی بطور پی در پی خارج می شود که در دو مسأله قبل گذشت.

«طواف مستحب»

مسأله ۵۳۹ - طواف یعنی هفت شوط کامل و انجام یک یا چند شوط استحبابش ثابت نیست.

مسأله ۵۴۰ - طواف عملی است مستحب و ثواب آن برای غیرمقیم از ثواب نماز مستحبی بیشتر است و سزاوار است زائران هر چقدر می توانند طواف کنند اما تلاش کنند مزاحم افرادی که مشغول طواف واجب هستند نشوند.

مسأله ۵۴۱ - انجام طواف مستحب برای بانوان با علم به این که نگاه آنان بی اختیار به نامحرم می افتد و در فشار جمعیت قرار می گیرند اشکالی ندارد ولی بهتر است در موارد ازدحام مراعات نمایند.

مسأله ۵۴۲ - شرائطی که در طواف واجب ذکر شد به جز طهارت از حدث (1) در طواف مستحب نیز معتبر است.

مسأله ۵۴۳ - انجام طواف مستحب قبل از اعمال عمره تمتع و مفرده و پس از محرم شدن برای حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات و پیش از طواف حج یا طواف نساء اشکالی ندارد گر چه احتیاط مستحب در ترک آن است.

مسأله ۵۴۴ - هر شوط از طواف مستحب را نمی توان به نیت یک نفر انجام داد ولی انجام یک طواف به نیابت از چندین نفر اشکالی ندارد (2).

1 آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: و موالات

2 آیه الله سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد. ملحق مناسک سؤال ۱۷۸

آیه الله مکارم: و نیز می تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

«مستحبات طواف (1)»

مسأله ۵۴۵ - در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشِي بِهِ عَلَيَّ ظِلُّ الْمَاءِ كَمَا يُمَشِي بِهِ عَلَيَّ جُدَدُ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ مَنِّكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَثَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا)»

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواهد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُعَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي.»

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد و این دعا را بخواند:

«سَائِلُكَ، فَاقِرُكَ، فَاقِرٌ بِاسْمِكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْحَبَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِيقْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.»

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجْرُنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السُّعْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْأَنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

. [آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجا آورد.

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يا اللهُ يا وِليَّ العَافِيَةِ وَخَالِقَ العَافِيَةِ وَرَازِقَ العَافِيَةِ وَالمُنْعِمَ بِالعَافِيَةِ وَالمَنَّانُ بِالعَافِيَةِ وَالمُنْفِضُ بِالعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ يا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالأخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدَ وَارزُقْنَا العَافِيَةَ وَتَمَامَ العَافِيَةِ وَشَكَرَ العَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالأخِرَةِ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَقَّكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ.»

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار (1) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ البَيْتُ بَيْتُكَ وَالعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ العَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ.»

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالفَرَجُ وَالعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي»

---

1 . مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.



وَأَعْرِضْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.»

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ فَتَّعِنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي.»

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید: (1)

«أَمَانَتِي أَدِّيئُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهِدُهُ لِنَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.»

فصل پنجم: نماز طواف

سوم از واجبات عمره تمتع نماز طواف است.

مسئله ۵۴۶ - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز طواف مانند نماز صبح بخواند.

مسئله ۵۴۷ - در این نماز سوره خاصی واجب نیست گر چه مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید ( قل هو الله احد ) و در رکعت دوم سوره کافرون { قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ } بخواند.

مسئله ۵۴۸ - نماز طواف را می توان مثل نماز صبح بلند یا مثل نماز ظهر آهسته خواند.

مسئله ۵۴۹ - این نماز در احکام مانند نمازهای یومیه است بنابراین شک در رکعات، آنرا باطل می کند و گمان در رکعات، معتبر است ولی در افعال، گمان،

۱. [آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می دهد و آنچه را نمی توان انجام داد، هرگاه نیت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

حکم شک را دارد(1).

مسئله ۵۵۰ - باید پس از طواف به نماز آن مبادرت نماید به طوری که به نظر عرف بین آن دو فاصله نشود ولی فاصله انداختن به مقدار چندین دقیقه برای استراحت و یا پیدا کردن جای مناسب اشکالی ندارد و اگر به قدری فاصله انداخت که موالات عرفیه بهم بخورد معصیت کرده ولی طواف و نمازش صحیح است(2).

مسأله ۵۵۱ - انجام نماز مستحبی یا عبادت دیگر بین طواف و نماز آن تا وقتی که موالات عرفیه بهم نخورده مانعی ندارد.

مسأله ۵۵۲ - واجب است این نماز نزد مقام ابراهیم (علیه السلام) و در پشت آن خوانده شود بطوری که مقام بین او و خانه کعبه واقع شود و هر چه به مقام نزدیکتر باشد بهتر است ولی نه بطوری که با سائرین مزاحمت کند.

مسأله ۵۵۳ - در این که نماز طواف نزد مقام و پشت مقام باشد ملاک نظر عرف است یعنی باید بطوری باشد که عرفاً بگویند نماز را نزد مقام و پشت مقام خوانده است و حد مشخصی ندارد.

مسأله ۵۵۴ - اگر نتواند نماز را پشت مقام در نزد آن بخواند باید آنرا در نزدیکی مقام در طرف راست یا چپ آن بجا آورد (3) و اگر این هم ممکن نشد نماز در پشت مقام کافی است. ولی هر چه می تواند به مقام نزدیکتر بایستد. و چنانچه تا بعد از فوت موالات عرفیه عذرش باقی باشد اعاده آن نماز واجب نیست هر چند بتواند آنرا در پشت مقام و نزد آن بجا آورد.

مسأله ۵۵۵ - اگر با علم و عمد نماز طواف را ترک کرد یا آنرا باطل انجام داد و سعی و

---

1] آیه الله بهجت: در افعال نیز گمان معتبر است و حکم یقین را دارد.

2] آیه الله خوئی: طواف باطل است و باید در وقت، طواف و نماز را اعاده نماید.

3] آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: نماز باید پشت مقام باشد و اگر نتواند نزد آن بخواند در نقطه دورتری پشت مقام بجا آورد و بنا بر احتیاط هر چه می تواند به مقام نزدیکتر بایستد.

آیه الله خامنه ای: اگر نتواند پشت مقام نزد آن بخواند در هر نقطه ای که صدق کند پشت مقام است کافی است بلکه در این صورت در هر جای مسجد الحرام که باشد صحیح است.

تقصیر نمود باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر در وقت اعاده نمود حج تمتع او باطل است.

مسأله ۵۵۶ - اگر نماز طواف فراموش شود باید هر وقت که یادش آمد نماز را در مسجد الحرام به همان ترتیبی که در مسائل قبل گذشت انجام دهد (1) و اگر برگشتن به مسجد الحرام برایش مشکل باشد باید هر جا که یادش آمد بجا آورد هر چند در شهر دیگری غیر از مکه باشد و بازگشتن به حرم واجب نیست گر چه آسان باشد (2) و اگر نماز مذکور نماز طواف نساء باشد تا وقتی آنرا انجام نداده همسرش بر او حرام است.

مسأله ۵۵۷ - اگر نماز را فراموش کرد و در اثناء سعی متوجه شد باید آنرا رها کند و برگردد و نماز را انجام دهد و سپس سعی را از همانجا که رها کرده بپایان رساند (3) و اگر بعد از سعی و تقصیر متوجه شود اعاده آنها لازم نیست.

مسأله ۵۵۸ - در احکام ذکر شده جاهل به مسأله با ناسی مشترک است.

مسأله ۵۵۹ - اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد بر پسر بزرگ او واجب است که آنرا قضا کند به همان تفصیلی که در رساله عملیه در مسائل نماز قضا ذکر شده و اگر دیگری بجا آورد کافی است.

مسأله ۵۶۰ - حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز طواف باید به صورت صحیح خوانده شود و اگر مکلف نتواند بطور صحیح بخواند در صورت امکان باید آنرا یاد بگیرد.

1 آیه الله خامنه ای: این در صورتی است که از مکه دور نشده باشد والا برگشتن به مسجد الحرام لازم نیست.

2 آیه الله فاضل: اگر در منی باشد مخیر است بین خواندن نماز در منی و استنابه والا در هر جا که هست همانجا نماز بخواند گرچه جواز نائب گرفتن هم بعید نیست.

3 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی را در کمتر از نصف همه آنرا مجدداً بجا آورد.

مسأله ۵۶۱ - اگر نتواند قرائت و ذکرهای واجب نماز را یاد بگیرد هر مقدار که خود می تواند بخواند کافی است. (1)

مسأله ۵۶۲ - کسی که حمد و سوره نمازش را نمی تواند بطور صحیح تلفظ کند اگر برای عمره تمتع یا عمره مفرده و یا حج محرم شد اگر وقت دارد و می تواند با تأخیر طواف، قرائت خود را تصحیح کند و در تأخیر آن عسر و حرجی نیست، لازم است طواف را تأخیر بیاورد (2) و قرائت را تصحیح نماید ولی چنانچه زودتر طواف نماید و قبل از فوت موالات عرفیه نتواند غلطهای خود را تصحیح نماید به هر نحوی که می تواند بخواند کافی است (3) هر چند معصیت کرده است.

مسأله ۵۶۳ - نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت نماز یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسأله ۵۶۴ - اگر نماز طواف را در غیر موضعی که باید بجا آورد انجام داد مثل این که در حجر اسماعیل (علیه السلام) نماز خواند و بعد از آن متوجه شد باید نماز را اعاده نماید ولی اعاده سایر اعمال لازم نیست.

مسأله ۵۶۵ - اگر زن بعد از طواف و قبل از انجام نماز طواف حائض شد چنانچه وقت وسعت دارد صبر می کند تا پاک شود و پس از تحصیل طهارت نماز طواف و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر می کند و برای حج تمتع محرم می شود و پیش از طواف حج، نماز طواف عمره را قضا نماید.

مسأله ۵۶۶ - اگر زن نماز طواف را فراموش کرد یا به جهت جهل به مسأله یا سهواً

1 آیه الله بهجت: اگر قرائت او صحیح نیست به شخص عادلانه اقتدا کند و اگر نتواند به جماعت بخواند عمل به وظیفه نمازهای یومیه کافی است.

2 امام خمینی، آیه الله گلپایگانی: تأخیر طواف لازم نیست.

3 آیه الله بهجت: یا نماز را به جماعت بخواند.

آنرا باطل انجام داد و پس از آنکه متوجه شد حایض گردید در وسعت وقت پس از پاک شدن، نماز طواف را بجا می آورد و در ضیق وقت قبل از طواف حج نماز طواف عمره را قضا کند. و در هر دو صورت اگر بعد از انجام سعی یا تقصیر متوجه شده که نماز را ترک کرده یا باطل انجام داده اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.

مسأله ۵۶۷ - انجام نماز طواف به جماعت کافی نیست (1) ولی اگر کسی که حمد و سوره اش درست نیست بخواهد برای احتیاط نماز طوافش را به جماعت بخواند می تواند در طواف واجب به شخص عادل که نماز طواف واجبش را می خواند اقتدا کند (2) هر چند طواف امام غیر طواف مأوم باشد مثل این که در نماز طواف حج به نماز طواف نساء اقتدا کند و مانند این که کسی که نایب نیست به نایب اقتدا کند.

مسأله ۵۶۸ - کسی که نمی تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را بطور صحیح تلفظ کند جایز نیست از طرف دیگری، برای حج یا عمره نیابت کند هر چند نیابتش تبرعی باشد و اگر نایب شد احرامش باطل است (3) بلی کسی که می تواند ذکرهای واجب را تصحیح کند نیابتش جایز است (4) و اگر نایب شد باید حمد و سوره و ذکرهای واجب را تصحیح کند و عمل نیابی را صحیح انجام دهد تا از احرام خارج شود.

مسأله ۵۶۹ - اگر بعد از نماز طواف متوجه شود که حمد و سوره یا ذکر واجب را

---

1. آیه الله بهجت: کافی بلکه مستحب است.

2. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر امکان نداشت به نماز طواف واجب اقتدا کند می تواند به رجاء مطلوبیت به نماز یومیه اقتدا کند.

3. آیه الله سیستانی: احرامش صحیح است و باید حج را به نیت منوب عنه تمام کند هر چند احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست.

4. آیه الله فاضل: اگر هنگام قبول نیابت، احتمال تصحیح قرائت را می داده و امکان آن نیز وجود داشته باشد با تصحیح قرائت و انجام اعمال از احرام خارج می شود و الا اصل احرام باطل بوده است و در صورت بطلان احرام نیابی، می تواند برای خودش محرم شود.

صحیح ادا نکرده است چنانچه احتمال نمی داده است که آنچه ادا کرده غلط بوده است نمازش صحیح است (1). وگرنه باید آنرا اعاده کند.

مسأله ۵۷۰ - کسی که حمد و سوره و ذکرهای واجب را صحیح ادا نمی کند می تواند جهت انجام عمره یا حج برای خودش محرم شود هر چند حشش استحبایی باشد و بر او لازم است اگر می تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب را تصحیح و بطور صحیح ادا نماید

مسأله ۵۷۱ - اگر در حال قرائت یا اداء ذکر واجب او را حرکت دادند بطوری که استقرار از بین برود باید آن مقداری را که بدون استقرار بوده مجدداً اعاده نماید و اگر در حال تکرار نیز از استقرار خارج شد باز باید آنرا اعاده کند و اما اگر حرکت به حدی نباشد که به استقرار معتبر در نماز ضرر بزند نباید آنچه در حال حرکت گفته اعاده نماید مگر به قصد احتیاط به شرط آنکه وسوسه نباشد.

مسأله ۵۷۲ - در نماز طواف لازم نیست مرد جلوتر از زن بایستد یا بین آن دو فاصله ای باشد بلکه اگر در کنار هم نیز نماز بخوانند صحیح است. (2)

مسأله ۵۷۳ - در مواردی که مکلف می‌ترسد اگر نماز طواف شروع کند در اثناء او را حرکت دهند و نمازش را قطع کنند اگر به امید این که بتواند آنرا بطور صحیح انجام دهد شروع کند و نماز را بپایان برساند نمازش صحیح است.

۱ آیات عظام: گلپایگانی، صافی، بهجت: نماز باطل است و باید اعاده شود

آیه الله خوئی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است و الا اعاده نماید.

۲ آیه الله خویی، آیه الله خامنه ای: اگر بین آنان فاصله باشد ولو بمقدار یک وجب رعایت تقدم لازم نیست در غیر این صورت لازم است.

آیه الله فاضل: باید رعایت عدم تقدم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

#### فصل ششم: سعی بین صفا و مروه

چهارم از واجبات عمره تمتع سعی است.

مسأله ۵۷۴ - بعد از انجام نماز طواف، واجب است بین صفا و مروه که دو کوه معروفند سعی کند یعنی فاصله میان این دو کوه را بپیماید.

مسأله ۵۷۵ - سعی بین صفا و مروه باید هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط می‌گویند به این معنی که رفتن از صفا به مروه یک شوط و بازگشت از مروه به صفا شوط دیگر است.

مسأله ۵۷۶ - واجب است سعی را از صفا شروع کند و در دور هفتم به مروه ختم نماید، پس اگر از مروه شروع کند سعیش باطل است و باید آنرا اعاده کند و اگر در اثناء متوجه شد از سر بگیرد. (۱)

مسأله ۵۷۷ - همه فاصله بین دو کوه باید سعی شود یعنی از اولین جزء پائین کوه صفا تا رسیدن به اولین جزء پائین کوه مروه پیموده شود و برای احراز آن می‌توان بر قسمتی از کوه صفا و کوه مروه بالا رفت و بطور متعارف سعی نمود و باید توجه داشت که هم اکنون قسمتی از دو کوه سنگ فرش شده و بالا رفتن بر آن کافی است و لازم نیست به سنگهایی که از کوه باقی مانده برسد.

مسأله ۵۷۸ - حرکت بر قسمتی از کوه صفا و مروه در پایان شوط و آغاز شوط بعد بصورت هلالی شکل یا مستقیم چنانکه متعارف است ضرری به سعی نمی‌زند.

مسأله ۵۷۹ - رفت و برگشت بین صفا و مروه باید از راه متعارف باشد پس اگر از راه غیرمتعارف سعی کند باطل است.

مسئله ۵۸۰ - سعی بین صفا و مروه را می توان حتی در حال اختیار سواره انجام داده ولی راه رفتن افضل است.

مسئله ۵۸۱ - طهارت از حدث و خبث و ستر عورت و ختان در سعی معتبر نیست گر

۱] آیه الله مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل نماید بعید نیست کفایت کند.

چه با طهارت از حدث موافق احتیاط است.

مسئله ۵۸۲ - اگر زن حجاب واجب خود را در سعی مراعات نکند سعی او صحیح است هر چند بواسطه ترک حجاب معصیت نموده است.

مسئله ۵۸۳ - سعی را باید پس از طواف و نماز آن انجام داد و اگر سعی را قبل از آنها بجا آورد باید پس از طواف و نماز، سعی را اعاده نماید خواه مقدم نمودن آن عمدی باشد یا بجهت فراموشی یا جهل به مسئله. بلی اگر طواف عمره تمتع را فراموش کند و پس از گذشت وقت عمره تمتع متوجه شود یا طواف حج را فراموش کند و پس از ذی الحجه متوجه شود اعاده سعی لازم نیست

مسئله ۵۸۴ - نظر به این که طبقه دوم سعی بین دو کوه صفا و مروه نیست سعی در آن کفایت نمی کند(1).

مسئله ۵۸۵ - اگر برای مسعی طبقه زیرزمینی درست شود و سعی در بین ریشه دو کوه واقع شود کافی است گر چه احتیاط در سعی در طبقه همکف می باشد.

مسئله ۵۸۶ - در وقت رفتن به مروه واجب است متوجه به مروه و در بازگشت به صفا متوجه به صفا باشد پس اگر عقب عقب برود یا به پهلو حرکت کند باطل است ولی نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکالی ندارد(2).

مسئله ۵۸۷ - اگر قسمتی از سعی را عقب عقب یا به پهلو برود باید آن مقدار را تدارک نماید و نباید بدون تدارک آن قسمت به سعی خود ادامه دهد.

مسئله ۵۸۸ - در فرض مسئله قبل اگر به جهت عدم توجه به مسئله بدون تدارک آن قسمت به سعی ادامه داد و سپس متوجه شد برگردد و از همان جا که سعیش اشکال پیدا کرده سعی را تمام کند مگر این که در شوط اول بوده و موالات فوت شده که در این

۱] آیه الله بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به این که از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه می شود کفایت می کند. - مناسک م ۳۴۱ ایشان -

۲] آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که سینه و شانه ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن به صفا رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد.

صورت سعی را از سر بگیرد.

مسئله ۵۸۹ - نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه یا بین آنها برای استراحت و رفع خستگی جایز است هر چند عذر خاصی نداشته باشد، ولی اگر در بین شوط اول است بنا بر احتیاط نباید بقدری فاصله شود که موالات عرفیه بهم بخورد.

مسئله ۵۹۰ - تأخیر سعی از طواف و نماز آن تا شب جایز است هر چند عذری نداشته باشد ولی نمی تواند آنرا بدون عذری مانند بیماری تا روز بعد تأخیر اندازد و اگر به روز یا روزهای بعد تأخیر انداخت معصیت کرده (۱) ولی طواف و نمازش صحیح است.

مسئله ۵۹۱ - کسی که می خواهد در شب طواف و نماز آن را انجام دهد اگر بداند که برای انجام سعی پیش از اذان صبح وقت ندارد می تواند طواف و نماز را انجام دهد و پس از اذان و در روز سعی نماید و اما اگر قبل از اذان صبح وقت برای انجام سعی داشته باشد نباید سعی را تأخیر بیندازد.

مسئله ۵۹۲ - سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای خداوند متعال بجا آورد (۲).

مسئله ۵۹۳ - سعی مانند طواف رکن است و حکم ترک عمدی و سهوی آن همان است که در طواف گذشت.

مسئله ۵۹۴ - اگر عمداً بیش از هفت مرتبه سعی نماید سعی او باطل است به تفصیلی که در طواف گذشت.

مسئله ۵۹۵ - اگر سهواً بیش از هفت دور سعی نماید سعیش صحیح است خواه مقدار زیاده یک شوط باشد یا کمتر یا بیشتر، و بهتر است زائد را رها کند گر چه بعید نیست بتواند آنرا به هفت مرتبه برساند (۳).

---

۱. آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: تأخیر انداختن به روز یا روزهای بعد تکلیفاً جایز است ولی باید طواف و نماز را اعاده کند.

۲. آیه الله سیستانی: باید برای تنزل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام شود.

۳. آیات عظام: خوئی، سیستانی، بهجت: اگر یک شوط یا بیشتر انجام داده مستحب است آن را به هفت مرتبه برساند.

«کم کردن سعی»

مسئله ۵۹۶ - اگر سعی را سهواً ناقص انجام دهد سپس چنانچه یک شوط یا بیشتر آورده و بقیه را ترک کرده باید باقیمانده را هر وقت یادش آمد هر چند بعد از فراغت از اعمال حج تدارک نماید و همینطور اگر کمتر از یک شوط انجام دهد و قبل از فوت موالات متوجه شود بقیه سعی را انجام دهد کافی است و اما اگر بعد از فوت موالات متوجه شد احتیاط آن است که سعی را از سر بگیرد و در موارد مذکور اگر به وطن خود مراجعت کرده چنانچه مشقت ندارد باید برگردد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نائب بگیرد که سعیش را تکمیل کند و اگر کمتر از یک شوط آورده یک سعی کامل برایش بجا آورد.

«شک در سعی»

مسأله ۵۹۷ - اگر پس از تقصیر شک کند که سعی را انجام داده یا نه، بنا می‌گذارد که سعی کرده و همینطور اگر در روز بعد از انجام طواف و نماز شک کند که سعی کرده (1) یا نه؟ و اما اگر قبل از این وقت و پیش از تقصیر چنین شکی نماید باید سعی را انجام دهد.

مسأله ۵۹۸ - اگر در حال سعی در عدد شوط‌های آن شک کند و به امید این که شک او مبدل به یقین شود به سعی خود ادامه دهد و سپس یقین کند که هفت مرتبه سعی نموده سعیش صحیح است.

مسأله ۵۹۹ - اگر پس از پایان سعی یا شوطی از آن، شک کند که آنرا درست انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است و همینطور اگر در اثنای یک شوط شک کند که قسمت قبلی را درست انجام داده یا نه؟ به شک خود اعتنا نمی‌کند

---

. [آیه الله فاضل: چنانچه شک دارد که با عذر تأخیر انداخته یا نه باید سعی را انجام دهد.]

مسأله ۶۰۰ - اگر در مروه شک کند هفت شوط آورده یا بیشتر به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است هر چند شک او قبل از تقصیر باشد و اما اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این شوط هفتم است یا نهم سعی باطل است و باید از سر بگیرد.

مسأله ۶۰۱ - اگر پس از تقصیر شک کند که هفت شوط از سعی را آورده یا کمتر به شک خود اعتنا نکند و سعی او صحیح است و اما اگر پیش از آن چنین شکی نماید سعیش باطل است خواه پس از فراغت از سعی و انصراف از آن باشد (1) یا قبل از آن و همینطور است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد مثل ۱ و ۳ و ۲ و ۴.

#### احکام سعی

مسأله ۶۰۲ - اگر به تصور این که مجموع رفت و برگشت یک شوط است ۱۴ مرتبه بین صفا و مروه سعی نمود سعی او صحیح است و اگر در اثناء متوجه شد چنانچه قبل از انجام هفت شوط باشد آنرا تا هفت شوط کامل نماید و اگر بیشتر از ۷ شوط انجام داده است و سپس متوجه شده حکم زیاده سهویه را دارد که گذشت و در هر صورت سعیش صحیح است.

مسأله ۶۰۳ - با تمام نمودن سعی محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود.

مسأله ۶۰۴ - کسی که در عمره تمتع قبل از تمام شدن سعی به تصور این که هفت شوط آن تمام شده و از احرام خارج شده جماع کرد باید علاوه بر تکمیل سعی یک گاو (2) برای کفاره ذبح کند بلکه اگر برای تقصیر ناخن گرفته باید کفاره مذبور را بدهد هر چند

---

. [آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: در این صورت به شک خود اعتنا نکند]

امام خمینی، آیه الله فاضل: در این صورت احتیاط آن است که آنچه را احتمال می‌دهد نیاورده انجام دهد و سعی او صحیح است بلکه در فرضی که احتمال می‌دهد که برای حاجتی عمداً سعی را ناقص گذاشته و موجب اتمام بعید نیست.



2. آية الله بهجت: كفاره آن كفاره جماع است.

جماع نکرده باشد (1) و اما در غير عمره تمتع كفاره واجب نيست و همينطور (2) در عمره تمتع اگر موي خود را چيده و جماع ننموده است.

مسأله ۶۰۵ - هر گاه در اثناء سعي متوجه شود که طوافش بيش از هفت شوط بوده مي تواند اين گونه احتياط کند که سعي را تمام نمايد (3) و بعد از فوت موالات بين شوط زائد طواف و مقدار باقي مانده آن تا ۱۴ شوط، طواف و نماز و سعي را اعاده نمايد و بعد تقصير کند.

مسأله ۶۰۶ - اگر در اثناء سعي براي نوشيدن آب از مسير خود منحرف شد بايد سعي را از همان نقطه که قطع کرده يا محاذي آن ادامه دهد ولي اگر بدون قطع سعي و با نيت آن به طرف محل آب خوردن برود پس از نوشيدن آب سعي را ادامه دهد مانعي ندارد.

مسأله ۶۰۷ - با توجه به اين که محل سعي مسجد نيست زنان حايضي که مجبورند براي طواف نائيب بگيرند سعي را بايد خودشان پس از اين که نائيب طواف و نماز را بجا آورد انجام دهند.

مسأله ۶۰۸ - در زمان حاضر که مسير رفت و برگشت و محل ويژه حرکت چرخها از هم تفکيک شده اگر سعي را در محل عبور چرخها، بر خلاف جهت سائر سعي کنندگان سعي نمايد اشکال ندارد ولي نبايد مزاحم ديگران شود.

مسأله ۶۰۹ - زيادي در سعي از روي جهل سعي را باطل نمي کند و حکم زيادي سهوي را دارد.

مسأله ۶۱۰ - اگر کسي در حال سعي بعد از گذشتن از مکان هروله به گمان اين که

---

1. امام خميني: اگر جماع نکرده كفاره ندارد.

2. آية الله خوي: در عمره تمتع اگر به غيرناخن هم تقصير نمود كفاره مذبور را بايد بدهد.

3. آية الله سيستاني: احتياط آن است که برگردد به مسجد الحرام و شوط اضافي را تا يك طواف كامل به قصد قربت مطلقه تکميل نمايد و براي آن نماز طواف بخواند، سپس سعيش را تمام کند و احتياط مستحب اين است که آنرا اعاده نمايد.

آية الله فاضل: احتياطاً سعي را رها کند تا موالات عرفيه از بين برود پس از آن همه را اعاده کند.

هروله لازم بوده برگردد و مقداري را که به صورت عادي سير کرده با هروله تکرار کند سعي او صحيح است.

مسأله ۶۱۱ - اگر در حال سعي به جهت کنترل همراهان و مانند آن چند قدمي به عقب برگردد و بدون توجه آن مقدار را مجدداً سعي نمايد سعي صحيح است.

مسأله ۶۱۲ - شخصي که نمي تواند بدون استفاده از صندلي چرخدار سعي کند اگر امکان تهيه آنرا دارد هر چند با فروش بعضي از اجناسي که براي سوغاتي تهيه کرده و در اين کار حرج و مشقتي نيست بايد آنرا تهيه کند و خود سعي نمايد و نائيب گرفتن جائز نيست.

مسأله ۶۱۳ - اگر کسی سعی خود را رها کرده و از ابتدا یک سعی کامل انجام داده سعی او صحیح است.

مسأله ۶۱۴ - اگر پس از سعی متوجه شود که طواف را باطل انجام داده باید پس از انجام طواف و نماز آن سعی را اعاده نماید و اگر در اثناء سعی متوجه شد آنرا رها کند و پس از طواف و نماز آن سعی را اعاده نماید.

مسأله ۶۱۵ - افرادی که بر روی چرخ و امثال آن سعی می نمایند باید در حال سعی بیدار باشند.

فصل هفتم: تقصیر

پنجم از واجبات عمره تمتع تقصیر است:

مسأله ۶۱۶ - بعد از انجام سعی واجب است تقصیر کند یعنی قدری از ناخن یا موی سر یا شارب و یا ریش خود را بچیند و تراشیدن سر کافی نیست بلکه حرام است و همینطور است کوتاه کردن موی زیر بغل و مانند آن.

مسأله ۶۱۷ - در تقصیر کردن موی کافی نیست بلکه باید آنرا کوتاه کند و با هر وسیله ای که باشد صحیح است.

مسأله ۶۱۸ - تقصیر از عبادات است و باید آنرا با نیت خالص برای خداوند انجام

بدهد و اگر در آن ریا کند تقصیرش باطل و کار حرامی انجام داده است.

مسأله ۶۱۹ - اگر تقصیر را عمداً ترک کند و برای حج محرم شود عمره او باطل می شود و حج او به افراد مبدل می گردد و چنانچه بر او واجب بوده باید پس از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد و بنابر احتیاط واجب (۱) حج را در سال بعد اعاده کند و در این حکم فرقی نیست که عالم به مسأله باشد یا جاهل.

مسأله ۶۲۰ - اگر عمداً تقصیر خود را باطل انجام داده مثل این که بجای کوتاه کردن موی، آنرا بکند حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۶۲۱ - اگر تقصیر را فراموش نمود و برای حج احرام بست عمره اش صحیح است و مستحب است یک گوسفند فدیة بدهد بلکه مطابق احتیاط است.

مسأله ۶۲۲ - پس از تقصیر همه محرمات احرام حتی نزدیکی با همسر حلال می گردد بلی سر تراشیدن جایز نیست (۲)

مسأله ۶۲۳ - کسی که تقصیر را سهواً یا از روی جهل به مسأله باطل انجام داده و محرمات احرام غیر از صید را مرتکب شده کفاره ندارد.

مسأله ۶۲۴ - اگر بعد از تقصیر شک کند که تقصیرش صحیح است یا نه. چنانچه به مسأله آگاه بوده و احتمال می دهد در حین انجام تقصیر التفات داشته به شک خود اعتنا نکند (۳).

مسأله ۶۲۵ - کسی که تقصیر عمره مفرده را انجام نداده یا تقصیرش باطل بوده است و برای عمره تمتع یا عمره مفرده دیگری محرم شده احرامش باطل است و باید با تقصیر از احرام عمره مفرده خارج شود و در این حکم فرقی نیست که ترک تقصیر یا باطل انجام دادن آن عمدی باشد یا سهوی.

مسأله ۶۲۶ - تقصیر عمره مفرده یا تمتع را لازم نیست بلافاصله پس از سعی انجام

---

1 آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

2 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: تراشیدن سر نیز جایز است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: اگر عمره تمتع را در ماه شوال انجام داده تراشیدن سر تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است.

3 آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: در هر صورت به شک خود اعتنا نکند.

دهد بلکه در وسعت وقت می تواند آنرا با تأخیر و در هر جایی که خواست انجام دهد بنابراین کسی که تقصیر عمره مفرده را فراموش کرده و در وطن یادش آمد در همانجا تقصیر کند ولی برای طواف نساء (1) اگر نمی تواند برگردد یا مشقت دارد نائب بگیرد.

مسئله ۶۲۷ - لازم نیست تقصیر را بدست خود انجام دهد بلکه می تواند توسط دیگری تقصیر کند و لازم نیست دیگری شیعه باشد.

مسئله ۶۲۸ - کسی که هنوز از احرام خارج نشده می تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد ولی چیدن موی او جایز نیست و از تقصیر کفایت نمی کند (2).

مسئله ۶۲۹ - کسی که از روی فراموشی یا ندانستن مسئله بعد از طواف و نماز آن تقصیر کرد چیزی بر او نیست ولی باید بعد از سعی تقصیر را اعاده نماید تا از احرام خارج گردد.

مسئله ۶۳۰ - اگر سعی را ترک کند یا آنرا ناقص انجام دهد یا سعیش باطل باشد و با این حال تقصیر نماید باید پس از انجام سعی یا تدارک آن تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند و حکم کفار ه تقصیری که انجام داده قبلا گذشت و در مسئله فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست (3).

مسئله ۶۳۱ - اگر پس از تقصیر بفهمد طواف یا بعضی از دورهای آنرا باطل انجام داده باید پس از انجام طواف و نماز و سعی تقصیر را نیز اعاده کند (4).

---

1 آیه الله بهجت: اگر طواف نساء را قبل از تقصیر بجهت ضرورت یا نسیان یا جهل مقدم داشته مجزی است.

2 امام خمینی، آیه الله بهجت: کفایت می کند.

3 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: اگر این کار بجهت جهل یا فراموشی بوده تقصیرش صحیح است و از احرام خارج شده.

4 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده تقصیرش صحیح است و فقط باید طواف و نماز را تدارک کند.

آیه الله فاضل: اگر بطلان طواف در اثر فراموشی بعضی از شروط یا بجهت جهل به برخی از شرائط و خصوصیات باشد تقصیرش صحیح و از احرام خارج شده است و فقط باید طواف و نماز را تدارک کند.

### احکام خاص بین عمره تمتع و حج

در بین عمره تمتع و حج آن باید از کارهایی اجتناب شود که عبارتند از:

1- انجام عمره مفرده

2- خروج از مکه

3- تراشیدن سر، و تفصیل آنها در مسائل آتی بیان خواهد شد.

مسأله ۶۳۲ - انجام عمره مفرده بعد از عمره تمتع و قبل از حج جایز نیست و صحیح نیز نمی باشد ولی اگر انجام داد عمره تمتع و حج آن باطل نمی شود (1).

مسأله ۶۳۳ - کسی که عمره تمتع بجا آورده اگر مطمئن است که با خارج شدن از مکه حج از او فوت نمی شود و می تواند به موقع برگردد و برای حج محرم شود جایز است بدون احرام از مکه خارج شود (2) و در غیر این صورت جایز نیست خارج شود مگر برای

۱. آیه الله تبریزی: عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع مشروع نیست مگر این که از حرم خارج شود و در ماه دیگر غیر از ماهی که محرم برای عمره تمتع شده با احرام عمره مفرده داخل مکه شود که در این صورت عمره مفرده او صحیح است و عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می شود.

آیه الله سیستانی: اگر در بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده بجا آورد، ظاهر این است که موجب بطلان عمره تمتع خواهد شد و لازم است که آن را اعاده نماید. ولی اگر تا روز هشتم ذی الحجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره مفرده اش تمتع به حساب می آید و می تواند برای حج محرم شود.

آیه الله فاضل: این در صورتی است که عمره مفرده را در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده بجا آورده شود اما اگر در ماه دیگر انجام داده، عمره تمتع او باطل شده و اگر تا هشتم ذی الحجه در مکه بماند این عمره مفرده، عمره تمتع محسوب می شود و حج تمتع او با همین عمره صحیح خواهد بود.

۲. آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: خروج جایز نیست مگر آنکه برای حاجتی باشد و بیم آن نرود که اعمال حجش فوت گردد که در این صورت واجب است برای حج خود از مکه احرام حج را بسته و برای کاری که دارد از مکه بیرون رود.

ضرورت یا حاجتی که در این فرض باید برای حج تمتع محرم شود و سپس خارج شود. از آنچه ذکر شد وظیفه خدمه کاروانها و کارگزاران حج که عمره تمتع انجام داده اند و می خواهند برای انجام وظائف به منی و عرفات و امثال آن بروند روشن شد.

مسأله ۶۳۴ - رفتن به محله های جدید مکه بلکه اطراف و توابع آن مانند غار ثور پس از انجام عمره تمتع اشکالی ندارد.

مسأله ۶۳۵ - کسی که پس از عمره تمتع بدون این که برای حج محرم شود از مکه خارج شود چنانچه در همان ماهی که در آن برای عمره تمتع محرم شده (۱) بازگردد می تواند (۲) بدون احرام به مکه مراجعت نماید خواه پس از خروج از مکه از میقات عبور کرده باشد یا نه و همینطور است اگر در ماه بعد بازگردد و از میقات عبور نکرده (۳) و اما اگر در ماه بعد بازگردد و پس از خروج از مکه از میقات عبور کرده باید مجدداً از میقات برای عمره تمتع محرم شود.

مسأله ۶۳۶ - تراشیدن سر بعد از تقصیر عمره تمتع جایز نیست (۴) ولی ماشین کردن آن مانعی ندارد و اگر سر را بترشد کفاره ندارد.

مسأله ۶۳۷ - تراشیدن صورت پس از تقصیر عمره تمتع مانند تراشیدن آن در اوقات دیگر است و حکم خاصی ندارد.

«تبدل حج تمتع به افراد»

مسأله ۶۳۸ - شخصی که برای عمره تمتع محرم شده اگر بواسطه عذری، زمانی وارد مکه شد که می داند یا ترس دارد که اگر بخواهد عمره تمتع بجا آورد وقت و قوف به

1 آیه الله خوئی: ماهی که در آن عمره را انجام داده.

2 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: باید بدون احرام به مکه مراجعت نماید.

3 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: در این فرض باید برای عمره تمتع محرم شود مانند فرض بعد.

4 نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، فاضل: در مسأله ۶۲۲ گذشت.

عرفات می گذرد باید به حج افراد عدول کند و چنانچه حج واجب را انجام می دهد پس از آن باید عمره مفرده بجا آورد و حج او صحیح و از حجة الاسلام کفایت می کند و اگر حج او مستحبی است انجام عمره مفرده لازم نیست.

مسأله ۶۳۹ - اگر زنی محرم به احرام عمره تمتع شود ولی به واسطه حیض یا نفاس نتواند طواف بجا آورد و اگر بخواهد بماند تا پاک شود ترس آن را دارد که وقت و قوف به عرفات بگذرد باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد عمل نماید (۱).

مسأله ۶۴۰ - اگر زن در میقات می داند یا احتمال می دهد که بواسطه حیض یا نفاس متمکن از عمره تمتع در وقت خود نیست می تواند به قصد ما فی الذمه محرم شود ( قصد کند محرم می شوم به احرامی که بر من واجب است ) خواه تمتع باشد یا حج افراد پس چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شود عمره تمتع بجا آورد و اگر پاک نشد حج افراد بجا آورده و پس از آن باید عمره مفرده انجام دهد و حج او صحیح است و از حجة الاسلام کفایت می کند و اگر حج او استحبابی است انجام عمره مفرده لازم نیست.

مسأله ۶۴۱ - اگر زن بداند بواسطه حیض یا نفاس متمکن از عمره تمتع در وقت خود نیست و با این حال برای عمره تمتع محرم شد چنانچه قصدش انجام وظیفه فعلیه بوده و خیال می کرده که وظیفه اش عمره تمتع است احرامش صحیح است و باید حج افراد انجام دهد (۲).

مسأله ۶۴۲ - اگر زن قبل از طواف خون دید و چون خیال می کرد حیض است و وقت برای انجام عمره تمتع ندارد عدول به حج افراد کرد و بعد در عرفات فهمید حیض نبوده

1 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر بعد از احرام حیض شود مخیر است بین عمل به دستور مسأله قبل و بین این که سعی و تقصیر را انجام داده و پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

2 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر بعد از احرام حیض شود مخیر است بین این که عدول کند به حج افراد و بعد از حج اگر حجش واجب است عمره مفرده بجا آورد و بین این که سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

151

اگر وقت برای عمره تمتع باقی نمانده (1) و تأخیرش عمدی نبوده حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب است یک عمره مفرده نیز انجام دهد (2).

مسأله ۶۴۳ - کسی که وظیفه اش حج تمتع است چنانچه در وقت احرام بدانند برای انجام عمره تمتع وقت ندارد می تواند برای حج افراد محرم شود و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و حج او صحیح است (3)

مسأله ۶۴۴ - کسی که بواسطه عذری بدون احرام وارد مکه شده و وقت برای عمره تمتع ندارد حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۶۴۵ - محرمی که حائض بوده اگر بعد از گذشتن ایام عادتش پاک شود و پس از غسل اعمال عمره تمتع را انجام دهد و احرام حج بسته به عرفات و مشعر برود و آنجا قبل از گذشتن ده روز از اول حیضش لک ببیند پس اگر بدانند حیض است و تمکن از تدارک عمره تمتع ندارد باید عدول به افراد نماید ولی اگر نداند که آیا ادامه دارد تا بعد از ده روز تا این مازاد بر عادتش استحاضه باشد یا قطع می شود تا حیض باشد باید (4) احتیاط

1 آیة الله خوئی، آیة الله تبریزی: اگر وقت نداشته باشد به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرده اعمالش را تمام می کند و چنانچه استطاعتش باقی بود یا بعد از آن مستطیع شد باید در سالهای آینده حج بجا آورد.

2 آیة الله سیستانی: اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شرعی نبوده، حج و احرام او باطل است و باید اعاده نماید.

3 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، فاضل: وظیفه اش مبدل به افراد نمی شود و اگر حج تمتع بر او مستقر شده یا استطاعتش باقی باشد باید در سال بعد حج تمتع انجام دهد بلی جایز است فعلاً برای عمره مفرده یا حج استحبابی محرم شود.

4 آیة الله تبریزی، آیة الله خوئی: چنانچه آن لک به وصف حیض نباشد زن مذکور مستحاضه است.

آیة الله مکارم: چنانچه کاملاً پاک شده باشد، عمره او صحیح است و دیدن لک بعد از آن ضرری به آن نمی زند، زیرا طهر متخلل بنابر اقوی حکم حیض را ندارد، بنابراین منظور از ده روز، مجموع دو خون است نه با ضمیمه کردن طهر واقع در میان دو خون و اگر دیدن لک نشانه ادامه مستمر خون باشد به دستور متن عمل کند.

کند پس اعمال بعدی را به قصد ما فی الذمه و بدون تعیین تمتع یا افراد انجام دهد و احتیاطاً در منی قربانی نموده و بعد از اعمال حج یک عمره مفرده انجام دهد و چنانچه قصد تمتع نماید و بعد از انجام بعض اعمال کشف خلاف شده اکتفا به این حج نکند مگر این که قصد انجام وظیفه فعلی داشته کافی است، بلی پس از گذشت ده روز از اول حیض وظیفه اش روشن می شود که اگر از ده روز تجاوز نکرد و خون قطع شد حج بدل به افراد شده والا استحاضه بوده و حج تمتع او صحیح است.

مسأله ۶۴۶ - کسی که عمداً عمره تمتع خود را باطل کند مثل این که احرام را تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد حج او باطل است و از موارد عدول (۱) به افراد نیست. البته می تواند برای عمره مفرده یا حج افراد استحبایی احرام ببندد.

مسأله ۶۴۷ - کسی که حج تمتع او مبدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده انجام دهد اگر به هر دلیل عمره را تأخیر انداخت و در وقت دیگر انجام داد صحیح و مجزی است حتی اگر عمره را در سال بعد و بعد از حج و عمره دیگر انجام دهد به صحت حج و عمره ضرر نمی زند.

تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع

مسأله ۶۴۸ - کسی که عمره مفرده را در ماه های حج بجاء آورده و اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی مانده (۲) می تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج بجاء آورد و

۱ آیه الله بهجت: این شخص گرچه بواسطه ابطال عمره معصیت نموده است ولی باید به حج افراد عدول کند و سپس عمره مفرده انجام دهد و احتیاطاً در سال بعد حج تمتع بجا آورد.

آیه الله گلپایگانی: حج او مبدل به افراد می شود و در سال بعد هم باید حج را قضا کند.

۲ آیه الله سیستانی: اگر تا روز هشتم ذی الحجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره اش تمتع محسوب می شود.

آیه الله تبریزی: کسی که از یکی از مواقیت معروفه (نه مسجد تنعیم) محرم به عمره مفرده شده و اعمال آن را بجاء آورد هر چند از اول قصد تبدیل داشته باشد تبدیل به عمره تمتع می شود.

در این حکم فرقی بین واجب و مستحب نیست (۱).

مسأله ۶۴۹ - کسی که قصد بیرون رفتن از مکه را داشت به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده محرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را بجاء آورد بعداً از خروج از مکه منصرف شد حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۶۵۰ - کسی که در غیر ماه های حج عمره مفرده انجام داده نمی تواند برای حج تمتع به عمره انجام شده اکتفا نماید و باید عمره تمتع بجاء آورد.

مسأله ۶۵۱ - در موارد مذکور در دو مسأله قبل اگر بخواهد عمره تمتع انجام دهد باید به یکی از مواقیب پنج گانه برود و نمی تواند از ادنی الحل مانند تنعیم محرم شود.

مسأله ۶۵۲ - اگر قبل از خارج شدن از احرام عمره مفرده به تقصیر، برای عمره تمتع محرم شود احرامش صحیح نیست و همچنان در احرام عمره مفرده باقی می ماند و باید اعمال آن را تمام کند و برای احرام عمره تمتع مجدداً به میقات برود مگر این که عمره مفرده اش در ماه های حج همان سالی که می خواهد حج به جا آورد واقع شده باشد و اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی بماند که می تواند آن را عمره تمتع خویش قرار دهد (2). و اگر اعمال عمره مفرده را انجام داده و فقط طواف نساء را ترک کرده احرام او برای عمره تمتع صحیح است و باید پس از انجام عمره تمتع یا قبل از آن طواف نساء عمره مفرده را انجام دهد.

---

1] آیه الله مکارم: این حکم در مورد حج مستحبی است (آیه الله صافی و آیه الله گلپایگانی اضافه فرمودند: و عمره مفرده ای که انجام داده بر او واجب نبوده)

2] آیه الله سیستانی: اگر تا روز هشتم ذی الحجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره اش تمتع محسوب می شود.

آیه الله مکارم: این حکم در مورد حج مستحبی است. آیه الله صافی و آیه الله گلپایگانی اضافه فرمودند: و عمره مفرده ای که انجام داده بر او واجب نبوده.

عدول از عمره تمتع به عمره مفرده

مسأله ۶۵۳ - کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره مفرده کند و به همان احرامی که بسته عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

مسأله ۶۵۴ - کسی که حج افراد بر او واجب و متعین بوده و به همین نیت در یکی از مواقیب محرم شده نمی تواند عدول به حج تمتع یا مفرده بنماید.

«پایان وقت عمره تمتع»

مسأله ۶۵۵ - وقت عمره تمتع که در مسائل گذشته به آن اشاره شد تا وقتی باقی است (1) که با انجام دادن عمره تمتع خوف نرسیدن (2) به وقوف اختیاری عرفه (که از ظهر روز نهم ذی الحجه است تا غروب آن) نداشته باشد.

---

1] آیه الله سیستانی: که بتواند قبل از زوال روز عرفه اعمال عمره را تمام کند.



بخش دوم

اعمال حج تمتع

فصل اول: احرام حج:

اول از واجبات حج احرام بستن است.

مسئله ۶۵۶ - واجب است پس از اتمام عمره تمتع برای حج تمتع احرام ببندد.

مسئله ۶۵۷ - کیفیت احرام حج بستن برای حج تمتع و گفتن لبیک و واجبات احرام همانگونه است که در احرام عمره تمتع گذشت با این تفاوت که در احرام حج قصد می کند احرام حج تمتع را،

مسئله ۶۵۸ - تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام نیز حرام است و آنچه از محرمات که کفاره داشت به همان ترتیب ذکر شده کفاره دارد.

مسئله ۶۵۹ - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسئله برای حج محرم نشد و پس از خروج از مکه یادش آمد یا مسئله را یاد گرفت سه صورت دارد:

1- قبل از وقوف به عرفات یادش بیاید یا مسئله را یاد بگیرد که در این صورت باید برگردد و در مکه محرم شود مگر آنکه بواسطه تنگی وقت یا عذر دیگر امکان بازگشت نداشته باشد که باید در همانجا محرم شود.

2- بعد از وقوف به عرفات یا در اثناء اعمال قبل از حلق یا تقصیر یادش آمد یا

مسئله را یاد گرفت که در این صورت (1) باید فوراً در همانجا محرم شود

3- بعد از حلق یا تقصیر یادش آمد یا مسأله را یاد گرفت که در این صورت عملش صحیح است و لازم نیست تلبیه بگوید.

#### «زمان احرام»

مسأله ۶۶۰ - جایز است احرام حج تمتع را تا وقتیکه بتواند بعد از آن وقوف اختیاری عرفات را درک کند تأخیر اندازد و تأخیر بیش از این مقدار جایز نیست (2) و مستحب است روز هشتم ذی حجه که به آن یوم ترویبه گفته می شود محرم شود بلکه موافق احتیاط است.

مسأله ۶۶۱ - کسی که می خواهد پس از عمره تمتع برای حاجتی از مکه خارج شود و مطمئن نیست (3) که بتواند برای احرام حج به مکه بازگردد باید قبل از خروج برای حج تمتع محرم شود و بر همان احرام اعمال حج را انجام دهد هر چند خروج او قبل از یوم الترویبه باشد.

#### «مکان احرام حج»

مسأله ۶۶۲ - محل احرام حج تمتع شهر مکه است و در تمام مناطق شهر می توان محرم شد مگر این که خارج حرم باشد مثل تنعیم و افضل آن است که در مسجد الحرام

1. آیه الله مکارم: در عرفات یا مشعر یا منی قبل از رمی جمرات و ذبح، ولی اگر بعد از آن متوجه شود وقت احرام گذشته و حجتش صحیح است.

2. آیه الله سیستانی: برای کسی که می تواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند.

3. آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: در فرض اطمینان به این که می تواند برگردد و برای حج محرم شود هم باید با احرام حج خارج شود.

نزد مقام ابراهیم) علیه السلام (یا در حجر اسماعیل) علیه السلام (محرم شود.

مسأله ۶۶۳ - احرام در مناطق جدید الاحداث مکه که در محدوده حرم است اگر عرفاً جزء شهر مکه است جایز می باشد هر چند به توسط رشته کوهها و مانند آن از سایر قسمتهای شهر جدا باشد ولی در جایی که مشکوک است که جزء مکه است یا نه نمی توان محرم شد.

مسأله ۶۶۴ - اگر ترک کند احرام را از روی علم و عمد تا وقت وقوف اختیاری عرفات حجتش باطل است و اگر بمقدار رکن ترک کند حجتش صحیح است اگر چه گناه کرده است.

مسأله ۶۶۵ - اشخاص معذوری که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم می دارند باید این اعمال را بعد از محرم شدن برای حج انجام دهند و اگر قبل از احرام انجام

دهند کفایت نمی کند و باید بعد از احرام حج، قبل یا بعد از وقوفین آن اعمال را اعاده نمایند.

مسأله ۶۶۶ - کسی که عمره تمتع انجام داده نباید برای حج افراد محرم شود و چنانچه در احرام حج قصد حج افراد نمود پس اگر از مکه خارج شده و در میقات محرم به احرام حج افراد شده بعید نیست (1) صحت حج او، ولی تمتع واقع نمی شود ولی اگر در مکه احرام بسته حج او صحیح نیست مگر این که از باب اشتباه در تطبیق بوده باشد که حج او صحیح است و تمتع واقع می شود.

مسأله ۶۶۷ - کسی که نمی دانسته باید برای احرام حج افراد به یکی از مواقیع معروفه برود و در حرم محرم شده چنانچه ممکن نیست به میقات برود و در آنجا محرم شود و به وقوف برسد در همان محلی که هست محرم شود (2) و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست تدارک کند و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه شده حج او صحیح است.

---

1 آیه الله سیستانی: عدول جایز نیست ولی اگر از باب اشتباه در تطبیق باشد اشکال ندارد.

2 آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: و اگر می تواند به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.

«مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات(1)»

مسأله ۶۶۸ - اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از این که شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منی شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي آتَىكَ أَرْضِي وَأَتَىكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي.»

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«لِحَمْدِ اللَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ.»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أُنِّيَايَكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ.»

و مستحب است (2) شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت (3) آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از

1 آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجا آورد.

2 آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در حال حاضر ممکن نیست یا مشکل است، بنابراین نباید اصراری بر آن داشته باشد و در دسر برای خود و دیگران ایجاد کند، هرگاه نیتش انجام آن باشد خداوند به فضل خود به او ثواب می دهد.

3 آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی: بلکه احوط.

وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح (1) مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»

فصل دوم: وقوف به عرفات

دوم از واجبات حج وقوف به عرفات است.

مسأله ۶۶۹ - پس از احرام بستن برای حج تمتع واجب است وقوف در سرزمین عرفات که محلی است معروف با حدود شناخته شده و این وقوف، چون سایر عبادات باید با قصد قربت و نیت خالص آورده شود.

مسأله ۶۷۰ - مقصود از وقوف، بودن در آن مکان است به هر حالی که باشد خواه در حال حرکت باشد یا ساکن، سواره باشد یا پیاده، یا نشسته یا خوابیده.

مسأله ۶۷۱ - اگر در تمام وقت بیهوش یا خواب باشد (2) وقوف او باطل است ولی اگر بعد از داخل شدن وقت در وقوف نیت کند و سپس بخواهد یا بیهوش شود اشکال ندارد.

1. آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلکه خلاف احتیاط است مگر از جهت ضرورتی مثل بیمار و یا خائف از ازدحام. (مناسک فارسی، مسأله ۱۴۵).

2. آیه الله تبریزی: اگر قبل از خواب قصد و قوف کرده ولو در هنگام و قوف خواب باشد مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: هرگاه قبلاً به عرفات آمده و نیت کرده باشد صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اگر پیش از وقت در عرفات باشد و قصد و قوف کند و به همین قصد بخوابد و اتفاقاً در تمام وقت بیدار نشود و قوف او بعید نیست.

مشخص شده اگر موجب اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است (1).

مسأله ۶۷۳ - جبل الرحمة جزء موقف عرفات است ولی و قوف بر آن کراهت دارد (2) اما در غیر حال و قوف کراهت ندارد.

«وقوف اختیاری عرفه»

مسأله ۶۷۴ - در حال اختیار باید از ظهر روز عرفه تا غروب شرعی (3) که وقت نماز مغرب است در عرفات و قوف نماید و از ظهر شرعی تأخیر نیندازد بلی تأخیر به مقدار خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم و مقدمات آن (4) مانعی ندارد.

مسأله ۶۷۵ - توقف در تمام مدت مذکور در مسأله قبل گر چه واجب است ولیکن تمام آن رکن نیست که با ترک آن حج باطل شود بلکه آنچه رکن است مسمای و قوف است بنابراین اگر مقدار کمی هم در عرفات بماند که عرفاً گفته شود قدری در عرفات بوده هر چند یک یا دو دقیقه باشد و سپس خارج شود یا مثلاً دقائقی پیش از غروب به عرفات بیاید و قوف کند حج او صحیح است هر چند این کار با علم و عمد انجام شود.

مسأله ۶۷۶ - اگر با علم و عمد (5) و قوف رکنی را ترک کند یعنی از ظهر تا غروب هیچ

1. آیه الله سیستانی: اگر این حدود دست به دست از قدیم اخذ شده باشد معتبر است مادام که اطمینان در خطای آن پیدا نشود (ملحق مناسم م ۳۰۳).

آیه الله مکارم: معمولاً مورد قبول اهل محل است. بنابراین تابلوها یا علاماتی که گذارده اند معتبر است.

2. آیه الله سیستانی: جبل الرحمة جزء موقف است ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است.

3. آیه الله سیستانی: تا غروب آفتاب.

4. آیه الله سیستانی: و یک غسل.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: تأخیر تا یک ساعت مانعی ندارد.

در عرفات نباشد حجش باطل است و وقوف در شب عيد كه وقوف اضطراري عرفه است براي او كفايت نمي كند.

مسأله 677 - اگر پيش از غروب از عرفات كوچ كند و از محدوده آن خارج شود بايد مجدداً مراجعت نمايد و تا غروب وقوف نمايد هر چند خروجش از عرفات سهوي باشد.

مسأله 678 - اگر پس از آنكه خارج شد مجدداً به عرفات باز نگردد چنانچه خروجش از روي علم و عمد بوده بايد يك شتر در مني (1) روز عيد قرباني كند و اگر از قرباني متمكن نباشد بايد هيچده روز روزه بگيرد و لازم نيست اين هيچده روز پشت سر هم باشد و اگر خروجش سهوي بوده كفاره ندارد هر چند بواسطه عدم مراجعت معصيت کرده است

«وقوف اضطراري عرفه»

مسأله 679 - اگر كسي بواسطه عذري مانند فراموشي و تنگي وقت (2) و مانند آن (3) از ظهر روز نهم تا غروب شرعي در عرفات نباشد و هيچ جزئي از اين زمان را درك نكند كافي است كه مقداري از شب عيد تا طلوع فجر (4) را هر چند اندك باشد در عرفات (5) و اين زمان را وقت وقوف اضطراري عرفه مي گويند.

1 آية الله بهجت، آية الله سيستاني: در روز عيد

امام خميني، آية الله خامنه اي: در هر جائي مي تواند قرباني كند.

آية الله فاضل: اگر قرباني صرف فقراء مومنين نمي شود جايز است در وطن قرباني نمايد.

2 آية الله سيستاني: همچنين جاهل قاصر

3 آية الله فاضل: مثل جهل به موضوع يا حكم يا مريض يا شدت گرما و سرما.

4 آية الله خويي، آية الله تبريزي: تا طلوع آفتاب

5 آية الله سيستاني: و اگر خوف اين باشد كه با درك وقوف اضطراري عرفه وقوف مشعر قبل از طلوع آفتاب از او فوت بشود واجب است اکتفا کند به وقوف مشعر و حجش صحيح است.

مسأله 680 - كسي كه بواسطه عذري روز عرفه را در عرفات وقوف نكرد اگر عمداً و بدون عذر شب دهم را در عرفات وقوف نكند حج او باطل مي شود هر چند وقوف مشعر را درك كند.

مسأله 681 - اگر بواسطه عذري مانند فراموشي يا غفلت وقوف اختياري و اضطراري عرفه را با هم ترك كند ولي وقوف اختياري مشعر را درك كند حج او صحيح است چنانچه خواهد آمد

«مستحبات وقوف به عرفات (1)»

در وقوف به عرفات چند چيز مستحب است:

- 1- با طهارت بودن در حال وقوف.
- 2- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر (2) باشد.
- 3- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.
- 4- نسبت به قافله ای که از مکه می آید، وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.
- 5- وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است (3).
- 6- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.
- 7- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد

1 آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء انجام می دهد.

2 آیه الله اراکی: هنگام ظهر.

3 آیه الله سیستانی: وقوف در پایین کوه افضل است.

مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَخْدَعْني وَلَا تَسْتَدْرِجْني يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.»

و بجای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتُهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَلَيَّ وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنْاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا) صلي الله عليه وآله (اللَّهُمَّ اجْعَلْني مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَتْ عُمُرُهُ وَأَحْيَيْتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ.»

8- این دعا را بخواند:

«لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَأَلَّذِي تَقُولُ وَخَيْرٌ أَمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَتُسْكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ ثِرَاتِي (براءتي خل) وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ وَسْوَاسِ الصُّدُورِ وَمِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَّاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَّاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُوراً وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُوراً وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعَظْمِي وَعُرْوِي وَمَعْدِي وَمَقَامِي وَمَذْخَلِي وَمَخْرَجِي نُوراً وَأَعْظِمْ لِي نُوراً يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

9- آنکه رو به کعبه نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ «صد مرتبه» اللَّهُ أَكْبَرُ «صد مرتبه» مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ «صد مرتبه» أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «صد مرتبه».

پس، از اول سوره بقره ده آیه بخواند، پس سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِلَّا لَهٗ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.»

پس سوره « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » (و سوره) « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ نَعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ.»

و به آیاتی از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة والسلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها



عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ.»

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرَ الْأَكْبَرَ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَيَأْسِمِكَ الْأَعْظَمَ الْأَعْظَمَ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ.»

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه، «أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.»

پس بخوان این دعا را:

«اللَّهُمَّ فَكَّنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

10- آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتَبِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسِي ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسِي ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ وَأَصْرَفَ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ.»

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء (علیه السلام) (و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیه را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَائِلِ أَيْدٍ مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِئاً مُسْتَجَاباً لِي مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَأَجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيَّكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ.»

و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ.»

فصل سوم: وقوف به مشعر الحرام

سوم از واجبات حج تمتع وقوف به مشعر الحرام است.

مسأله ۶۸۲ - بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

مسأله ۶۸۳ - پس از حرکت از عرفات واجب است شب عید (۱) را تا صبح در مشعر الحرام با نیت خالص و قصد قربت بماند.

۱ آیه الله سیستانی: مقداری از شب عید.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بیتوته در مشعر را در شب عید قبل از طلوع فجر واجب نمی دانند.

مسأله ۶۸۴ - از طلوع فجر روز دهم تا طلوع آفتاب وقت وقوف اختیاری (۱) مشعر الحرام است پس باید در تمام این مدت با قصد قربت و نیت خالص از ریا و خودنمائی وقوف نماید بلی کوچ کردن از مشعر کمی قبل از طلوع آفتاب اگر بنحوی باشد که قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر نگذرد جایز (۲) بلکه مستحب است و اگر بگذرد گناه کرده ولی کفارہ ندارد.

مسأله ۶۸۵ - وقوف در مشعر در مدت مذکور در مسأله قبل گر چه واجب است ولي تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف مقدار کمی از این زمان است هر چند یک دقیقه باشد.

مسأله ۶۸۶ - زنان و بچه ها و پیرمردان و اشخاص ضعیف و بیماران و دیگر معذورین و کسانی که لازم است همراه آنان باشند جایز است قدری از شب عید را در مشعر وقوف کنند و سپس به سوی منی حرکت کنند هر چند قبل از نیمه شب باشد(3).

مسأله ۶۸۷ - صاحب عذری که می تواند اکتفا به وقوف شبانه مشعر الحرام نماید کسی است که عذر برای خودش حاصل شده باشد اگر چه بواسطه اطمینان از گفته دیگری مثل مدیر کاروان باشد.

مسأله ۶۸۸ - کسی که وقوف به عرفه را درک کرده و شب دهم یا مقداری از آن را در مشعر بوده اگر قبل از طلوع فجر از مشعر خارج و تا طلوع آفتاب برنگردد حجتش صحیح

---

1 آیه الله سیستانی: وقوف اختیاری مشعر مقداری از شب و بین الطلوعین است.

2 آیه الله خوئی، آیه الله مکارم: جایز نیست آیه الله مکارم اضافه فرمودند: و کفاره آن یک گوسفند است.

3 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: کسانی که همراه معذورین هستند باید قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند و اگر اتفاقاً نتوانستند تا قبل از طلوع آفتاب برگردند، قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند و لحظاتی قصد وقوف اضطراری نمایند.

آیه الله فاضل: بلی لازم است همراهان معذورین و کسانی که عذر آنها برطرف شده در صورت امکان برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

است (1) بلی اگر عمداً و بدون عذر چنین کرده معصیت کرده و باید یک گوسفند کفاره بدهد(2).

«وقوف اضطراری مشعر الحرام»

مسأله ۶۸۹ - برای مشعر الحرام دو وقوف اضطراری وجود دارد

1- وقوف در شب عید (3) برای معذورین که در مسأله ۵۲۰ گذشت

2- وقوف در روز عید از طلوع آفتاب تا ظهر

مسأله ۶۹۰ - از آنچه گذشت معلوم شد که عرفات و مشعر الحرام دارای وقوف اختیاری و اضطراری است و درک بعضی این مواقف برای مکلف صوری دارد که آنچه مورد ابتلاء است از این صور بیان می شود:

1- وقوف اختیاری عرفات و مشعر الحرام هر دو را درک نماید که بدون شک حج او صحیح است.

2- هیچ یک از دو موقف را درک نکند نه اختیاری و نه اضطراری آنها را و در این صورت حج او بدون شک باطل است و باید با همان احرام عمره مفرده انجام دهد و اگر گوسفند همراه داشته باشد آن را ذبح نماید و لازم نیست نیت عدول به عمره مفرده نماید گرچه مطابق احتیاط است و در این احکام فرقی نیست که درک نکردن دو وقوف به

واسطه عذر باشد یا بدون عذر. بلی اگر درک نکردن موقف از روی عذر بوده باشد

---

1 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: حجش باطل است و مبدل به عمره مفرده می شود بلی اگر جاهل به حکم بوده و پس از علم ممکن نباشد ولو تا قبل از ظهر روز عید به مشعر برگردد حجش صحیح است و باید یک گوسفند کفاره دهد.

2 آیه الله فاضل: باید حج را تمام کند و یک گوسفند کفاره دهد و بنا بر اقوی سال دیگر حج را اعاده نماید.

3 آیه الله سیستانی: این وقوف اختیاری است.

اعاده حج در سال بعد بر او واجب نیست مگر این که شرائط استطاعت او باقی بماند یا حج از قبل بر او مستقر شده باشد و اگر بدون عذر از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می شود و باید در سال بعد اعاده نماید حتی اگر شرائط استطاعت را نداشته باشد.

3- وقوف اختیاری عرفه و اضطراری شب مشعر را درک کند که در این صورت حجش صحیح است هر چند وقوف اختیاری مشعر را بدون عذر ترک نموده باشد. بلی در این فرض باید یک گوسفند کفاره بدهد (1).

4- وقوف اختیاری عرفه و اضطراری روز مشعر را درک کند پس اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده حج او باطل (2) و الا صحیح است.

5- فقط وقوف اختیاری عرفه را درک کرده باشد که در این صورت حج او باطل و به عمره مفرده مبدل می شود (3) هر چند که وقوف مشعر را با عذر ترک کرده باشد (4).

6- وقوف اضطراری عرفه با اختیاری مشعر را درک نماید در این صورت حجش صحیح است مگر این که وقوف اختیاری عرفه را عمداً و بدون عذر ترک کرده باشد.

7- اضطراری عرفه و اضطراری شب مشعر را درک کند پس چنانچه اختیاری عرفه را عمداً و بدون عذر ترک کرده حج او باطل است و در غیر این صورت حج او صحیح است بلی اگر وقوف اختیاری مشعر را بدون عذر ترک کرده باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد (5).

---

1 نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل، سیستانی: در ذیل مسأله ۵۲۱ گذشت.

2 آیه الله سیستانی: چون اختیاری مشعر بخشی از شب است تا طلوع آفتاب، اگر بین الطلوعین را عمداً هم ترک کند حجش صحیح است ولی در صورت علم یک گوسفند کفاره است.

3 آیه الله سیستانی: مگر این که هنگام عبور از عرفات به منی در مشعر در وقت اختیاری (از شب تا طلوع آفتاب) گذشته باشد و ذکر خدا گفته باشد که در این صورت حجش صحیح است. هر چند به جهت جهل قصد وقوف نکرده باشد.

4 آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، مکارم: اگر از روی عذر بوده حجش صحیح است.

5 نظر آیات عظام تبریزی، خوئی، فاضل، سیستانی: در ذیل مسأله ۵۲۱ گذشت.

8- اضطراري عرفه و اضطراري روز مشعر را درک کرده باشد پس چنانچه وقوف اختياري عرفه يا مشعر را عمداً و بدون عذر ترک کرده حجش باطل است وگرنه بعيد نيست حجش صحيح باشد گرچه احتياط آن است که اگر شرائط استطاعت باقي باشد آن را در سال بعد اعاده نمايد.

9- فقط اضطراري عرفه را درک کند که در اين صورت حجش باطل مي شود و بايد عمره مفرده بجا آورد تا از احرام خارج گردد.

10- فقط اختياري مشعر را درک نمايد که حجش صحيح است مگر اين که وقوف به عرفات را عمداً و بدون عذر درک نکرده باشد.

11- فقط اضطراري شب مشعر را درک کند که در اين صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده و از کساني است که وقوف شب مشعر براي آنها کافي است مانند زنان و بيماران، حج او صحيح است وگرنه باطل است.

12- فقط اضطراري روز مشعر را درک کند که در اين صورت حج او باطل است (1).

مسأله ۶۹۱ - اگر کسي به جهت اغماء يکي از وقوفين را ترک کند (2) پس اگر از مواردی است که ترک آن از روی عذر ضرري به حج نمی زند (که در مسائل قبل گذشت) باید پس از به هوش آمدن اعمال حج را تمام کند و اگر از مواردی است که حج او باطل شده باید عمره مفرده انجام دهد و در صورتی که پس از مراجعت به وطن به هوش آمده باید برای انجام عمره بازگردد یا اگر مشقت دارد نایب بگیرد.

مسأله ۶۹۲ - اگر در محلی به تصور این که موقف عرفات یا مشعر است وقوف نمود و پس از گذشت وقت وقوف یقین به خلاف پیدا کرد حکم ترک وقوف از روی عذر را

---

1 آیات عظام: فاضل، خوئی، تبریزی، صافی: حجش صحيح است اگر معذور باشد.

2 آية الله فاضل: در فرضی که بعد از درک وقوف اختياري عرفه بیهوش شده و تا بعد از ظهر روز عید به هوش نیامده فرموده اند: رمی روز عید را نیابتاً از طرف او انجام دهند و پس از به هوش آمدن بقیه اعمال را خودش انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب عمره مفرده ای بجا آورد و اگر حج بر او مستقر بوده و یا استطاعتش تا سال بعد باقي مانده حج را اعاده کند.

دارد که در مسائل قبل گذشت.

مسأله ۶۹۳ - اگر بواسطه ندانستن مسأله وقوف را ترک کند چنانچه در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده عذر محسوب می شود و حکم ترک وقوف با عذر را دارد که گذشت مثلاً کسي که بواسطه ندانستن مسأله وقوف اختياري مشعر الحرام را ترک کرده و وقوف اضطراري آن را انجام داده چنانچه جهل او قصوري و عذري بوده حج او صحيح است.

مسأله ۶۹۴ - کسي که وقوف به عرفه را درک کرده و در شب دهم قدری در مشعر بوده و سپس برای انجام کاری به منی رفته باید برای درک وقوف اختياري به مشعر بازگردد و اگر به جهت عذري نتواند به مشعر برگردد چنانچه مقداری که در مشعر بوده قصد وقوف داشته کفایت می کند وگرنه باید اضطراري مشعر را درک کند.

مسأله ۶۹۵ - کسي که حج او به واسطه ترک وقوفين باطل شده و باقي اعمال را بجا آورده به احرام باقي است و باید برای خروج از احرام، عمره مفرده انجام دهد (1) و اگر به وطن بازگشته و نمی تواند برگردد نایب بگیرد.

## مستحبات و قوف به مشعر الحرام (2)

مسأله ۶۹۶ - مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ (3) تَوْفُفِي وَزِدْهُ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.»

1 آیه الله سیستانی: طواف و سعی حج، به جای عمره او کافی است پس باید تقصیر کند و طواف نساء انجام دهد و اگر رفتن برای او مشکل است برای طواف نائِب بگیرد پس از آنکه نائِب طواف نساء را بجا آورد و خود منوب عنه هر کجا که هست نماز طواف را بخواند.

2 آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجا بیاورند.

3 آیه الله بهجت، آیه الله نوری: اللهم ارحم موقفي و زد في عملي.

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز مغرب و عشاء را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد (1) و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.»

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَّرْتَنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَذِرْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقَبَّلَ مَعْرَتِي وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي حَاطِيَّتِي ثُمَّ اجْعَلْ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي.»

و مستحب است سنگ ریزه هایی را که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است (2) و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به

---

1. آیه الله مکارم: این حکم در روایات متعددی آمده است و احتمالاً منظور از آن با پای برهنه قدم گذاشتن در سرزمین مشعر است.

2. آیه الله مکارم: ولی از آنجا که در شلوغی جمعیت غالباً بعضی از سنگها اصابت نمی کند بهتر است بیشتر جمع آوری کند.

وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.»

#### فصل چهارم: اعمال منا

##### رمی جمره عقبه

چهارم از واجبات حج رمی جمره عقبه است.

مسأله ۶۹۷ - واجب است پس از وقوف در مشعر الحرام هفت سنگریزه به جمره عقبه که در منی واقع شده است بزند و غیر سنگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات کافی نیست و اما اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

##### شرایط سنگ ریزه

مسأله ۶۹۸ - در سنگی که می خواهد به جمره بزند چهار شرط معتبر است:

1- به قدری باشد که به آن ریگ گفته شود.

بنابراین سنگ ریزه های کوچک که به آن شن می گویند و سنگهای بزرگ که ریگ به آن صدق نمی کند کافی نیست.

2- از منطقه حرم باشد و سنگ خارج حرم کافی نیست و در حرم از هر موضعی که بردارد کافی است حتی از منی و مکه مگر از مسجدالحرام و مسجد خیف. بلکه سایر مساجد بنا بر احتیاط واجب. و مستحب است از مشعرالحرام بردارد.

3- بکر باشد یعنی خودش یا شخص دیگر هر چند در سالهای قبل، از آنها برای

رمي صحيح (1) استفاده نکرده باشد.

4- مباح باشد پس با سنگ غصبي يا آنچه که ديگري براي خودش حيازت کرده کافي نيست (2).

مسأله ۶۹۹ - اگر شک کند که سنگ را ديگري براي رمي استفاده نموده يا نه مي تواند با آن رمي کند (3).

مسأله ۷۰۰ - سنگي که در حرم است اگر احتمال بدهد از خارج حرم آورده شده مي تواند با آن رمي کند.

مسأله ۷۰۱ - سنگي که معلوم نيست به آن ريگ گفته مي شود يا نه براي رمي کافي نيست.

مسأله ۷۰۲ - سنگي که به جمره مي زنند لازم نيست پاک باشد.

زمان رمي

مسأله ۷۰۳ - وقت رمي جمره عقبه از طلوع آفتاب روز عيد تا غروب آن است و چنانچه به جهت جهل يا فراموشي يا عذر ديگر در روز عيد رمي نکرد بايد تا روز سيزدهم به تفصيلي که در مسائل رمي جمرات سه گانه مي آيد جمره را رمي کند و در صورتي که به مکه آمده لازم است براي انجام رمي به مني برگردد و اگر پس از روز

1 در عبارت آيات عظام: خوئي، گلپايگاني، مکارم قيد «صحيح» موجود نمي باشد.

2 آية الله تبريزي، آية الله خوئي: اگر اعتقاد داشت سنگها غصبي نيست و يا غصبي بودن آنها را فراموش کرد و خودش غاصب نبود رمي صحيح است و در غير آن بايد اعاده شود.

آية الله سيستاني: مگر آن که نداند غصبي است يا فراموش کرده باشد و خود غاصب نباشد يا حرمت را فراموش کرده باشد يا جاهل قاصر باشد.

3 آية الله سيستاني: مگر اين که در جايي باشد که علم داشته باشد بعضي از سنگهاي آنجا استعمال شده است و احتمال بدهد که سنگ مورد نظر هم يکي از آنها باشد که در اين صورت بايد احتياط کند.

سيزدهم عذرش برطرف شد بايد در سال بعد اگر مي تواند خودش و اگر نمي تواند نائيش آن را قضا کند (1).

مسأله ۷۰۴ - زنها و مراقبين آنها و افراد ضعيفي که مجازند شب عيد از مشعر الحرام به مني بروند اگر از رمي در روز معذورند مي توانند همان شب يا شب بعد از آن (2) هر وقت که باشد رمي کنند بلکه زنها مي توانند بدون عذر در شب عيد رمي نمايند (3).

واجبات رمي

مسأله ۷۰۵ - در رمي شش امر واجب است:

1- نيّت: يعني قصد کند هفت سنگ به جمره بزند براي خداوند تعالي با نيّت خالص.

2- سنگريزه ها بايد پرتاب شوند و گذاشتن آنها بر جمره کافي نيست.



3- سنگها را با دست بیاندازد و اگر با پا یا دهان بیاندازد کافی نیست ولی بعید نیست با فلاخن کافی باشد.

4- با انداختن او، سنگ به جمره برسد (4) بنابراین اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید یا سنگ به جایی خورد و

---

1 آیه الله سیستانی: اگر بعد از روز سیزدهم عذرش برطرف شد همین حکم را دارد مگر پس از خروج از مکه مانع برطرف شود که در این صورت لازم نیست برگردد و احتیاط مستحب آن است که در سال بعد خود یا نائیش رمی کند.

2 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: باید در شب عید رمی نمایند و شب بعد کافی نیست.

3 آیه الله مکارم: زنان و پیران می توانند در شب رمی کنند و همچنین کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و فرقی نمی کند در شب قبل یا شب بعد.

4 آیه الله مکارم: در مورد رمی جمرات فتوای اخیر ما این است که اصابت به ستون ها لازم نیست بلکه کافی است سنگ را به دایره اطراف جمرات پرتاب کنند و در مسائل آینده نیز به همین صورت عمل شود.

کمانه کرد و به جمره رسید کافی نیست(1).

5- هفت سنگ به جمره بزند

6- سنگها را به تدریج و یکی پس از دیگری بزند و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانعی ندارد و اگر همه یا چند سنگ را با هم بیاندازد کافی نیست و یک رمی محسوب می شود هر چند با هم به جمره نرسد.

مسئله ۷۰۶ - اگر سنگی که انداخت به جمره نرسید باید دوباره بیاندازد (2) اگر چه در وقت رمی گمانش آن بوده که رسیده است.

مسئله ۷۰۷ - رمی را می تواند سواره و پیاده انجام دهد(3).

مسئله ۷۰۸ - رمی در طبقه دوم جمرات نیز کافی است و لازم نیست در طبقه اول رمی کند.

مسئله ۷۰۹ - در انداختن سنگها طهارت از حدث و خبث شرط نمی باشد.

شک در رمی

مسئله ۷۱۰ - اگر وقتی که مشغول رمی است شک کند که چند سنگ زده باید آن قدر بزند که مطمئن شود هفت سنگ زده است و همین طور اگر شک کند، سنگی که زده به جمره رسیده یا نه؟ باید مجدداً بزند تا مطمئن شود که به جمره رسیده است.

مسئله ۷۱۱ - اگر شک کند که هفت سنگ زده یا بیشتر به شک خود اعتنا نکند و رمی او صحیح است.

---

1 آية الله بهجت: ظاهر اين است كه اگر سنگريزه در راه به چيزي برخورد نموده و سپس به جمره برسد كافي باشد با بقاي صدق رمي در ابتدا و انتهاي آن.

امام خميني، آية الله سيستاني: در صورت اخير ظاهراً كافي است.

2 آية الله مكارم: همان گونه كه گفتيم كافي است سنگ به دايره اطراف جمره بيفتد.

3 آية الله فاضل، آية الله سيستاني: مستحب است در حال رمي پياده باشد.

مسأله ۷۱۲ - اگر پس از رمي و انصراف از محل آن و قبل از ذبح و حلق يا تقصير شك كند كه هفت سنگ زده يا کمتر (1) بايد برگردد و مقداري را كه احتمال مي دهد نزده تكميل نمايد.

مسأله ۷۱۳ - اگر پس از ذبح و يا حلق و يا تقصير يا پس از فرارسيدن شب شك كند كه رمي کرده يا نه يا اين كه هفت سنگ زده يا کمتر به شك خود اعتنا نكند.

مسأله ۷۱۴ - اگر پس از رسيدن سنگي به جمره شك كند كه رمي آن صحيح بوده يا نه مثل اين كه نداند سنگ مستعمل زده يا غير آن به شك خود اعتنا نكند و همين طور اگر پس از فراغت از رمي شك كند كه سنگ ريزه ها به جمره خورده (2) يا نه، بلي اگر در رسيدن آخرين سنگ به جمره شك نمايد بايد آن را اعاده كند (3).

مسأله ۷۱۵ - ظن به رسيدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

مستحبات رمي جمرات (4)

مسأله ۷۱۶ - در رمي جمرات چند چيز مستحب است:

1- با طهارت بودن در حال رمي.

2- هنگامي كه سنگها را در دست گرفته و آماده رمي است، اين دعا را بخواند:

---

1 آية الله بهجت: به شك خود اعتنا نكند.

آية الله سيستاني: اگر بعد از صدق عرفي فراغ باشد اعتنا نكند و اگر قبل از آن است بايد تدارك نمايد.

2 آية الله خوئي: اگر شك كند سنگريزه به جمره رسيد يا نه بناير نرسيدن گذاشته و سنگ ديگر بزند مگر آن كه شك وي در وقتي باشد كه به واجب ديگري مشغول شده يا پس از فرارسيدن شب باشد.

3 آية الله بهجت: اگر از محل رمي منصرف شده به شك خود اعتنا نكند.

آية الله سيستاني: اگر بعد از صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نكند مطلقاً

آية الله فاضل: لازم نيست اعاده نمايد.

4 آية الله مكارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأُحْصِيَنَّ لِي وَارْفَعُهُنَّ فِي عَمَلِي.»

3- با هر سنگي که مي اندازد تکبير بگويد.

4- هر سنگي را که مي اندازد اين دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلِي سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعِيًّا مَشْكُورًا وَدَنْبًا مَغْفُورًا.»

5- میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولي و وسطی کناره جمره بایستد.

6- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمي نماید و جمره اولي و وسطی را رو به قبله ایستاده رمي نماید.

7- سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

8- پس از برگشتن به جاي خود در مني، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بَكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.»

قضاء رمي جمرات

مسأله ۷۱۷ - کسی که در یکی از روزها رمي را با علم و عمد یا به جهت جهل یا فراموشی ترک نماید باید در روز بعد آن را قضا کند و همین طور اگر رمي را در دو روز ترک کند باید هر دو روز را قضا نماید.

مسأله ۷۱۸ - اگر بعد از گذشتن روزي که باید رمي کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمي نکرده ولي نداند کدامیک است رمي جمره عقبه کافی است.

مسأله ۷۱۹ - اگر روز سیزدهم یقین کند رمي را در یکی از سه روز قبل (روز دهم، یازدهم، دوازدهم) ترک کرده و نداند کدام است قضای رمي جمره عقبه کافی است.

مسأله ۷۲۰ - قضاء هر روز را باید بر اداء مقدم کند (1) پس اگر در روز یازدهم بخواهد قضای روز عید را بجا آورد باید ابتدا قضای روز عید را و بعد رمي روز

یازدهم را انجام دهد و همچنین باید در قضای دو روز یا بیشتر ترتیب را رعایت کند. پس اگر در روز سیزدهم بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و دوازدهم را بجاءورد باید به ترتیب ابتداء رمی روز عید و سپس رمی روز یازدهم و در آخر رمی روز دوازدهم را قضا کند.

مسأله ۷۲۱ - اگر یک یا دو جمره از جمرات را در روزی که باید رمی کند رمی نکرد باید در روز بعد و پیش از ادای وظیفه آن روز قضاء روز قبل را انجام دهد.

مسأله ۷۲۲ - کسی که می خواهد قضای رمی جمرات دو یا سه روز را انجام دهد نمی تواند پیش از اتمام رمی سه جمره برای قضای روز سابق، مشغول قضای رمی روز بعد شود. بنابراین اگر هفت سنگ برای قضای روز اول به جمره اولی زد نمی تواند هفت سنگ دیگر برای قضای روز بعد بزند و سپس مشغول جمره وسطی شود(2).

مسأله ۷۲۳ - اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب رمی نموده باید به طوری قضا کند که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

مسأله ۷۲۴ - کسی که به یک یا چند جمره چهار سنگ زده و در روز بعد متوجه شده بنا بر احتیاط واجب باید باقیمانده روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه آن روز را بجاءورد.

مسأله ۷۲۵ - اگر رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و پس از این که از منی خارج شد و به مکه آمد متوجه شود باید برای قضای آن به منی بازگردد هر چند پس از ایام تشریق متوجه شده باشد (3) و اگر پس از خروج از مکه متوجه شود باید در سال بعد در ایام

---

1 آیه الله مکارم: در غیر فرض عمد تقدیم قضاء واجب نیست بلکه افضل است و از اینجا حکم مسائل بعد نیز روشن می شود.

2 آیه الله سیستانی: رمی به این نحو هم صحیح است.

3 آیات عظام: مکارم، گلپایگانی، صافی: اگر ایام تشریق بگذرد سال بعد خودش یا نائیش انجام دهد.

تشریق خودش یا نائیش آن را قضا کند(1).

مسأله ۷۲۶ - اگر رمی بعضی از جمرات را فراموش کرد یا در رمی همه جمرات یا بعضی از آنها کمتر از هفت سنگ زد حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۷۲۷ - وظیفه اشخاصی که در رمی جمرات معذورند از جهت نائیب گرفتن و یا رمی دیگران برای آنان و کفایت آن بعد از برطرف شدن عذر همان گونه است که در رمی جمره عقبه گذشت.

مسأله ۷۲۸ - شخصی که در روز سیزدهم متوجه شده که رمی جمره عقبه را در روز عید انجام نداده یا باطل انجام داده باید رمی روز عید را قضاء کند ولی اعاده رمی روز یازدهم و دوازدهم واجب نیست.

کوچ کردن از منی

مسأله ۷۲۹ - کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم، باید بعد از ظهر کوچ کنند و جایز نیست قبل از ظهر، ولی کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسأله ۷۳۰ - افرادی که حج به جا می آورند و وظیفه آنان بیتوته در منی می باشد نمی توانند قبل از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کنند مگر مانند آنها در منی حرجی باشد.

مسأله ۷۳۱ - پس از انجام میبیت در شب دوازدهم، جایز است که حاجی از منی خارج شود. ولی باید روز دوازدهم برای رمی قبل یا بعد از ظهر به منی برگردد (2) و چنانچه پیش از ظهر به منی آمد نباید قبل از ظهر از منی کوچ کند چنانچه گذشت.

---

1 آیه الله سیستانی: اگر پس از خروج از مکه یادش بیاید قضا در سال بعد احتیاط مستحب است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: قبل از گذشت ایام تشریق باید برای رمی به منی برگردد هر چند از مکه خارج شده باشد.

2 امام خمینی، آیه الله صافی: اگر در روز دوازدهم پس از رمی جمرات خارج شده واجب نیست برگردد.

#### ذبح (قربانی)

پنجم از واجبات حج تمتع قربانی است.

مسأله ۷۳۲ - کسی که حج تمتع انجام می دهد واجب است پس از رمی جمره عقبه یک شتر یا گاو و یا گوسفند قربانی نماید و ذبح شتر افضل و پس از آن ذبح گاو بهتر است و غیر از این سه نوع حیوان کافی نیست مگر گاو میش که گفته اند کراهت دارد.

مسأله ۷۳۳ - قربانی کردن از عبادات است و باید با قصد قربت و نیت خالص انجام شود.

مسأله ۷۳۴ - کمتر چیزی که برای قربانی کافی است یک گوسفند است و هر چه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صد شتر همراه آوردند، سیوچهار شتر برای حضرت امیر (علیه السلام) نحر کردند و شصت و شش شتر را برای خودشان نحر کردند.

مسأله ۷۳۵ - تأخیر قربانی از روز عید تا آخر روز سیزدهم جایز است و احتیاط مستحب آن است که از روز عید تأخیر نیندازد.

مسأله ۷۳۶ - هر حاجی باید مستقلاً یک قربانی ذبح نماید و نمی تواند در آن با دیگری شریک گردد مگر در حال ضرورت.

مسأله ۷۳۷ - اگر تا آخر روز سیزدهم فقط قربانی ناقص یافت شود بعید نیست که بتوان به آن اکتفا کرد (1) چه نقص به جهت خصی بودن باشد یا غیر آن.

مسأله ۷۳۸ - واجب است مقداری از قربانی را به فقیر مؤمن (2) صدقه دهد (3) و مستحب

---

1 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: کسی که نتواند قربانی را ولو با صبر کردن تا آخر ذی حجه به این شرائط تهیه کند هرچه ممکن باشد کافی است.

2 آیه الله سیستانی: صدقه به فقیر مسلمان کافی است.

آیه الله مکارم: قید ایمان را ذکر نکرده اند.

3 امام خمینی، آیه الله فاضل: صدقه دادن واجب نیست بلکه مستحب موافق احتیاط است.

است قسمتی از آن را هدیه بدهد و قدری از آن را خودش بخورد و بهتر است هریک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد(1).

مسأله ۷۳۹ - اگر سهم فقیر را صدقه ندهد بنا بر احتیاط واجب ضامن است(2).

مسأله ۷۴۰ - فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است بنا بر این، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر سهم فقیر را از قربانی به خود حاجی می فروشند یا هبه می کنند صحیح نیست. بلی می تواند از فقیر وکالت در قبول و تصرف بگیرد و بعد از قربانی از طرف او قبول و قبض کرده و تصرف نماید هر چند به اعراض از آن باشد.

مسأله ۷۴۱ - قربانی باید در منی انجام شود (3) ولی اگر نتواند تا آخر ذی حجه (4) در منی قربانی کند یا این که موجب عسر و حرج (5) یا خوف ضرر باشد قربانی در خارج منی در وادی محسّر و غیر آن کافی است.

---

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: هدیه دادن مقداری از قربانی و خوردن مقداری از آن واجب است.

2 نظر امام خمینی، آیه الله فاضل: از مسأله قبل فهمیده می شود.

3 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: ولی اگر در مسلخ های خارج منی قربانی کند کافی است.

آیه الله سیستانی: در صورت زیاد بودن حجاج و گنجایش نداشتن منی برای همه آنها در وقت اراده ذبح، بعید نیست کشتن در وادی محسّر نیز جایز باشد، اگرچه احوط ترک آن است مگر آنکه بداند که نمی تواند در منی تا روز سیزدهم قربانی کند. و چنانچه ذبح در منی یا وادی محسّر تا آخر ایام تشریق میسر نبود در هر کجای حرم بخواهد می تواند ذبح کند و جواز اکتفاء در حال اختیار به ذبح در مکانی که مشکوک است از منی یا وادی محسّر می باشد به علت شک در صحت علائم منصوبه در آن مکانها محل اشکال است.

4 آیه الله مکارم: تا پایان روز سیزدهم.

آیه الله سیستانی: رجوع به حاشیه قبل شود.

آیه الله فاضل: اگر در روز عید در منی نتوانست قربانی کند می تواند در همان روز در خارج منی در مذابح جدید قربانی کند.

5 آیه الله بهجت: عسر و حرج نوعی

مسأله ۷۴۲ - قربانی در شب کفایت نمی کند مگر برای خائف(1).

مسأله ۷۴۳ - مُحرم می تواند قبل از حلق یا تقصیر بلکه قبل از قربانی برای خود، قربانی دیگری را ذبح کند.

مسأله ۷۴۴ - قیمت قربانی را باید از مال حلال بپردازند و در غیر این صورت قربانی کفایت نمی کند مگر این که به ثمن کلی خریده باشد بنابراین اگر با عین مال غیرمخمس قربانی را خریداری نماید این قربانی کفایت نمی کند ولی اگر همان گونه که متعارف است به ثمن کلی بخرد کفایت می کند. اگرچه با مال فوق الذکر قیمت آن را بپردازد لکن ضامن خمس است.

مسأله ۷۴۵ - ذبح با کارد استیل صحیح (2) و کافی است.

مسأله ۷۴۶ - هر گاه در حج تمتع قربانی را فراموش کند یا به دیگری نیابت دهد و او فراموش کند و سپس حلق یا تقصیر و اعمال مترتبه را انجام دهد حج او صحیح است پس اگر در ماه ذی حجه فهمید قربانی را انجام دهد و اگر بعد از ذی حجه فهمید در سال آینده قربانی کند.

مسأله ۷۴۷ - کسی که به جهتی مثل اعتقاد به این که گوشت قربانی تلف می شود قربانی را انجام نداده و اعمال مترتبه را با اعتقاد صحت انجام داده است حج او صحیح و از احرام خارج شده است (3) ولی قربانی بر ذمه اش باقی است (4) که باید در سال آینده در

1 امام خمینی: اگر ذبح را از روز عید عمداً یا جهلاً تأخیر انداخت ذبح در شب کفایت می کند.

آیه الله بهجت: در صورتی که به دلالتی نتواند تا غروب روز عید قربانی کند بعد از اذان مغرب هم می تواند قربانی کند.

2 آیات عظام: امام خمینی، آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: صحیح نیست مگر این که محرز شود که استیل آهن است.

3 آیه الله فاضل، آیه الله سیستانی: از احرام خارج نشده و لازم است محرمات احرام را ترک کند و اگر تا قبل از پایان ایام تشریق ذبح کند حجش صحیح است و الاً بنا بر احتیاط حج او باطل است.

4 آیه الله مکارم: اگر قربانی در منی از بین می رود و به هیچ وجه قابل استفاده نیست باید پول آن را کنار گذارده و در شهر خودش قربانی کند (در ماه ذی حجه آن سال و اگر نتوانست در سال بعد در ایام تشریق).

آیه الله بهجت: قربانی کند و بعد تقصیر نماید و كفاره از اله شعر را بدهد.

منی انجام دهد و اگر در ماه ذی حجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

مسأله ۷۴۸ - کسی که به اعتماد نایب خود در رمی، ذبح و سپس تقصیر یا حلق نموده و بعد از آن بفهمد که نایب از جانب او رمی نکرده است، ذبح و حلق یا تقصیر او صحیح و کافی است.

مسأله ۷۴۹ - اگر بعد از ذبح شرعی قربانی رگ نخاع او در حالی که هنوز زنده است قطع نماید کار حرامی کرده (1) ولی قربانی حلال و کافی است.

مسأله ۷۵۰ - رو به قبله بودن حیوان فقط در حال ذبح (بریدن چهار رگ) لازم است و بعد از آن اگر از قبله برگردد یا برگردانیده شود اشکال ندارد.

مسأله ۷۵۱ - قربانی کردن در محله های جدیدی از مکه که محرز باشد از منی است کافی است (2) ولی در صورت شک در این که جزء منی می باشد یا نه کفایت نمی کند.

#### شرائط قربانی

مسأله ۷۵۲ - در قربانی چند امر شرط است و باید مراعات شود.

1- قربانی اگر شتر است باید سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد و اگر گاو یا بز است بنابر احتیاط کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد (3)

1 آیه الله مکارم، آیه الله بهجت: این کار حرام نیست ولی بهتر است این کار را نکند. آیه الله بهجت اضافه فرمودند: اگر عمداً چنین کرد استفاده از گوشت آن مکروه است.

2 آیه الله تبریزی: با فرض شک نیز قربانی کفایت می کند.

3 آیه الله فاضل: اگر داخل در دو سال شده باشند کفایت می کند ولی بهتر است کمتر از دو سال نداشته باشند.

و در گوسفند غیر از بز باید هفت ماهش تمام و داخل در هشت ماه شده باشد و کمتر از آن کافی نیست.

2- نباید بیمار باشد (1).

3- باید خیلی پیر نباشد (2).

4- ناقص نباشد. بنابر این حیوانی که یک چشم یا دو چشم او کور باشد یا لنگ (3) یا گوش بریده باشد و یا دم بریده باشد کافی نیست و همین طور حیوانی که شاخ داخل او شکسته باشد و اما اگر شاخ خارجی اش (که شاخ سخت یا سیاهی است که به منزله غلاف برای شاخ داخل که سفید است)، شکسته باشد اشکال ندارد. و همین طور شکاف داشتن گوش و سوراخ بودنش اشکال ندارد.

5- باید عرفاً لاغر نباشد و اگر در گرده او پیه باشد کافی است (4).

6- باید خصی نباشد یعنی بیضتین او را بیرون نیاورده باشند و بهتر است بیضه او را نکوبیده و نتابیده باشند.

7- در اصل خلقت بدون بیضه نباشد ولی اگر در اصل خلقت بدون دم یا بی شاخ یا بی گوش باشد مانع ندارد (5).

مسأله ۷۵۳ - اگر بعد از ذبح بفهمد سن حیوان کمتر از حد نصاب بوده خواه قبل از انجام اعمال مترتبه یا بعد از آن باید دوباره قربانی نماید.



مسأله ۷۵۴ - اگر احتمال دهد که حیوان بیمار یا معیوب است لازم نیست تحقیق نماید

1 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: بنابر احتیاط مستحب

2 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، خامنه ای: احتیاط مستحب نباید پیر باشد.

3 آیه الله مکارم: لنگی مختصر مانع ندارد.

4 آیه الله خوئی: پیه داشتن گرده ملاک نیست.

آیه الله مکارم: اگر بر کلیه او مقداری چربی باشد کافی است.

5 آیه الله خامنه ای: فقدان اعضایی که در همه اصناف این حیوان وجود دارد و نقص محسوب می شود مانع اجزاء است مانند بیضه و گوش و در غیر آنها مانند شاخ و دم اگر در این صنف از حیوان معمولاً وجود دارد فقدان آن نقص محسوب می شود و مانع است و الا نه.

و می تواند آن را ذبح کند هر چند عیب از عیب هایی باشد که محتمل است از حال تولد وجود داشته باشد ولی در شرائط دیگر مثل سن حیوان لازم است یقین یا اطمینان حاصل نماید(1).

مسأله ۷۵۵ - اگر بعد از ذبح احتمال دهد که قربانی شرائط لازم را نداشته چنانچه آگاه به مسأله بوده و احتمال بدهد که شرائط را احراز کرده باشد به شک خود اعتنا نکند(2).

مسأله ۷۵۶ - اگر تا آخر روز سیزدهم قربانی یافت نشد (3) قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارد که در بقیه ذی حجه برای او در منی قربانی نماید و در این سال اگر ممکن نشد در سال بعد برای او قربانی کند.

مسأله ۷۵۷ - اگر عمداً یا به جهت فراموشی یا عذر دیگر تا پایان روز سیزدهم ذبح نکرد یا آن را باطل انجام داد باید در بقیه ذی الحجه قربانی کند (4) و کافی است و حکم ترتیب بین ذبح و سایر اعمال خواهد آمد.

مسأله ۷۵۸ - اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح کند بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده کافی نیست و باید دوباره ذبح کند(5).

مسأله ۷۵۹ - اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد و بعد معلوم شد لاغر است

1 آیات عظام: خوئی، تبریزی، مکارم: اگر بائع اهل خبره بوده و از سن هدی خود خبر داد می توان به قول او اعتماد نمود.

2 آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: مطلقاً به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله خوئی: با احتمال احراز شرائط به شک خود اعتنا نمی کند هر چند جاهل به مسأله باشد.

3 آیه الله سیستانی: بعید نیست کفایت روزه.

4. آیه الله سیستانی: اگر عمداً ذبح را از ایام تشریق تأخیر بیندازد حش باطل است و اگر معذور باشد باید روزه بگیرد و احتیاطاً مستحب این است که ذبح در بقیه ذی حجه را نیز انجام دهد.

5. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: چنانچه قربانی را به عقیده این که سالم است خریداری نمود و قیمتش را پرداخت و بعد معلوم شد که عیبی دارد، ظاهر این است که می تواند به آن اکتفا نماید و لازم نیست قربانی دیگری بنماید.

آیه الله خامنه ای: در صورت تمکن.

کافی است(1).

مسئله ۷۶۰ - اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق درآید برای اطاعت خداوند و رجاء ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است کافی است.

مسئله ۷۶۱ - اگر احتمال نمی داد که حیوان چاق است یا احتمال می داد لکن از روی بی مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند، کافی نیست(2).

مسئله ۷۶۲ - اگر معتقد بود که حیوان لاغر یا ناقص است و لکن به واسطه جهل به مسئله برای اطاعت امر خداوند قربانی کرد و بعد معلوم شد شرائط را داشته کفایت می کند.

نیابت در قربانی

مسئله ۷۶۳ - نائب گرفتن برای قربانی جائز است و در این صورت باید علاوه بر صاحب قربانی و استمرار آن تا وقت ذبح، ذابح نیز نیت نماید(3).

مسئله ۷۶۴ - ذابح اگر مسلمان باشد کافی است و لازم نیست شیعه باشد(4).

1. آیه الله سیستانی: اگر حیوانی را به گمان چاقی خرید و سپس معلوم شد لاغر است کافی است هر چند قبل از ذبح معلوم شود.

2. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، مکارم: اگر اجمالاً قصد اطاعت امر الهی داشته است کافی است.

3. آیات عظام: خوئی، تبریزی، مکارم: ذابح لازم نیست نیت کند.

4. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه ای: اعتبار ایمان در ذابح خالی از قوت نیست بنابراین اگر قربانی به دست غیر شیعه انجام گیرد باید دو مرتبه قربانی کند هر چند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح شیعه نیست یا جاهل به مسئله باشد آیه الله فاضل و آیه الله خامنه ای اضافه فرمودند که این در صورتی که ذابح را در انجام قربانی نائب کرده باشد و اما اگر از او خصوص ذبح را خواسته باشد لازم نیست مؤمن باشد و خودش باید قصد قربانی و قربت را انجام دهد و اگر بعد از قربانی و اعمال مترتبه بفهمد که ذابح مؤمن نبوده فقط ذبح را اعاده نماید و اعمال مترتبه صحیح است.

مسئله ۷۶۵ - هرگاه برای خریداری و ذبح قربانی نائب گرفت و بعد از ذبح نائب شک کرد که نائب به شرائط لازم عمل کرده یا نه به شکش اعتنا نکنند.

مسئله ۷۶۶ - هرگاه براي قرباني نائِب بگيرد بايد اطمینان پيدا کند که نائِب عمل کرده است و گمان کافي نیست(1).

مسئله ۷۶۷ - اگر نائِب عمداً يا به جهت جهل يا اشتباه، حیواني را ذبح کند که شرائط لازم را نداشته باشد يا شرائط ذبح را مراعات نکند بايد قرباني ديگري ذبح شود و نائِب ضامن است و بايد غرامت بدهد(2).

مسئله ۷۶۸ - کسي که نائِب در حج است مي تواند براي قرباني شخص ديگري را وکیل نماید و وکیل بايد نیت کند آن قرباني را که بر موگش واجب است و بحث نیت در فرض نیابت در مسئله ۷۶۳ گذشت.

مسئله ۷۶۹ - کسي که از طرف جمعي نائِب شده براي آنها قرباني نماید اگر پول قرباني را از ایشان گرفته و روي هم گذاشته و با آن به تعداد آن جمع قرباني خریده و هر حیوان را از طرف يکي از ایشان ذبح نماید چنانچه صاحبان پول راضي به این کار باشند(3) اشکال ندارد و کافي است اگرچه همه به یک اندازه پول داده باشند و قرباني ها متفاوت باشند.

مسئله ۷۷۰ - اگر بدون این که ديگري او را وکیل در قرباني کرده باشد از طرف او قرباني کند کفايت نمی کند اگرچه بداند که او راضي به این عمل است. بنابراین قیمت آن بر عهده خود قرباني کننده است مگر این که غروري در بین باشد.

مسئله ۷۷۱ - اگر نائِب در ذبح شک کند که قرباني کرده يا نه؟ بايد قرباني نماید.

مسئله ۷۷۲ - اگر حاجي به کسي وکالت در قرباني داد و بعد از آن ديگري را وکیل

---

1 آية الله خوئي، آية الله تبريزي: اگر نائِب ثقة باشد و خبر دهد از ذبح کافي است.

2 آية الله مکارم: اگر مقصر بوده ضامن است.

امام خميني: اگر نيابت تبرعي باشد ضامن معلوم نیست.

3 آية الله گلپايگاني صافي: و ذابح وکالت در افراز هم داشته باشد.

قرار داد هر کدام از دو وکیل براي او قرباني کنند صحيح و کافي است مگر این که او را قبل از ذبح عزل نموده باشد و مجرد وکیل قرار دادن دومي عزل اولي محسوب نمی شود.

مسئله ۷۷۳ - اگر کسي را وکیل در قرباني نمود در صورتي که مباشرت را شرط نکرده باشد وکیل مي تواند به ديگري وکالت دهد که قرباني را انجام دهد.

مسئله ۷۷۴ - اگر لباس حاجي در قربانگاه نجس شود بايد در صورت امکان آن را تطهير يا تعويض نماید و اگر تطهير و تعويض نکرد به احرام و ذبح او ضرر نمی زند و در هر صورت اگر در حج نائِب باشد نيابت او صحيح است هر چند او به این امر آگاه بوده است.

(بدل قرباني)

مسئله ۷۷۵ - کسي که نمی تواند قرباني کند بايد به جاي آن ده روز به تفصیلي که بيان مي شود روزه بگيرد.

مسأله ۷۷۶ - مراد از قادر نبودن از قربانی این است که نه قربانی را داشته باشد و نه پولش را و اگر می تواند بدون زحمت و مشقت قرض نماید و در مقابل آن مالی دارد که می تواند با آن قرضش را ادا کند باید قرض کند و ذبح نماید و همین طور اگر زائد بر مخارج سفر مالی دارد که می تواند با فروش آن قربانی تهیه کند باید قربانی تهیه و ذبح نماید(1).

مسأله ۷۷۷ - برای تهیه قربانی لازم نیست کسب کند ولی اگر کسب کرد و تهیه نمود باید آن را ذبح نماید.

مسأله ۷۷۸ - سه روز از ده روزی که واجب است به جای قربانی روزه بگیرد باید پی در پی و در ماه ذی حجه و بعد از احرام عمره تمتع اگر چه محل شده باشد و جایز است

---

1 امام خمینی، آیه الله فاضل: لباس را لازم نیست بفروشد هر چه باشد ولی اگر فروخت ظاهراً باید ذبح کند و احتیاطاً مستحب آن است که روزه هم بگیرد.

آن را از ابتداء ذی حجه بگیرد ولی بهتر است روز هفتم و هشتم و نهم ذی حجه باشد و زودتر از آن نگیرد(1).

مسأله ۷۷۹ - اگر نتوانست روز هفتم روزه بگیرد باید روز هشتم و نهم روزه بگیرد. و یک روز دیگر را پس از بازگشت از منی بگیرد و احتیاطاً مستحب آن است که بعد از روز سیزدهم باشد.

مسأله ۷۸۰ - جایز نیست این سه روز را در ایام تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی حجه در منی روزه بگیرد بلکه در ایام تشریق روزه در منی برای همه حرام است حتی کسی که حج بجا نمی آورد.

مسأله ۷۸۱ - اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

مسأله ۷۸۲ - جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد تا آخر ذی حجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگر چه احتیاطاً آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.

مسأله ۷۸۳ - این سه روز را در سفر می تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.

مسأله ۷۸۴ - اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن از هدیه شد لازم نیست ذبح کند لیکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

مسأله ۷۸۵ - اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی حجه تمام شد باید قربانی(2) را در سال آینده خودش یا نائیش در منی ذبح کند(3) و روزه فایده ندارد.

---

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: باید این سه روز یا کاملاً قبل از عید قربان قرار گیرد. هفتم، هشتم، نهم و یا پس از بازگشت از منی و تا آخر ذی حجه.

2 آیه الله بهجت: باید یک گوسفند در سال آینده

3 آیه الله صافی: در ذی حجه سال آینده

مسأله ۷۸۶ - اگر در مکه متمکن از سه روز روزه نشد در صورتی که ماه ذی حجه باقی است باید سه روز روزه را بگیرد هر چند در وطن خود باشد لیکن با هفت روز روزه فاصله بیندازد (1) و اگر ماه گذشته باشد به دستور مسأله قبل عمل نماید.

مسأله ۷۸۷ - هفت روز باقیمانده را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد و احتیاط مستحب آن است که پی در پی باشد.

مسأله ۷۸۸ - جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آن که بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می توانست به وطن خود مراجعت کند جایز است بجا آورد و همچنین جایز است اگر یک ماه بماند.

مسأله ۷۸۹ - در این ایام که با هواپیما سفر می کنند بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می رساند (2) صبر کند و سپس روزه بگیرد (3) ولی باید بین سه روز و هفت روز روزه فاصله بیندازد. گرچه به یک روز باشد.

مسأله ۷۹۰ - اگر قبل از مراجعت به وطن در محل دیگری غیر از مکه چه در بین راه و چه در شهر دیگری اقامت کرد نمی تواند هفت روز روزه را بگیرد (4) گرچه به مقداری صبر کند که اگر راه می پیمود به وطن می رسید ولی پس از بازگشت به وطن لازم نیست در همان جا روزه بگیرد بلکه اگر در جای دیگر قصد اقامت نمود می تواند روزه بگیرد.

مسأله ۷۹۱ - اگر از روزه گرفتن متمکن شد و قبل از آن که روزه بگیرد وفات نمود بر

1 آیه الله بهجت: فاصله لازم نیست.

2 آیات عظام: خوئی، مکارم، سیستانی: ملاک آن است که هم سفران او به وطن برسند.

3 آیه الله بهجت: فاصله لازم نیست.

4 آیه الله بهجت: مانعی ندارد در بلد دیگر روزه بگیرد، البته آن قدر که می توانست به وطن برسد صبر کند.

ولی واجب است آن سه روز را قضا (1) نماید ولی قضای هفت روز دیگر واجب نیست (2).

مسأله ۷۹۲ - کسی که وظیفه او در قربانی مبدل به روزه گردیده می تواند در روز عید حلق یا تقصیر نماید اگرچه هنوز چیزی از روزه ها را نگرفته باشد.

مستحبات قربانی

مسأله ۷۹۳ - مستحبات هدی چند چیز است: (3)

1- در صورت تمکن، قربانی شتر باشد و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.

2- قربانی بسیار فریه باشد.

3- اگر قربانی شتر یا گاو است از جنس ماده انتخاب کند و اگر گوسفند یا بز است از جنس نر انتخاب کند.

4- شتری که می خواهند او را نحر کنند، ایستاده و از سر دستها تا زانوی آن را ببندند و شخص در جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد

5- در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

6- این که خود قربانی را بکشد و اگر نتواند، دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

1 آیه الله سیستانی: قضاء هیچ کدام واجب نیست.

2 آیه الله بهجت: واجب است هفت روز را هم قضا کند.

3 آیه الله مکارم: به قصد رجاء و امید ثواب بجاورد.

## حلق یا تقصیر

ششم از واجبات حج تقصیر یا حلق است.

مسأله ۷۹۴ - هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند گرچه حلق افضل است مگر چند طائفه که مخیر نیستند:

1- زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بچیند و تراشیدن سر برای آنها کفایت نمی کند بلکه جایز نیست.

2- کسی که موی سر خود را به عسل یا صمغ یا مثل آن برای رفع شپش و مانند آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد و همچنین است کسی که موی سر خود را جمع کرده و گره زده و در هم پیچیده و بافته است (1).

3- خنثای مشکل اگر از این دو دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند و سر بتراشد و اگر از این دو گروه اخیر است باید هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً (2)

مسأله ۷۹۵ - کسی که وظیفه او سر تراشیدن است جایز نیست ابتدا موی سر را کوتاه کند و بعد آن را بتراشد و در صورتی که با علم و عمد این کار را انجام دهد کفاره دارد.

مسأله ۷۹۶ - کسی که حلق را اختیار نموده نمی تواند قبل از تراشیدن تمام سر چیزی از موی خود را بچیند یا کوتاه نماید مگر به قصد تقصیر که در این صورت با تقصیر از احرام خارج شده است.

مسأله ۷۹۷ - هرگاه کسی که وظیفه اش حلق بوده به جای آن تقصیر نماید یا اگر وظیفه او تقصیر بوده به جای آن حلق نماید کافی نیست و باید آنچه وظیفه او است از حلق یا تقصیر انجام دهد و در صورت عمد کفاره نیز بدهد.

---

1. سر تراشیدن برای چنین اشخاصی مستحب مؤکد است.

2. آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: خنثی در حکم زن است و تقصیر بر او متعین است.

آیه الله سیستانی: باید اول تقصیر نماید و آنگاه بنا بر احتیاط حلق نماید.

مسأله ۷۹۸ - کسی که سال اول حج اوست نیز می تواند به جای حلق تقصیر کند ولی احتیاط مستحب آن است که حلق را اختیار کند.

مسأله ۷۹۹ - برای حلق باید سر را بتراشد و ماشین کردن آن کافی نیست هر چند از ته بزند(1).

مسأله ۸۰۰ - کسی که وظیفه او حلق است اگر از آن معذور باشد باید تقصیر نماید و کافی است.

مسأله ۸۰۱ - کسی که حلق می کند باید تمام سر را بتراشد و تا تمام سر را نتراشیده در احرام باقی است.

مسأله ۸۰۲ - برای تقصیر کافی است قدری از موی سر یا ریش یا شارب و یا از ناخن خود بگیرد با هر وسیله ای که باشد و بهتر است هم مقداری از مو و هم مقداری از ناخن را بگیرد.

مسأله ۸۰۳ - سر تراشیدن و تقصیر از عبادات است و باید با قصد قربت و نیت خالص انجام شود و اگر به غیر از این واقع شود باطل است و با آن چیزی بر او حلال نمی شود.

مسأله ۸۰۴ - حلق یا تقصیر دیگری قبل از این که محرم خودش حلق یا تقصیر نماید جایز نیست و کفایت نمی کند (2) ولی می تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد.

مسأله ۸۰۵ - حلق یا تقصیر را می تواند خودش انجام دهد یا توسط دیگری بجا آورد و در این صورت باید خودش نیت کند و بهتر آن است که آن شخص نیز نیت کند.

مسأله ۸۰۶ - کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند و اگر هیچ مو نداشت حتی موی ابرو (3) باید ناخن بگیرند و اگر آن را هم نداشتند تیغ را به سر بکشند کافی است.

---

1. آیه الله سیستانی: اگر با ماشین ته زن بزند از حلق کفایت می کند.

2. آیه الله بهجت، امام خمینی: کفایت می کند.

3 آیه الله مکارم: کوتاه کردن موی ابرو دلیلی ندارد.

مسئله ۸۰۷ - کسی که به جهت جهل (1) یا غفلت یا فراموشی حلق یا تقصیر را در غیر منی انجام دهد کفایت می کند و از احرام خارج می شود (2) ولی اگر از روی علم و عمد باشد از احرام خارج نمی شود و اگر اعمال مکّه را انجام دهد صحیح نیست همان طور که اگر بعد از آن محرم به احرام عمره یا حج دیگر بشود احرامش منعقد نمی گردد.

مسئله ۸۰۸ - تراشیدن ریش از تقصیر کفایت نمی کند.

مسئله ۸۰۹ - برای تقصیر چیدن موی زیر بغل یا عانه کافی نیست.

مسئله ۸۱۰ - محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است مگر برای کسی که متمکن از رفتن به منی برای حلق یا تقصیر نباشد که هر جا هست باید حلق یا تقصیر کند و موی خود را به منی بفرستد (3).

مسئله ۸۱۱ - زمان حلق یا تقصیر از روز عید تا پایان روز سیزدهم است (4) اگر چه احتیاط استحبابی آن است که در روز عید باشد.

مسئله ۸۱۲ - کسی که بعد از وقوفین مجبور شده برای اعمال منی نایب بگیرد چنانچه بتواند باید برای حلق یا تقصیر به منی برود و اگر نتواند باید حلق یا تقصیر را خارج منی انجام داده و موی خود را به منی بفرستد (5) و ترتیب بین اعمال بایستی مراعات شود.

1 آیه الله فاضل: قصوری.

2 آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، بهجت، خوئی، تبریزی: کفایت نمی کند و از احرام خارج نمی شود و اگر اعمال مترتبه را انجام داده نیز صحیح نیست و اگر بعد از آن عمره یا حج دیگر بجاء آورد صحیح نیست. البته آیه الله خامنه ای متعرض حکم عمره یا حج دیگر نشده اند و آیه الله خوئی اعاده اعمال مترتبه را لازم نمی دانند.

آیه الله مکارم: فقط حلق یا تقصیر را در منی در صورت امکان اعاده نماید.

3 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

4 آیه الله سیستانی: بعید نیست تأخیر آن تا آخرین زمانی که بتواند اعمال حج را در ماه ذی حجه بجاء آورد.

5 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

مسئله ۸۱۳ - حلق یا تقصیر را می توان در شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم انجام داد (1).

مسئله ۸۱۴ - اگر عمداً یا سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن مسئله در منی حلق یا تقصیر نکرد و از آنجا کوچ کرد باید برگردد و در منی حلق یا تقصیر نماید هر چند به وطن خود برگشته باشد و اگر نمی تواند برگردد هر جا که هست حلق یا تقصیر نموده و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد (2).



## ترتیب در اعمال منی

مسأله ۸۱۵ - باید در منی اول رمی جمره عقبه و بعد از آن ذبح و پس از آن حلق یا تقصیر نماید (3) ولی اگر این ترتیب را رعایت نکرد اعاده لازم نیست (4) هر چند معذور نبوده باشد، ولی در این صورت معصیت کرده است.

مسأله ۸۱۶ - اگر به هر جهت قربانی را از روز عید تأخیر انداخت می تواند در روز عید حلق یا تقصیر نماید و با این کار از احرام خارج می گردد ولی اعمال مکه را باید پس از قربانی کردن انجام دهد.

مسأله ۸۱۷ - اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد تا وکیل او قربانی نکرده، نمی تواند حلق کند ولی اگر با اعتقاد به این که وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد

---

1 آیه الله سیستانی: حلق در شب عید جایز نیست مگر برای خانف و به احتیاط مستحب از روز عید تأخیر نشود ولی بعد از عید در شب هم کافی است.

2 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

3 آیه الله سیستانی: در صورتی که قربانی را در منی تهیه کرده می تواند قبل از ذبح حلق یا تقصیر کند ولی تا ذبح نکند محل نمی شود.

4 آیه الله گلپایگانی: در صورت علم و عمد و امکان باید اعاده نماید.

ظاهر مناسک آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: این است که اگر ذبح را از روی علم و عمد قبل از رمی انجام دهد باید اعاده کند.

معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است (1) و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسأله ۸۱۸ - کسی که از رمی در روز عید عاجز است نمی تواند قبل از رمی حلق کند و رمی را بعداً انجام دهد (2).

## خروج از احرام با حلق یا تقصیر

مسأله ۸۱۹ - بعد از آن که محرم حلق یا تقصیر نمود تمام چیزهایی که بواسطه احرام حج بر او حرام شده حلال می شود مگر زن و بوی خوش به تفصیلی که خواهد آمد. اما شکار کردن اگر در خارج حرم باشد بعید نیست جواز آن (3) و اما در حرم حرمت آن باقی است و فرقی بین محرم و غیر محرم نیست.

## مستحبات حلق

مسأله ۸۲۰ - در حلق چند چیز مستحب است:

1- آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

2- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد(4).

---

1 آیه الله سیستانی: ولی او هنوز محرم است و باید لباس دوخته را بیرون آورد و از سایر محرمان احرام اجتناب کند و با ذبح محل می شود و همچنین در قسمت بعد مسأله.

2 آیه الله مکارم: لازم است بقیه اعمال خود را روز عید انجام دهد.

3 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: حرمت صید خارج حرم نیز باقی است تا بعد از نماز طواف نساء.

4 آیه الله بهجت: مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند... و احوط آن است که از اطراف سروریش و شارب مو بگیرد و ناخنهارا بگیرد (مناسک شیخ، ص ۷۹).

### فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی

واجب است پس از رمی و قربانی کردن و حلق یا تقصیر در منی به مکه بازگردد و اعمال ذیل را انجام دهد.

1- طواف حج که به آن طواف زیارت نیز می گویند.

2- نماز طواف زیارت.

3- سعی بین صفا و مروه

4- طواف نساء

5- نماز طواف نساء.

مسأله ۸۲۱ - وقت اعمال مذکور تا آخر ذی حجه ادامه دارد به این معنی که می تواند روز آخر ذی حجه به مکه بیاید و این اعمال را انجام دهد ولی بهتر است از روز یازدهم تأخیر نیندازد و مستحب است در روز عید قربان انجام دهد و چنانچه گذشت باید پس از اعمال منی یعنی رمی و قربانی کردن و حلق یا تقصیر باشد.

مسأله ۸۲۲ - طواف نساء اختصاص به شخص خاصی ندارد بلکه بر زن و خنثی و کسی که به جهت پیری یا عین بودن توانایی جنسی ندارد یا قصد ازدواج ندارد و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیلی که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال

نمی شود بلکه طفل غیر ممیز، اگر ولیّ او را مُحرم کرد باید او را طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن استمتاع از همسر بر او حلال شود(1).

مسأله ۸۲۳ - طواف نساء و نماز آن اگر چه واجب است ولی رکن نیست و ترک

---

1 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: تا جماع بر او حلال شود.

آیه الله فاضل، آیه الله گلپایگانی: مجنون را نیز اگر محرم کرده اند طواف نساء بدهند تا در صورت افاقه، زن یا مرد بر آنها حلال شود. آیه الله فاضل اضافه فرمودند و همین طور است مغمی علیه.

عمدی آن موجب بطلان حج نمی شود.

مسأله ۸۲۴ - خروج از مکه برای کسی که از منی برگشته ولی هنوز اعمال مکه را انجام نداده جایز است(1).

مسأله ۸۲۵ - قبل از حلق یا تقصیر جایز نیست طواف و سعی را انجام دهد و اگر انجام داد باید پس از حلق یا تقصیر آن را اعاده کند و در این حکم فرقی نیست که تقدیم طواف و سعی با علم و عمد بوده یا به جهت جهل یا فراموشی (2) بلی در صورتی که با علم و عمد طواف را مقدم کرده باید یک گوسفند کفاره بدهد ولی اگر سعی تنها را مقدم نموده کفاره ندارد.

مسأله ۸۲۶ - اگر پس از طواف حج و سعی و طواف نساء متوجه شود که حلق یا تقصیرش باطل بوده باید پس از اعاده حلق یا تقصیر اعمال مذکور را نیز اعاده نماید(3).

مسأله ۸۲۷ - کسی که حلق یا تقصیر را فراموش کرده و به وطن خود بازگشته باید برگردد و پس از حلق یا تقصیر، اعمال مترتبه را اعاده کند (4). و اگر نمی تواند خودش به مکه برگردد در وطن خود حلق یا تقصیر کند و موی خود را به منی بفرستد (5) و برای اعمال مکه نائب بگیرد.

مسأله ۸۲۸ - کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت، بدون هیچ تفاوت، مگر در نیت

---

1 آیه الله خوئی: جایز نیست.

2 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: اعاده طواف و سعی در فرض جهل و نسیان و سهو احتیاط استحبابی است.

3 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: در فرض جهل و سهو و نسیان اعاده اعمال مترتبه لازم نیست.

4 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: اعاده اعمال مکه لازم نیست.

5 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء بجا آورد.

مسأله ۸۲۹ - آنچه با احرام حج بر محرم حرام شده بود به تدریج با سه عمل بر او حلال می‌گردد.

اول: حلق یا تقصیر در منی که با آن همه چیز برای او غیر از بوی خوش و زن (1) حتی عقد کردن و شاهد شدن بر آن حلال می‌شود.

دوم: طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه که با آن بوی خوش بلکه عقد کردن و شاهد شدن بر آن نیز حلال می‌شود.

سوم: طواف نساء و نماز آن که با آنها استمتاع از همسر نیز حلال می‌شود.

تقدیم اعمال مکه بر وقوفین

مسأله ۸۳۰ - مقدم داشتن اعمال مکه بر وقوفین و اعمال منی جایز نیست مگر برای چند گروه که می‌توانند بعد از احرام حج و قبل از رفتن به عرفات این اعمال (2) را انجام دهند.

اول: زنهایی که می‌ترسند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

دوم: پیرمردان یا پیرزنانی که نتوانند (3) به مکه مراجعت نمایند یا به جهت ازدحام

---

1 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و صید.

آیه الله سیستانی: عقد و شهادت بر آن با حلق یا تقصیر جایز می‌شود.

2 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: تقدیم طواف نساء و نماز آن برای اشخاصی که ذکر می‌شود جایز نیست و اگر نتوانند پس از اعمال منی آن را انجام دهند بنابر احتیاط واجب نایب بگیرند مگر کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می‌ترسد که چنین کسی می‌تواند طواف نساء و نماز را مقدم بدارد. آیه الله خوئی: و تقدیم سعی نیز جایز نیست).

3 آیه الله فاضل: و نتوانند صبر کنند تا ازدحام تمام شود یا صبر کردن مستلزم عسر و حرج باشد.

آیه الله سیستانی: یا برای آنان دشوار باشد.

جمعیت نتوانند طواف کنند.

سوم: اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا از آن عاجز باشند (1)

چهارم: کسانی که می‌دانند (2) تا آخر ماه ذی الحجه، به جهتی برای آنها طواف و سعی ممکن نمی‌شود ولی اگر ترس آن را داشته باشند که پس از مراجعت در اثر ازدحام نتوانند طواف کنند و یا به مشقت بیفتند نمی‌توانند اعمال مکه را مقدم نمایند (3).

مسأله ۸۳۱ - نایب اگر از اشخاصی باشد که در مسأله قبل گذشت می‌تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد و نیابتش صحیح است.

مسأله ۸۳۲ - کسی که طواف حج را به جهت جهل به مسأله انجام نداده و به وطن خود بازگشته باید حج را اعاده و یک شتر قربانی نماید هر چند با زن نزدیکی نکرده باشد.

مسأله ۸۳۳ - کسی که می تواند اعمال مکه را بر وقفین مقدم بدارد نمی تواند طواف و سعی را تأخیر انداخته و بعد از بازگشت از منی انجام دهد.

مسأله ۸۳۴ - کسی که اعمال مکه را بر وقفین مقدم می کند می تواند طواف نساء را پس از وقفین و اعمال دیگر انجام دهد (4).

مسأله ۸۳۵ - تقدیم اعمال مکه بر وقفین در مواردی که گذشت، جایز است و

---

1 آیه الله سیستانی: مریض یا معلول و هر کسی که بازگشت به مکه برای او مشکل باشد، یا طواف مشکل باشد در اثر ازدحام و مانند آن.

آیه الله فاضل: و نتوانند تا رفع ازدحام در مکه بمانند یا با عسر و حرج مواجه شوند.

2 آیه الله سیستانی: کسانی که می ترسند برای آنها بازگشت به مکه میسر نشود.

3 آیه الله بهجت: تقدیم اعمال مکه برای کسی که پس از بازگشت از منی از ازدحام جمعیت می ترسد جایز است.

4 آیه الله مکارم: باید آن را هم مقدم نماید.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: چنانچه گذشت طواف نساء را نمی تواند مقدم بدارد مگر کسی که از بازگشت به مکه از جان خود می ترسد. آیه الله خویی: و نیز گذشت که تقدیم سعی مجزی نیست).

لازم نمی باشد (1).

مسأله ۸۳۶ - کسانی که اعمال مکه را بر وقفین مقدم می دارند لازم نیستند نزدیک ترین زمان به وقفین آن اعمال را انجام دهند.

مسأله ۸۳۷ - کسی که پس از بازگشت از منی نمی تواند خودش طواف کند و باید او را با تخت روان و مانند آن طواف دهند اگر با مقدم کردن اعمال مکه بر وقفین بتواند خودش طواف کند می تواند اعمال یادشده را مقدم بدارد ولی اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیز ندارد نمی تواند مقدم بدارد.

مسأله ۸۳۸ - در مواردی که اعمال مکه مقدم می شود اگر بدون این که برای حج احرام ببندد اعمال مکه را انجام داد کفایت نمی کند و باید پس از احرام قبل از وقفین یا بعد از آن، آن اعمال را اعاده نماید.

مسأله ۸۳۹ - کسی که می تواند با تأخیر، اعمال مکه را خودش انجام دهد نمی تواند برای آنها نائب بگیرد.

مسأله ۸۴۰ - معیار در این که شخص از کسانی است که تقدیم اعمال مکه بر آنها جایز است تشخیص خود اوست نه دیگران.

مسأله ۸۴۱ - سه طائفه اول اعمالی را که جلو انداخته اند کافی است اگر چه بعد خلاف آن ظاهر شود مثلاً زن حیض نشود و مریض خوب شود و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط است.

. [آیه الله تبریزی: مگر این که بدانند یا اطمینان داشته باشند چنانچه اعمال مکه را بر وقوفین مقدم نکنند بعد امکان انجام آن را ندارند که در این صورت واجب است طواف و نماز آن را مقدم کنند و بنا بر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم و بعد اعاده کنند.

آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: مگر برای کسی که یقین دارد بعد از برگشتن (از منی و تا آخر ذی الحجه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم واجب است.

آیه الله سیستانی: اگر زن می داند بعداً حیض می شود و نمی تواند اعمال را انجام دهد باید قبل از وقوف انجام دهد.

مسأله ۸۴۲ - طائفه چهارم که عقیده داشت نمی تواند اعمال بجا آورد اگر از جهت مرض (1) و پیری و عللی بود باز مجزی است و اما اگر از جهت دیگر بود مثل آن که اعتقاد داشت سیل مانع می شود و بعد خلافتش ظاهر شد باید اعاده کند (2) اعمال را، بعد از رجوع.

مسأله ۸۴۳ - کسانی که به واسطه عذر مثل پیری و خوف حیض طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی شود و تمام محرّمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

#### ترتیب اعمال مکه

مسأله ۸۴۴ - ترتیب بین اعمال مکه در حال اختیار معتبر است بنا بر این مقدم داشتن سعی بر طواف زیارت یا مقدم داشتن طواف نساء بر طواف زیارت یا بر سعی جایز نیست و اگر مقدم داشت باید اعاده نماید تا ترتیب حاصل شود مگر این که سهواً یا به جهت ندانستن مسأله، طواف نساء را بر سعی مقدم کند که در این صورت طواف و سعی صحیح است اگر چه احتیاط مستحب آن است که طواف نساء را اعاده نماید.

مسأله ۸۴۵ - در حال ضرورت مقدم نمودن طواف نساء بر سعی جایز است مانند این که زن بترسد حیض شود و نتواند تا زمان پاک شدن در مکه بماند ولی احتیاط مستحب آن است که نائب بگیرد که بعد از آن بجا آورد.

. [آیه الله صافی: اگر بعد از مراجعت خلاف یقینی که داشت ظاهر شد اعاده لازم است بدون تفاوت بین صور مذکوره.

آیه الله فاضل: و اگر احتمال حدوث مرض را می داد و بعداً مرض حادث نشد مجزی نیست.

### ترک طواف

مسئله ۸۴۶ - اگر طواف نساء را عمداً یا به جهت عذری مانند فراموشی ترک نماید و به وطن خود مراجعت نماید باید اگر می تواند برگردد و خودش انجام دهد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد، نائب بگیرد و تا طواف و نماز آن را خودش یا نایبش به جا نیاورده استمتاع از همسر بر او حلال نمی شود (1) و در هر صورت حج او باطل نمی شود و به جهت ترک طواف نساء کفاره بر او نیست.

مسئله ۸۴۷ - کسی که طواف زیارت را فراموش کرده و به وطن بازگشته و با زن نزدیکی نموده باید یک هدی در مکه قربانی کند (2) و گوسفند کافی است و اگر می تواند خودش بازگردد و طواف و نماز آن را انجام دهد و چنانچه ذی حجه نگذشته سعی را نیز اعاده نماید و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نائب بگیرد.

### بطلان طواف حج

مسئله ۸۴۸ - کسی که طواف حج را باطل انجام داده مثل این که آن را بدون وضو یا با وضوء باطل بجا آورده چنانچه این کار سهوی بوده باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر نمی تواند نائب بگیرد و حج او صحیح است هر چند پس از گذشتن ذی حجه متوجه شده باشد و اگر این کار به جهت جهل به مسئله بوده چنانچه ماه ذی حجه باقی است باید طواف حج و سعی و طواف نساء و نماز آنها را تدارک کند و حج او صحیح است و اگر ماه ذی حجه گذشته حج و احرامش باطل است و چنانچه حج بر او واجب بوده باید در سال بعد اعاده نماید.

1 امام خمینی: اگر پس از بازگشت با زنش نزدیکی کرده یک هدی در مکه قربانی کند.

2 آیه الله فاضل: اگر با استمرار فراموشی با زن نزدیکی کرده کفاره ندارد.

آیه الله مکارم: قربانی کردن گوسفند و اعاده سعی احتیاط مستحب است.

### احکام طواف نساء

مسئله ۸۴۹ - کسی که چند عمره مفرده یا حج انجام داده و در هیچ کدام طواف نساء مستقل به جا نیاورده باید برای هر کدام یک طواف نساء مستقل انجام دهد (1).

مسأله ۸۵۰ - نایب باید طواف نساء را نیز به نیت منوب عنه بجاورد و احتیاط مستحب آن است که به نیت ما فی الدمه انجام دهد.

مسأله ۸۵۱ - فاصله انداختن بین سعی و طواف نساء جایز است.

مسأله ۸۵۲ - اگر قصد کند طوافی را که پس از انجام طواف و سعی بر مکلف واجب است انجام دهد طواف او صحیح است هر چند نداند که عنوان او طواف نساء است بلکه خیال کند عنوان دیگری دارد مثل این که تصور کند طواف واجب بر زن طواف رجال است.

مسأله ۸۵۳ - تا طواف نساء و نماز آن انجام نشده حرمت استمتاع از همسر باقی است ولی اگر پس از شوط چهارم (۲) با همسرش مواجهه کند کفاره ندارد و در این حکم فرقی بین طواف نساء حج و عمره مفرده نیست.

مسأله ۸۵۴ - اگر شک کند طواف نساء را در حج یا عمره انجام داده یا نه باید طواف نساء را انجام دهد (۳) و اگر به وطن بازگشته و نمی تواند برگردد یا مشقت دارد نایب بگیرد (۴).

---

۱ آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی: یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند.

آیه الله خامنه ای: ولی حصول تحلل با یک طواف نساء بعید نیست.

۲ آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: شوط پنجم.

۳ آیه الله خویی و آیه الله تبریزی: اگر شک بعد از عمل مواجهه با زوجه برایش حاصل شده به آن اعتنا ننموده و بنا بر انجام آن گذارد.

۴ آیات عظام: مکارم، گلپایگانی، صافی: در فرضی که التفات به وجوب آن داشته و پس از مراجعت از مکه شک کند طواف نساء را انجام داده یا نه فرمودند انجام طواف نساء لازم نیست.

مسأله ۸۵۵ - کسی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم داشته اگر نتوانست طواف نساء (۱) را مقدم بدارد مثل این که زن بعد از طواف و سعی حائض شد نمی تواند نایب بگیرد بلکه وظیفه اش آن است که طواف نساء را بعد از بازگشت از منی انجام دهد.

مسأله ۸۵۶ - نایب در حج یا عمره مفرده اگر طواف نساء را ترک کند استمتاع از همسر برای او حلال نمی شود و بر او واجب است تا زنده است خودش آن را انجام دهد و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

مسأله ۸۵۷ - اگر طواف نساء را در عمره مفرده یا حج ترک کند و برای عمره تمتع یا مفرده یا حج محرم شود احرام جدید او صحیح می باشد ولی باید طوافی را که ترک نموده قبل یا بعد از اعمال احرام جدید انجام دهد و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء احرام دوم از آن کفایت نمی کند (۲).

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی (۳)

مسأله ۸۵۸ - مستحباتی که در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:



«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَيَّ تُسْكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمَهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تُعْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلْدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بَيْنَكَ جُنْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَبِعاً لِمَرْكَ رَاضِياً بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِمَرْكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُفُوبَتِكَ أَنْ

---

1 آية الله خویی و آية الله تبریزی: گذشت که غیر از کسی که از بازگشت به مکه بر جان می ترسد نمی تواند طواف نساء را مقدم کند.

2 آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی: کفایت می کند.

3 آية الله مکارم: این اعمال را به قصد رجا و امید مطلوبیت بجا آورد.

تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

پس به نزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

فصل ششم: بیتوته در منی

مسأله ۸۵۹ - حاجی باید شب یازدهم و شب دوازدهم ذی الحجه را در منی بیتوته نماید یعنی از اول شب تا بعد از نیمه شب یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در منی بماند(1). و این بیتوته از عبادات است و باید با قصد قربت و با نیت خالص انجام شود.

مسأله ۸۶۰ - چند گروه باید در شب سیزدهم نیز در منی بیتوته نمایند:

1- کسی که در احرام عمره تمتع یا حج شکار کرده هرچند او را نکشته باشد ولی اگر غیر از شکار کردن چیزهای دیگری از شکار که بر محرم حرام است مثل خوردن گوشت آن انجام دهد بیتوته شب سیزدهم بر او واجب نیست.

2- کسی که در احرام عمره تمتع یا حج با زن خود یا اجنبیه در قُبُل یا دُبُر نزدیکی کرده باشد ولی به خاطر غیر جماع و لمس، بیتوته شب سیزدهم واجب نمی شود(2).

3- کسی که روز دوازدهم کوچ نکرد و غروب شب سیزدهم را در منی درک کرد(3).

مسأله ۸۶۱ - چند گروه هستند که واجب نیست در شبهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم در منی بمانند:

---

1 آیات عظام: بهجت، امام، گلپایگانی، صافی: بیتوته در منی از غروب آفتاب است تا نصف شب. آية الله بهجت فرمودند تا بعد از نیمه شب.

2 آية الله گلپایگانی، آية الله صافی: کسی که از استمتاع از زنها اجتناب نکرده باید شب سیزدهم بیتوته نماید

3 آیه الله سیستانی: که در این صورت باید تا طلوع فجر در منی باشد.

1- بیماران و پرستاران آنها و همین طور کسانی که ماندن در منی برایشان مشقت داشته باشد به هر عذری که باشد.

2- کسانی (1) که می ترسند اگر شب در منی بیتوته نمایند مال قابل توجهی از آنها در مکه از بین برود.

3- چوپان هایی که حیوانات آنان احتیاج به چرا در شب دارند (2).

4- کسانی (3) که شب را از مغرب تا طلوع فجر در مکه بیدار و مشغول عبادت باشند و کار دیگری انجام ندهند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو. (4)

5- کسانی که در مکه متکفل آب دادن به حجاج هستند (5).

مسأله ۸۶۲ - اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند (6) و رمی روز سیزدهم بر او

1 آیه الله سیستانی: کسی که در صورت بیتوته نمودن در منی بر جان یا مال یا آبروی خود بترسد.

2 آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: این مورد و مورد بعد مستثنی نیست.

آیه الله مکارم: به طوری که ترک آن موجب ضرر یا زحمت شدید باشد.

3 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: کسی که در مکه تمام شب و یا باقیمانده از شب اگر بعد از دخول در شب از منی خارج شده و مشغول به عبادت بوده، بجز حاجت ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آنها کار دیگری نداشته.

آیه الله سیستانی: کسی که از منی، اول شب یا پیش از آن بیرون رفته و در مکه در تمام مدت نیمه دوم شب تا طلوع فجر، بجز اندک زمانی که برای حوائج ضروری مانند خوردن و آشامیدن و امثال آن لازم است، مشغول به عبادت شده و اشتغال به آن او را از برگشتن به منی باز داشته است.

4 آیه الله بهجت: و از امور ضروریه نوم غالب است.

5 آیه الله مکارم: یا متکفل سایر کارهای لازم برای حجاج هستند.

6 آیه الله فاضل: و نیز کسی که بعد از ظهر دوازدهم کوچ کند و قبل از غروب برای کاری به منی برگردد و تا غروب بماند واجب نیست شب سیزدهم را بماند و همچنین رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

واجب نمی شود.

مسأله ۸۶۳ - کسی که نیمه اول شب یا مقداری از آن را در منی نبود واجب است قبل از نیمه شب به منی برگردد و تا طلوع فجر در منی بماند.

مسأله ۸۶۴ - نیمه شب در بیتوته منی را باید از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب کنند(1).

مسأله ۸۶۵ - اشتغال به عبادت لازم نیست در مسجدالحرام یا مساجد دیگر باشد بلکه هر جای شهر مکه باشد کافی است.

مسأله ۸۶۶ - اشتغال به عبادت در غیر مکه کافی نیست مگر برای کسی که بعد از طواف خانه خدا در عبادت خود باقیمانده سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدینین گذشته باشد چنین شخصی می تواند در راه بیتوته کند و لازم نیست خود را به منی برساند.

مسأله ۸۶۷ - کسی که بیتوته در منی را در شبی که واجب است بماند ترک کند باید برای هر شب آن یک گوسفند قربانی کند و در این حکم فرقی نیست که ترک بیتوته از روی علم و عمد باشد یا به خاطر فراموشی یا جهل به حکم یا موضوع، مانند این که در مکانی به اعتقاد این که از منی است بیتوته کند و بعد خلاف آن ثابت شود.

مسأله ۸۶۸ - گروه هایی را که قبلاً در مسأله ۸۶۱ گفته شد که بیتوته در منی بر آنها واجب نیست باید برای ترک بیتوته در منی یک گوسفند قربانی کنند مگر کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بوده اند و در منی بیتوته نکرده اند و همچنین کسانی که از مکه بیرون رفته و از عقبه مدینین گذشته و در راه بیتوته نموده اند (2) که بر آنها نیز قربانی واجب نیست.

مسأله ۸۶۹ - کسی که شب را در مکه به عبادت مشغول است و خواب بر چشمان او

---

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: از مغرب تا طلوع فجر حساب کنند.

2 نظر آیات عظام خامنه ای، مکارم، صافی، فاضل در فرض اخیر نسبت به کفارہ یافت نشد.

غالب می شود، (1) چنانچه به قدری کم باشد که با وجود آن صدق کند که تمام شب را به عبادت مشغول بوده کافی است و کفارہ لازم نیست.

مسأله ۸۷۰ - اگر مسؤول کاروان برای بیتوته اشتباهاً حجاج را در غیر منی ساکن کند و بعد متوجه شود باید برای ترک بیتوته خودش کفارہ بدهد ولی اعلام به دیگران واجب نیست و اگر متوجه شدند کفارہ بر عهده خود آنان است ولی چنانچه مسؤول کاروان اجیر آنها شده و اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوت دارد در مقدار تفاوت باید رضایت حجاج تحصیل شود.

مسأله ۸۷۱ - هرگاه حاجی در محلی که احراز کرده جزء منی است بیتوته نماید و پس از آن شک کند که بیتوته در منی بوده یا نه کفارہ ای بر او نیست مگر این که یقین کند که بیتوته اش خارج منی بوده است.

مسأله ۸۷۲ - گوسفندی را که باید برای کفارہ قربانی کنند لازم نیست در محل خاصی مثل منی ذبح کنند بلکه می توانند پس از مراجعت به محل خود قربانی کنند و همین طور لازم نیست شرائط قربانی در حج را داشته باشد.

مسأله ۸۷۳ - کسی که فقط قسمتی از نیمه اول شب را یا فقط قسمتی از نیمه دوم را یا فقط قسمتی از نیمه اول و بخشی از نیمه دوم را در منی مانده باید کفارہ بدهد (2) و کفارہ در ناسی و جاهل مبنی بر احتیاط است.

مسأله ۸۷۴ - حاجي مي تواند بعد از ظهر روز عيد براي انجام اعمال مکه از مني خارج شود هر چند بداند به واسطه اين کار ساعتی از اول شب براي بيتوته به مني نمي رسد (3). ولي در اين صورت لازم است نيمه دوم شب را در مني بيتوته کند.

---

1] آية الله بهجت: كفاره ندارد.

2] آية الله گلپایگانی، آية الله صافي: کسی که براي انجام اعمال به مکه آمده و نتوانسته خود را تا گذشت قسمتی از شب به مني برساند، بر او كفاره واجب نیست، اگر چه بعد از نيمه شب به مني رسیده باشد. و در مسأله ۹۳۸ آداب حج مي فرمایند: در صورت عذر كفاره واجب نیست.

3] امام خمینی: خارج شدن از مني در فرض مذکور مانع ندارد ولي براي تأخير بايد كفاره بدهد.

#### فصل هفتم: رمي جمرات سه گانه

روزهاي يازدهم و دوازدهم ذي حجه حاجي بايد جمرات سه گانه (جرمه اولي، وسطي، عقبه) را رمي کند و همين طور است روز سيزدهم براي کسی که بايد شب آن را در مني بيتوته نمايد ولي چنانچه رمي را در روزهاي مذکور ترک کند حج او صحيح است و در صورتی که بدون عذر ترک کرده معصيت نموده است.

مسأله ۸۷۵ - تعداد سنگريزه هايی که بايد هر روز به هريک از جمرات سه گانه بزند هفت سنگ است و کيفيت رمي و شرائط و واجبات آن همان گونه است که در رمي جمره عقبه گذشت.

مسأله ۸۷۶ - وقت رمي از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزي است که شب آن را بيتوته نموده است.

مسأله ۸۷۷ - حاجي مي تواند رمي جمرات سه گانه در ايام تشریق را قبل از ذبح و حلق يا تقصير انجام دهد.

مسأله ۸۷۸ - رمي در شب کفايت نمي کند مگر براي کسی که از رمي در روز معذور باشد (1) مانند بیمار و عليل و شبان و کسی که از چیزی مثل از دحام جمعيت مي ترسد و اين افراد بايد رمي (2) را در شب آن روز يا شب بعد آن انجام دهند و نائب

---

1] آية الله سيستاني: واجب است رمي جمرات در روز باشد و از اين حکم چوپانان و هر کسی که از ماندن روز در مني معذور است به علت ترس يا مرض يا چیز دیگری استثناء مي شود که براي آنان جايز است رمي هر روزي را در شب آن روز انجام دهند و اگر اين هم نتوانند جايز است رمي همه روزها را در یک شب جمع کنند و اما زنان، ضعفاء، مريضها و مثل آنان که در روز به خاطر کثرت جمعيت يا چیز دیگر نمي توانند رمي کنند، بايد براي رمي در روز نائب بگيرند.

2] آية الله گلپایگانی، آية الله صافي: بايد رمي هر روز را در شب آن روز انجام دهند و اگر اين را هم نتوانند جايز است رمي همه روزها را در یک شب جمع کنند.

آية الله خوئی، آية الله تبریزی: چنین کسانی رمي را شب آن روز انجام دهند.

گرفتن کافي نيست(1).

مسأله ۸۷۹ - حاجي بايد به ترتيب ابتدا جمره اولي و سپس جمره وسطي و در آخر جمره عقبه را رمي نمايد و اگر عمداً يا به جهت فراموشي بر خلاف اين عمل نمايد بايد رمي را به طوري اعاده کند تا ترتيب حاصل شود. مثلاً اگر ابتدا جمره وسطي را رمي کرد و بعد اولي را بايد دوباره جمره وسطي را رمي نمايد و تکرار رمي جمره اولي لازم نيست.

مسأله ۸۸۰ - اگر چهار سنگ ريزه به يك جمره بزند و به جهت فراموشي (2) يا ندانستن مسأله آن را رها کرده و جمره بعد را رمي نمايد لازم نيست رمي جمره سابق را اعاده نمايد بلکه اگر سه ريگ باقي مانده را به آن جمره بزند کافي است.

مسأله ۸۸۱ - بعد از رمي هر سه جمره اگر يقين کند که يك يا دو يا سه سنگ به يکي از سه جمره نزده و نداند که کدام جمره را ناقص گذارده بايد مقداري را که انجام نداده در هر سه جمره تکرار کند.

مسأله ۸۸۲ - کسي که بعد از رمي سه جمره يقين کند به يکي از آنها کمتر از چهار سنگ زده چنانچه مقداري را که ناقص گذارده به جمره عقبه بزند اکتفا به آن بعيد نيست(3).

مسأله ۸۸۳ - جمرات را از هر طرف مي توان رمي نمود ولي مستحب است در اولي و وسطي رو به قبله بایستد و رمي کند و در جمره عقبه پشت به قبله بایستد و رمي کند.

1 امام خميني: مي توانند در روز نایب بگیرند.

2 در عبارت آیه الله بهجت اين حکم مقيد به جهل و فراموشي نشده است.

آیه الله خوئي آیه الله تبريزي: اين حکم در خصوص کسي است که به جهت فراموشي رمي را ناقص گذارده.

3 آیه الله سيستاني: اگر بعد از غروب آفتاب شک کند جايز است اکتفا به کسري جمره آخري و اگر قبل از آن باشد بايد کسري همه را به ترتيب جبران کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافي: در اين صورت بايد رمي هر سه جمره را به ترتيب از سر بگیرد.

مسأله ۸۸۴ - سنگ ريزه هايي را که معلوم است از خارج مشعر به آنجا آورده شده است اگر طوري است که عرفاً جزء مشعر محسوب مي شود مي توان از آن براي رمي استفاده کرد و در غير اين صورت بايد احراز شود که از حرم آورده شده و الا نمي توان با آن رمي نمود.

مسأله ۸۸۵ - در موقعيت فعلي که جمرات توسعه يافته به هر جاي آن رمي شود کفايت مي کند(1).

نيايت در رمي

مسأله ۸۸۶ - کسي که به واسطه بيماري يا عذر ديگر نتواند رمي نمايد چنانچه از برطرف شدن عذر مأیوس باشد بايد براي رمي نایب بگیرد و اگر از نایب گرفتن نیز معذور است مثل بيهوش و طفل کوچک ولي او يا شخص ديگري (2) براي او رمي

مي کند و اگر پس از رمي عذر برطرف شد اعاده رمي لازم نيست چنانچه اميد آن باشد که عذر برطرف شود نيابت جايز است ولي اگر عذر برطرف شد بايد رمي توسط خودش اعاده شود.

مسأله ۸۸۷ - نيابت از طرف معذور بدون اذن او کافي نيست (3) مگر اين که از نائِب گرفتن معذور باشد مثل بيهوش و طفل.

مسأله ۸۸۸ - اگر عذر منوب عنه در اثناء رمي نائِب برطرف شد بايد خودش رمي را از سر بگيرد و اکتفا کردن به مقداري که نائِب عمل کرده مشکل است.

---

1 آیات عظام: تبريزي، سيستاني، خويي: اگر ديوار موجود مشتمل بر ستون سابق باشد و تشخيص آن هر چند با کمک اهل خبره قبل از رمي ميسور باشد بايد همان قسمت را رمي کند و اگر ميسور نباشد به احتياط واجب بايد رمي را تکرار کند مگر مقداري که مستلزم عسر و حرج يا ضرر است.

2 آية الله مکارم: در سال بعد هم نائِب بگيرد.

3 امام خميني، آية الله فاضل: با يأس از برطرف شدن عذر کفايت مي کند.

مسأله ۸۸۹ - بهتر است اگر ممکن است شخص معذور را به محل رمي ببرند و در حضور او رمي کنند و اگر مي شود سنگ را در دست او قرار دهند و رمي کنند (1).

مسأله ۸۹۰ - کسي که در هنگام صبح از رمي معذور است ولي مي داند بعد از ظهر عذر او برطرف مي شود مي تواند نائِب بگيرد.

مسأله ۸۹۱ - کسي که از رمي معذور است نمي تواند شخصي را که از رمي در روز عاجز است نائِب بگيرد تا در شب براي او رمي کند بلکه در صورت امکان بايد کسي را نائِب کند که در روز براي او رمي نمايد و اگر ممکن نشد بنا بر احتياط واجب خودش رمي را در روز بعد قضا کند و اگر نتوانست (2) نائِب بگيرد.

مسأله ۸۹۲ - کسي که براي رمي جمرات نائِب مي شود لازم نيست اول براي خودش سه جمره را رمي نمايد و سپس به نيابت ديگران، بلکه مي تواند هر جمره را براي خود و به نيابت ديگران رمي نمايد.

مسأله ۸۹۳ - مردی که براي رمي از طرف زن نائِب شده بايد رمي را در روز انجام دهد و در شب کافي نيست.

مسأله ۸۹۴ - اگر زن احتمال مي دهد رمي باعث قاعدگي او شود (3) نمي توان بر آن نائِب بگيرد مگر اين که در اثر آن به مشقت بيفتد (4).

شک در رمي

مسأله ۸۹۵ - اگر شک کند که رمي روز قبل را انجام داده يا نه به شک خود

---

1 آية الله گليايگاني، آية الله صافي: اگر ممکن است مريض سنگها را با دست بگیرد و دیگری برای او رمی کند.

2 آية الله فاضل: نائب گرفتن کسی که از رمی در روز عاجز است صحیح است.

3 آية الله تبریزی: قاعدگی مجوز استنابه برای رمی نیست و اگر قبل از وقوف به عرفه می ترسد که رمی باعث قاعدگی شود و نتواند طواف کند باید طواف و نماز آن را مقدم بدارد.

4 آية الله سیستانی: مجرد احتمال وقوع در مشقت مجوز استنابه نیست.

اعتنا نکند.

مسأله ۸۹۶ - اگر پس از رمی شک کند که آن را صحیح انجام داده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۹۷ - کسی که مشغول به رمی جمره ای از جمرات است و شک کند که جمره سابق را رمی نموده یا نه؟ به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۹۸ - اگر قبل از مشغول شدن به رمی جمره بعد شک کند که جمره ای که رمی کرده هفت سنگ زده یا کمتر باید مقداری را که احتمال می دهد ناقص گذارده بیاورد تا یقین کند هفت سنگ زده است هر چند این شک پس از انصراف از عمل و مشغول شدن به کارهای دیگر باشد(1).

مسأله ۸۹۹ - اگر بعد از مشغول شدن به جمره بعدی در عدد آن شک نماید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۹۰۰ - کسی که در عدد سنگها شک دارد اگر رمی را از سر بگیرد و هفت سنگ بزند کافی است.

زیاده در رمی

مسأله ۹۰۱ - کسی که از ابتداء قصدش این باشد که بیش از هفت سنگ به جمره بزند رمی او صحیح نیست (2) و باید اعاده کند ولی اگر پس از زدن هفت سنگ قصد کند که چند سنگ دیگر اضافه بزند رمی او باطل نمی شود.

---

1 آية الله مکارم، آية الله بهجت: در فرض اخير اعتنا نکند.

آية الله سیستانی: اگر شک بعد از انصراف و صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند.

2 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: در فرض تحقق قصد قربت رمی صحیح است.

مسأله ۹۰۲ - براي حاجي مستحب است که روز يازدهم و دوازدهم و سيزدهم را در مني بماند و حتي به جهت طواف مستحب از مني بيرون نرود و تکبير گفتن در مني بعد از پانزده نماز و در غير مني بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عيد است مستحب مي باشد و بعضي آن را واجب دانسته اند و بهتر در کيفيت تکبير آن است که بگويد:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا.»

و مستحب است مادامي که در مني اقامت دارد نمازهاي واجب و مستحب را در مسجد خيف بجا آورد و در حديث است که صد رکعت نماز در مسجد خيف، با عبادت هفتاد سال برابر است و هرکس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگويد ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است و هرکس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگويد ثواب آن برابر است با ثواب کسي که احياي نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگويد، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقين که در راه خدا تصدق نمايد.

مستحبات ديگر مکه معظمه

مسأله ۹۰۳ - آداب و مستحبات ديگر در مکه معظمه از اين قرار است:

1- زياد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

2- ختم نمودن قرآن.

1 آية الله مکارم: مناسب است اين مستحبات و مستحبات آينده بقصد رجاء انجام گيرد.

3- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، اين دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ.»

و نيز بگويد: «بِسْمِ اللَّهِ وَيَا اللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ.»

4- نظر نمودن به كعبه و بسيار تکرار کردن آن.

5- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ (1) در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

6- هنگام توقف در مکه، به عدد ايام سال؛ يعني سيصد و شصت مرتبه طواف نمايد و اگر اين مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم ميسور نشد هر مقداري که بتواند.



7- به خانه کعبه داخل شود (2)؛ خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِّني مِنْ عَذَابِ النَّارِ.»

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

8- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ نَهَيْتَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَيَّ مَخْلُوقَ رَجَاءٍ رَفِدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَتَوَافِلِهِ وَقَوَاضِيهِ فَأَلْبِئِكَ يَا سَيِّدِي تَهْنِئَتِي وَتَعَبِئَتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءٍ رَفِدِكَ وَتَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخَيِّبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ»

1- آیه الله مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف های مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

2- آیه الله مکارم: اینگونه امور در حال حاضر معمولاً امکان ندارد و هرگاه کسی نیت آن را داشته باشد، خداوند به لطفش به او ثواب آن را می دهد.

وَلِكَيْ أَتَيْتَكَ مُرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَيَّ نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بِرِعْبَتِي وَلَا تُرَدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُعْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ.»

بعداً پایین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند.

استحباب عمره مفرده پس از حج

مسأله ۹۰۴ - بعد از فراغت از حج، مستحب است در صورتی که میسور باشد عمره مفرده بجاء آورد و کیفیت عمره مفرده خواهد آمد.

## طواف وداع

مسأله ۹۰۵ - برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را، در صورت امکان، استلام نماید و چون به مستحار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رَسَالَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى

فِي جَنَّتِكَ وَعَبْدِكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجَا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ.»

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین، که مقابل رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن به مقدار یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

## فصل اول: احکام عمره مفرده

مسأله ۹۰۶ - عمره مفرده بر کسانی که شانزده فرسخ شرعی یا بیشتر از مکه دور هستند مثل ایرانیان واجب نیست مگر در موارد تبدیل حج تمتع به حج افراد که مسائلس خواهد آمد.

مسأله ۹۰۷ - بر کسی که می خواهد داخل مکه شود (۱) واجب است با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر موسم حج نیست و یا نمی خواهد حج انجام دهد واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم چند گروه مستثنی هستند:

۱- کسانی که به اقتضای شغلشان زیاد وارد مکه و از آن خارج می شوند.

۲- کسانی که پس از اعمال عمره مفرده از مکه خارج شده و در همان ماه (۲) به مکه برگردند (۳).

3- کسانی که بعد از اعمال حج تمتع از مکه خارج شوند (4) و در همان ماهی که به

---

1 آیه الله سیستانی: بلکه در حرم

2 آیه الله بهجت: در ماه خروج

3 امام خمینی: باید به قصد رجاء محرم شود اگر در بازگشت از میقات بگذرد.

4 امام خمینی: و بازگشت آنان قبل از گذشتن یک ماه از احرام عمره تمتع باشد.

آیه الله خوئی: و در همان ماه قمری که عمره تمتع انجام داده اند مراجعت نمایند.

عمره تمتع محرم شده اند مراجعت نمایند.

مسأله ۹۰۸ - تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج مستحب است

مسأله ۹۰۹ - کسی که می خواهد عمره مفرده انجام دهد در یک ماه قمری نمی تواند بیش از یک عمره برای خود یا دیگری انجام دهد (1) ولی انجام بیش از یک عمره در یک ماه به صورتی که هر عمره برای یک نفر باشد جایز است مثل این که یک عمره برای خود و یکی برای دیگری یا دو عمره برای دو نفر متفاوت انجام دهد. و در این فرض اگر از طرف دیگران اجیر بر عمره مفرده شده باشد مستحق اجرت است.

تذکر: انجام بیش از یک عمره در یک ماه برای خود یا دیگری به قصد رجاء و امید مطلوبیت اشکال ندارد.

مسأله ۹۱۰ - کسی که می خواهد حج تمتع به جا آورد می تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از اتمام اعمال حج تمتع عمره مفرده به جا آورد اگرچه این عمره با عمره تمتع از یک نفر بوده و در یک ماه قمری بوده باشد.

مسأله ۹۱۱ - کسی که حج بر او واجب نیست، حج واجب خود را قبلاً انجام داده و در ایام حج می خواهد وارد مکه شود مثل کارگزاران و خدمه حج لازم نیست حج تمتع انجام دهند بلکه می تواند با احرام عمره مفرده وارد مکه شود یا حج افراد استحبابی به جا آورد.

عمره مفرده

مسأله ۹۱۲ - صورت عمره مفرده آن است که محرم شود به عمره مفرده و به مکه آمده و طواف و نماز طواف را به نیت عمره مفرده انجام دهد سپس سعی بین صفا و مروه را انجام داده و تقصیر کند و یا سر بتراشد و بعد از آن طواف نساء و نماز آن را بجاء آورد.

---

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله بهجت: فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست بلکه در یک روز می تواند چند عمره مفرده بجاء آورد. آیه الله بهجت اضافه فرمودند: اگرچه افضل در عمره ثانیه آن است که در ماه دیگری غیر ماه عمره سابقه باشد یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد.

مسأله ۹۱۳ - اعمال عمره مفرده و کیفیت انجام آن مانند عمره تمتع است مگر در چند چیز:

- 1- در عمره تمتع باید تقصیر کند یعنی از مو یا ناخن خود بگیرد و سر تراشیدن جایز نیست بلکه مجزی نیز نمی باشد ولی در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.
- 2- در عمره تمتع طواف نساء ندارد ولی در عمره مفرده دارد.
- 3- کسی که در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده بجا آورد می تواند از ادنی الحل محرم شود اگر چه جایز است از یکی از مواقیب پنجگانه احرام ببندد ولی میقات عمره تمتع خصوص مواقیب پنجگانه است.
- 4- عمره تمتع باید در ماههای حج (شوال - ذی القعدة و ذی الحجه واقع شود ولی عمره مفرده را می توان در تمام ماه ها انجام داد و افضل آنها ماه رجب است.

مسأله ۹۱۴ - محل احرام بستن عمره مفرده برای کسی که در مکه است ادنی الحل ولی افضل مواضع آن جعرانه و حدیبیه و تنعیم می باشد و برای کسی که از بیرون می آید یکی از مواقیب پنجگانه است با تفصیلی که در مسائل مواقیب ذکر شده است.

مسأله ۹۱۵ - بعد از آن که شخص برای عمره مفرده محرم شد تمام چیزهایی که بر محرم حرام است بر او نیز حرام می شود و بعد از تقصیر و سر تراشیدن حلال می شود مگر زن که آن هم بعد از طواف نساء و نماز آن حلال می گردد.

مسأله ۹۱۶ - طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر و یا سر تراشیدن به جا آورد و اگر به جهت فراموشی و یا به هر دلیل دیگری آن را مقدم کرد باید بعد از تقصیر یا سر تراشیدن آن را اعاده کند (1) و اگر خودش نمی تواند آن را انجام دهد مثل این که به وطن برگشته باید برای طواف نساء بگردد.

مسأله ۹۱۷ - کسی که در عمره مفرده تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد باید تقصیر نموده و طواف نساء را اعاده نماید و چنانچه به وطن برگشته می تواند در همان جا تقصیر نماید و برای طواف نساء در صورت تمکن

. [آیه الله بهجت: در صورت ضرورت یا نسیان و یا جهل اعاده طواف لازم نیست.]

نداشتن از مراجعت نساء بگردد.

مسأله ۹۱۸ - کسی که عمره مفرده بجا می آورد می تواند قبل از انجام طواف نساء به میقات رفته و برای عمره تمتع محرم شود و بعد از انجام عمره تمتع طواف نساء را انجام دهد.

مسأله ۹۱۹ - کسی که در اثناء عمره مفرده بیمار شده و نتوانسته عمره را تمام کند و او را به وطن بازگردانیده اند و فعلاً بهبود یافته باید به مکه برگردد و اعمال را تمام کند و اگر نمی تواند برگردد باید برای انجام اعمال نساء بگردد ولی خودش تقصیر کند (1) و ترتیب بین آن و سائر اعمال مراعات شود و تا اعمال انجام نشده آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی شود.

تذکر: اتمام اعمال به وسیله خود شخص و یا نساء در بعض فروض مستلزم اعاده اعمال سابق است که تفصیل آنها در احکام عمره تمتع گذشت.

مسأله ۹۲۰ - اگر زن بعد از احرام بستن برای عمره مفرده حیض شود و تا وقتی که در مکه است پاک نشود باید برای طواف و نماز آن نایب بگیرد و بقیه اعمال را خودش انجام بدهد و چنانچه بدون آن که اعمال را انجام دهد به وطنش برگشته، حکم آن مانند حکم مسأله قبل است.

مسأله ۹۲۱ - طواف در عمره مستحبی حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود.

مسأله ۹۲۲ - عمره مفرده را می توان در ماه های حج قبل از عمره تمتع انجام داد و در این مسأله فرقی بین ضرورت و غیر آن نیست.

مسأله ۹۲۳ - وجوب عمره مفرده ای که بعد از حج در موارد تبدل به افراد انجام می شود فوری است (۲) و بنا بر احتیاط باید مبادرت نماید عرفاً.

مسأله ۹۲۴ - کسی که می داند بعد از احرام بستن برای عمره مفرده به علت مرض یا

---

۱ آیه الله سیستانی: و نیز نماز طواف را باید خودش در محل خودش بجآورد.

۲ آیه الله سیستانی: فوریت عمره مانند فوریت حج است.

حدوث حیض نمی تواند اعمال خود را انجام دهد یا تکمیل نماید می تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و اگر وظیفه او نایب گرفتن شد، نایب بگیرد.

مسأله ۹۲۵ - کسی که عمره مفرده انجام داده اگر بخواهد در همان ماه قمری مجدداً از میقات عبور کند و به مکه برود لازم نیست دوباره محرم شود.

تخییر بین قصر و تمام در مکه و مدینه

مسأله ۹۲۶ - مسافر می تواند نمازهای چهار رکعتی را در تمامی دو شهر مکه و مدینه حتی در محله های جدید آن تمام و یا شکسته بخواند (۱).

مکان ذبح کفارات عمره و حج

مسأله ۹۲۷ - کفاراتی را که در عمره و حج بر محرم واجب می شود می تواند پس از بازگشت از حج یا عمره در هر جایی که خواست بکشد به جز کفاره صید که اگر در عمره بود، جای کشتن آن مکه و اگر در حج بوده منی است (۲).

معتبر نبودن شرائط قرباني در كفارات

مسأله ۹۲۸ - حیوانی که برای كفاره می کشند لازم نیست که شرائط قربانی حج را داشته باشد بنابراین ذبح گوسفند خصی و معیوب کافی است.

---

۱ آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: این حکم مختص به مکه و مدینه قدیم است.

امام خمینی، آیه الله بهجت: در خارج از مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلي الله عليه وآله) باید شکسته بخواند.

۲ آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرقی بین صید و غیر آن نیست و در صورت تمکن كفارات احرام را باید در مکه بکشد و كفارات احرام حج را در منی و در صورت عدم تمکن مالی یا پیدا نشدن فقیر مؤمن باید در شهر خود یا جای دیگر كفاره را بکشد.

---

224

مسأله ۹۲۹ - حیوانی که برای كفاره یا به جهت دیگر واجب می شود (غیر از قربانی حج) باید تمام آن به مصرف خود برسد و كفاره دهنده نمی تواند از آن بخورد (۱) و اما از قربانی مستحبی می تواند بخورد.

مصرف كفارات

مسأله ۹۳۰ - مصرف كفارات فقراء (۲) و مساکین است و نمی توان آن را به کسانی که نفقه آنها بر كفاره دهنده واجب است داد.

محصور و مصدود و احکام آنها(۳)

مسأله ۹۳۱ - به کسی که برای عمره یا حج محرم شود و سپس از انجام اعمال وی جلوگیری شود مصدود می گویند و اگر در اثر بیماری و مانند آن مثل کسی که دچار شکستگی اعضاء یا ضعف ناشی از خونریزی شده و قادر به انجام اعمال نشود وی را محصور می گویند.

مسأله ۹۳۲ - کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند(۴).

مسأله ۹۳۳ - کسی که برای عمره محرم شده اگر از رفتن وی به مکه جلوگیری شد و راه دیگری ندارد می تواند در همان جا یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کند و از احرام

---

1 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: جایز است مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقراء به عهده بگیرد.

2 آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: باید فقیر شیعه باشد.

3 آیه الله خامنه ای متعرض احکام آنها نشده اند.

4 آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی، فاضل: بقاء احرام او در بعضی صور محل منع است.

خارج شود و بنا بر احتیاط واجب حلق یا تقصیر نیز بنماید و در این صورت همه چیز حتی زن بر او حلال می شود (1).

مسأله ۹۳۴ - کسی که با احرام عمره وارد مکه شد و دیگری او را از انجام عمره یا خصوص طواف یا سعی ممانعت نمود حکم مسأله قبل را دارد (2).

مسأله ۹۳۵ - کسی که به جهت بدهکاری که قدرت بر پرداخت آن را ندارد یا به ناحق او را حبس کنند حکم سابق را دارد.

مسأله ۹۳۶ - اگر پس از احرام، برای رفتن به مکه یا اجازه انجام اعمال از او پولی درخواست کنند چنانچه بتواند آن را بپردازد و برای او حرجی نیست باید پرداخت نماید و در غیر این صورت حکم مصدود را دارد.

مسأله ۹۳۷ - اگر از یک راه مصدود شد ولی راه دیگری هست و مخارج رفتن از آن راه را دارد در احرام باقی است و لازم است از آن راه برود و اگر رفت و حج از او فوت شد باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود و اگر بترسد با رفتن از راه دیگر حج از او فوت شود نمی تواند با انجام وظیفه مصدود از احرام خارج شود بلکه باید به راه ادامه دهد و اگر حج از او فوت شد با عمره مفرده از احرام خارج شود.

مسأله ۹۳۸ - مصدود شدن در حج به آن است که به هیچیک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر نرسد بلکه اگر به چیزی که با ترک آن بدون علم و عمد حج باطل می شود - و تفصیل آن سابقاً گذشت - نرسد مصدود محسوب می شود بلکه کسی که

---

1 آیه الله سیستانی: حکم مذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می شود.

2 آیه الله بهجت: معتمر به عمره تمتع مصدود می شود به منع از دخول مکه یا از انجام افعال بعد از دخول و متحلی به هدی می شود در صورت عدم امکان استنابه در همان سال، اگر چه بعد از طواف مصدود از سعی بشود و همچنین اگر ممنوع شد در عمره مفرده از خصوص طواف نساء بعد از اتیان به سایر اعمال و تقصیر.

پس از وقوفین از انجام اعمال (1) مکه ممانعت شود و نتواند نائب بگیرد (2) مصدود است بلی در صورتی که اعمال مکه را انجام داده و از بازگشت به منی برای بیتوته و انجام اعمال تشریق ممانعت شده مصدود نیست و حج او صحیح است و باید برای انجام اعمال ایام تشریق در این سال نائب بگیرد و اگر نشد در سال دیگر، و همچنین کسی که از خصوص اعمال منی منع (3) شود که باید برای رمی و قربانی نائب بگیرد و خودش حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شود و سپس بقیه مناسک و اعمال را بجا آورد و چنانچه نتواند (4) نائب

بگیرد پول قربانی را نزد کسی بگذارد که برای او قربانی کند (5) و خودش حلق یا تقصیر کند و بقیه اعمال را انجام دهد و بنا بر احتیاط در سال بعد رمی نماید.

مسئله ۹۳۹ - مصدود در حج با انجام وظیفه ای که در مسئله ۹۳۳ ذکر شد از احرام خارج می شود و چنانچه حج بر او مستقر شده یا در سال دیگر مستطیع است و حج واجب خود را بجانیورد پس از رفع منع باید دوباره به حج برود و اعمالی که انجام داده از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

مسئله ۹۴۰ - کسی که مصدود است می تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود هر چند امید بلکه گمان برطرف شدن مانع را داشته باشد.

مسئله ۹۴۱ - اگر پس از محرم شدن به احرام عمره مفرده یا عمره تمتع به واسطه

---

1. آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی؛ و اگر از اعمال مکه ممانعت شود و نتواند نائب بگیرد حکم صد را دارد بلکه اگر از دخول مکه ممانعت شود می تواند به وظیفه مصدود اکتفا کند هر چند بتواند نائب بگیرد. آیه الله تبریزی اضافه فرمودند: و همینطور است اگر از اعمال قبل از وقوفین منع شود.

2. ظاهر عبارت مناسک آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی این است که اگر پس از وقوفین هم از اعمال منی و هم از داخل شدن به مکه و اداء مناسک حج تا آخر ذی حجه منع شده باشد حکم مصدود را دارد هر چند متمکن از نائب گرفتن باشد.

3. امام خمینی، آیه الله مکارم: حکم مصدود را دارد.

4. آیه الله بهجت: اگر همان سال نتوانست نائب بگیرد سال بعد نائب بگیرد و بعید نیست که به وسیله قربانی در همین سال از احرام خارج شود هر چند باید در سال بعد نائب بگیرد و حج او صحیح است.

5. آیه الله سیستانی: اگر بتواند نائب بگیرد لازم نیست قربانی کند. و به جای آن روزه بگیرد.

بیماری و مانند آن نتواند به مکه برود (1) و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد (2). و قرار بگذارد که در وقت معین آن را ذبح کنند و پس از آن که وقت معین رسید با تقصیر (3) از احرام خارج شود و با این کار تمام محرّمات احرام غیر از زن (4) بر او حلال می شود و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد، در همان جا قربانی کند و با تقصیر از احرام خارج شود.

مسئله ۹۴۲ - کسی که پس از احرام بستن برای حج بواسطه بیماری و مانند آن نتواند به عرفات و مشعر برود (5) باید یک قربانی یا پول آن را به منی بفرستد و قرار بگذارد که در روز عید (6) برای او قربانی کنند (7) و در آن وقت تقصیر نماید و با این کار تمام محرّمات احرام به جز زن بر او حلال می شود.

مسئله ۹۴۳ - محصور است که با انجام وظیفه خود از احرام خارج شده (8) چنانچه حج

---

1. آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: باید نائب بگیرد.

2. آیات عظام: تبریزی، فاضل، خوئی: در عمره مفرده مخیر است بین آن و قربانی کردن در محل خود.

3. آیه الله سیستانی: یا حلق



4 آیات عظام: تبریزی، بهجت، خوئی: در عمره تمتع زن نیز حلال می شود.

آیه الله مکارم: زن هم بر او حلال می شود.

5 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر در موقع احرام با خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محل گرداند بدون فرستادن قربانی به منی خود به خود محل می شود. حتی نسبت به زن.

6 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: مواعده روز عید لازم نیست.

آیه الله مکارم: مواعده تا روز سیزدهم جایز است.

7 آیه الله گلپایگانی: پس از ذبح در منی نسبت به همه محرمات احرام بجز زن محل می شود.

8 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: برای حلال شدن زن اگر طواف و سعی و طواف نساء را در حج یا عمره مفرده ای انجام دهد کافی است و فرقی بین حج واجب و استحبابی نیست (البته بنا بر نظر آیات عظام خوئی و تبریزی در عمره تمتع با انجام وظیفه محصور زن هم حلال می شود).

---

## 228

---

واجب انجام می داده و محصور شده برای حلال شدن زن باید در سال بعد خودش اعمال حج و طواف نساء را انجام دهد و اگر نمی تواند بیاید بعید نیست نایب گرفتن کافی باشد و پس از این که نایب، حج را انجام داد زن بر او حلال می شود و اگر حج او استحبابی بوده بعید نیست که نایب گرفتن برای طواف نساء جهت حلال شدن زن کفایت کند (1) و احتیاط مستحب آن است که در صورت امکان خودش طواف نساء را انجام دهد.

مسئله ۹۴۴ - اگر کسی که با او قرار گذارده که برایش قربانی کند در وقت مقرر قربانی ننمود و شخص محرم بر اساس قرار از احرام خارج شد و با زن نزدیکی نمود معصیت نکرده و کفاره هم ندارد ولی باید باز قربانی یا پول آن را بفرستد و قرار بگذارد و از وقتی که هدی یا پولش را می فرستد از زن (2) اجتناب کند.

مسئله ۹۴۵ - تحقق محصور بودن، مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

مسئله ۹۴۶ - اگر بیمار و مانند آن بهبودی یافت به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت (3) باید به مکه رود هر چند بهبودی او پس از هدی یا پول آن باشد و چنانچه محرم به احرام عمره مفرده شده وقتی به مکه رسید با انجام اعمال آن، از احرام خارج می شود و اگر برای عمره تمتع محرم شده و به موقع رسید اعمال عمره و حج را بجا آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره و حج را بجا آورد وقت وقوف به عرفات فوت می شود باید به عرفات رود و حج افراد انجام دهد. و اگر حج بر او واجب بوده پس از آن عمره مفرده بجا آورد و از حجة الاسلام کافی است و اگر وقتی برسد که حج از او (به تفصیلی که در مسائل وقوفین گذشت) فوت شده عمره تمتع او به عمره مفرده مبدل

---

1 آیه الله فاضل: و همچنین است کسی که حج او نیابتی تبرعی یا استیجاری بوده یا حج او واجب بوده و سال اول استطاعت بوده و استطاعت تا سال بعد استمرار نداشته باشد و کفایت نیابت در صورتی است که رفتن برای خود او حرجی باشد.

2 آیه الله فاضل، آیه الله سیستانی: از همه محرمات اجتناب کند.

3 آیه الله سیستانی: موضوع این حکم کسی است که در احرام عمره پس از فرستادن هدی یا قیمتش یا قبل از آن حالش بهبود یابد به طوری که بتواند قبل از ذبح یا نحر هدی به مکه برسد.

می شود (1) که باید آن را بجا آورد و از احرام خارج شود و اگر حج بر او مستقر شده یا در سال بعد شرائط و جوب حج را پیدا کند حج بجا آورد.

مسأله ۹۴۷ - مصدود به دشمن، در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده مانند اوست.

مسأله ۹۴۸ - زمانی که برای قربانی قرار می گذارند در احرام حج روز دهم (2) ذی حجه است ولی در احرام عمره تمتع یا عمره مفرده زمان معینی ندارد.

مسأله ۹۴۹ - در آن چه گفته شد نسبت به محصور و مصدود فرقی نیست که برای خود محرم شده باشد یا به نیابت از طرف دیگری به نحو اجاره یا تبرع.

مسأله ۹۵۰ - اگر بعد از انجام عمره تمتع به جهت بیماری و مانند آن یا ممانعت شخص دیگری نتواند حج تمتع بجا آورد حکم محصور و مصدود را ندارد و از احرام خارج است ولی از حجة الاسلام کفایت نمی کند و چنانچه سال اول استطاعت اوست حج بر او واجب نشده است.

مسأله ۹۵۱ - کسی که بعد از بیماری و مانند آن محرم شود احرام او صحیح است و اگر بتواند عمره و حج را انجام دهد اگرچه با استنابه در طواف و سعی حج او صحیح است و اگر نمی تواند حکم محصور را دارد.

۱ آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: در صورتی که قربانی اش ذبح یا نحر نشده باشد وگرنه تمام محرمان بجز زن بر او حلال شده است و برای حلال شدن زن بنا بر احتیاط واجب باید طواف حج و سعی و طواف نساء و نماز آنها را بجا آورد.

آیه الله بهجت: در صورتی که قبل از فوت حج یا ذبح یا نحر قربانی که فرستاد، از احرام خارج نشده باشد.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از رسیدن او قربانی او را کشته باشند حلق یا تقصیر می کند و همه چیز جز زن بر او حلال می شود و برای حلال شدن زن باید طواف و سعی را در عمره یا حجی انجام دهد.

۲ آیه الله مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: در احرام حج نیز وقت معینی ندارد.

شرکت در نماز جماعت اهل تسنن

مسأله ۹۵۲ - شایسته است زائرین خانه خدا نمازهاي واجب یومیه خود را با جماعت اهل تسنن بخوانند و پس از برپاشدن جماعت آنها از جماعت تخلف نکنند و خارج نشوند (1) بلکه اگر این کار موجب وهن مذهب تشیع و بدبینی به آن باشد جایز نیست.

مسأله ۹۵۳ - نمازي که با جماعت اهل تسنن خوانده مي شود صحیح است و نیاز به اعاده ندارد (2).

مسأله ۹۵۴ - اقامه نماز جماعت در هتل هاي مکه و مدینه اگر مفسده اي داشته باشد

---

1 آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، فاضل، مکارم فرموده اند: وقتی که نماز جماعت در مسجدالحرام یا مسجدالنبی(صلي الله عليه وآله) تشکیل شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شده و نباید از جماعت تخلف کنند.

2 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: در صورتی که حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند و اگر نمی شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ باید آن را اعاده کند.

آیه الله بهجت: با قصد فرادی و عمل به وظیفه منفرد و در غیر این صورت نماز را اعاده کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر ضرورت باشد آیه الله صافی اضافه فرمودند: و همچنین اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد.

مثل این که موجب بدبینی به مذهب شود جایز نیست (1).

مسأله ۹۵۵ - نمازي که با اهل تسنن خوانده شده اگر معلوم نیست با نظر اهل تسنن هم موافق باشد مثل این که در آن به پشت نمازگزاران صف جلو سجده شود و یا اتصال صفوف به نحوی که آنان لازم می دانند مراعات نشود باید نماز را اعاده کند.

مسأله ۹۵۶ - در نماز جماعت اهل تسنن در مسجدالحرام که صفهاي آن دائره اي شکل است زائرین در جایی بایستند که روبروي امام جماعت یا جلوتر از سمت راست یا چپ او نباشد (2).

مسأله ۹۵۷ - مواردی که نماز در جماعت اهل تسنن صحیح است (3) لازم نیست اتصال صفوف به نحوی که شیعه آن را معتبر می داند مراعات شود (4) بلکه اگر جماعت بنظر اهل تسنن صحیح باشد کافی است.

---

1 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: به طور مطلق فرموده اند جایز نیست.

آیه الله فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی باشد نماز را به جماعت نخوانند.

آیه الله مکارم: نماز جماعت های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

2 امام خمینی: با وضع فعلی هر جای صفوف بایستند اشکالی ندارد.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: چون اقتدا صوری است با رعایت وظیفه منفرد به نحوی که در پاورقی مسائل قبل گذشت نماز در صفوف مقابل امام نیز کافی است.

آیه الله فاضل: اگر به جهت تقیه در صفهای مقابل امام ایستاده اعاده لازم نیست و در غیر تقیه استاندارد جایز نیست.

3 نظر آیات عظام در تعیین این موارد در مسأله؟؟؟ گذشت

4 آیه الله مکارم: در صورت امکان باید مراعات شود.

آیه الله فاضل: اگر هنگام اقامه جماعت اتفاقاً در جایی بود که اتصال برقرار نیست همان جا اقتدا کند و صحیح است ولی اختیاراً و با وسعت وقت به آنجا نرود و نماند و در این مسأله فرقی بین مردان و بانوان نیست.

مالی که در حرم پیدا شده

مسأله ۹۵۸ - برداشتن چیزی که در حرم پیدا می کند کراهت شدید دارد بلکه احتیاط مستحب آن است که آن را بر ندارد.

مسأله ۹۵۹ - چیزی را که در حرم پیدا کرده اگر ارزش آن از یک درهم کمتر باشد می توان آن را به قصد تملک برای خودش برداشته و مصرف نماید و ضامن صاحبش نیست و اگر قبل از مصرف و تلف شدن مالکش پیدا شد باید بنا بر احتیاط آن را به صاحبش بازگرداند و اگر قصد تملک نکرده و در دست او تلف شد ضامن نیست مگر این که در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

مسأله ۹۶۰ - چیزی که در حرم پیدا کرده اگر ارزش آن یک درهم یا بیشتر باشد چنانچه آن را بردارد باید یک سال اعلام کند و از صاحب آن جستجو کند. پس اگر بعد از یک سال صاحب آن دریافت نشد (1) می تواند آن را برای صاحبش نگهداری نماید و در این صورت اگر بدون کوتاهی کردن تلف شد ضامن نیست و می تواند آن را برای صاحبش صدقه بدهد ولی اگر صاحب آن پیدا شد و به صدقه دادن راضی نشد باید عوض آن را به او بدهد (2) و جایز نیست آن را تملک نماید و اگر تملک کند مالک نمی شود و ضامن هم می شود.

سجده بر فرش و مانند آن

مسأله ۹۶۱ - در مسجد الحرام و مسجد النبی(صلي الله عليه وآله) و سایر مساجد اگر زائری بتواند بر روی سنگ یا حصیر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است و از طرف مخالفین

1 آیه الله مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی دهد صدقه بدهد.

2 آیه الله گلپایگانی: و همچنین می تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد.

ممانعتی از سجود بر آن نیست و موجب وهن و انگشت نداشتن نمی باشد سجده نمایند جایز نیست بر فرشها سجده کنند (1) ولی اگر ضرورت (2) باشد سجده بر فرشها جایز است و کفایت می کند.

مسئله ۹۶۲ - در حکمی که در مسأله قبل ذکر شد فرقی نیست که نمازش را همراه با جماعت اهل تسنن بخواند یا فردای (3) و پس از اتمام نماز آنان.

مسئله ۹۶۳ - سجده کردن بر تمام اقسام سنگها حتی سنگهای مرمر یا سیاه معدنی صحیح است.

احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلی الله علیه و آله)

مسئله ۹۶۴ - در مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلی الله علیه و آله) حیض و جنب نمی توانند از قسمت های توسعه یافته (4) نیز عبور نمایند.

مسئله ۹۶۵ - کسی که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی(صلی الله علیه و آله) (جنب شده اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید برای خروج تیمم بدل از غسل جنابت کند و سپس خارج شود، و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود.

مسئله ۹۶۶ - برداشتن قرآنهاي مسجدالحرام بدون این که آنها را از متصدی مربوطه

1 امام خمینی: سجده روی فرشها مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخواند یا با خود حصیر و مانند آن ببرد.

2 آیه الله خوئی: اگر در آن مکان امکان سجود بر آنچه سجده بر آن صحیح است را ندارد سجده بر فرش صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر تقیه اقتضاء کند و در همان جا چیزی که سجده بر آن صحیح است نباشد سجده بر فرش صحیح است و لازم نیست به جای دیگر منتقل شود.

3 آیه الله خامنه ای: در این فرض اگر با فریضه تقیه منافات ندارد باید بر سنگ فرش سجده کند.

4 آیه الله بهجت: این قسمتها حکم سایر مساجد را دارند و احکام خاصی ندارند.

بگیرند جایز نیست هر چند بر روی آن علامت وقف نباشد و چنانچه برداشتند باید برگردانده شود.

مسئله ۹۶۷ - در مسجدالحرام در وضع فعلی که برای تطهیر به ریختن مقداری آب قلیل اکتفا می کنند علم به نجاست همه مسجد حاصل نمی شود و با فرض شک محکوم به طهارت است.

مسئله ۹۶۸ - در مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلی الله علیه و آله)، و سایر مساجد اگر نماز مغرب را با جماعت اهل تسنن بخواند کافی است (1) هر چند جمره مشرقیه زائل نشده باشد و می تواند بلافاصله بعد از آن نماز عشاء را بخواند ولی اگر وقت عشاء داخل نشده (2) باید صبر کند.

مسأله ۹۶۹ - سجده کردن بر پشت دست صحیح نیست بنابراین کسی که در مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلي الله عليه وآله) و سایر مساجد به تصور این که سجده بر پشت دست صحیح است بر آن سجده نمود باید نمازهاي خود را اعاده کند (3) و اگر نماز طواف را نیز به این کیفیت خوانده حکم کسی را دارد که نماز طواف را ترک کرده که در مسائل نماز طواف گذشت.

مسأله ۹۷۰ - در وقت نماز صبح فرقی بین شبهای مهتابی و غیر آن نیست.

مسأله ۹۷۱ - برداشتن سنگهای صفا و مروه جایز نیست (4) ولی اگر برداشتن لازم نیست آن را بازگرداند و اما برداشتن سنگ و خاک از سایر مشاعر مثل مشعرالحرام و منی و عرفات مانعی ندارد.

---

۱. نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت، گلپایگانی، صافی در رابطه با کفایت نماز جماعت با اهل تسنن در مسائل قبل گذشت.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: وقت داخل شده چون استتار قرص کافی است.

۳. آیات عظام: امام خمینی، فاضل، سیستانی، مکارم: مگر این که جاهل قاصر باشد که در این صورت نمازهاي او و نمازهاي طوافش صحیح است.

۴. آیه الله سیستانی: شکستن سنگهای صفا و مروه جایز نیست ولی برداشتن آنچه از آنجا جدا شده مانعی ندارد.

مسأله ۹۷۲ - اگر هزینه سفر حج یا عمره شخصی را کسی بدهد که اهل پرداخت خمس نیست چنانچه آن شخص بداند که در همان مال خمس وجود دارد نمی تواند بدون پرداخت خمس، در آن مال تصرف کند (1).

مسأله ۹۷۳ - اگر قاضی اهل تسنن در مکه حکم کند که فلان روز عید است باید در وقوف به عرفات و مشعر و اعمال منی از او متابعت نمود هر چند علم به خلاف آن باشد (2) و در این حکم فرقی بین یک روز یا دو روز اختلاف نیست.

مسأله ۹۷۴ - نماز در عرفات و مشعر و منی شکسته است مگر این که شخصی قبلاً در مکه قصد اقامت ده روز را داشته و در سفر به این اماکن مسافت شرعی را طی نکرده باشد یا طی مسافت شرعیه مشکوک باشد که در این صورت باید نماز را در اماکن مذکور و شهر مکه تمام بخواند بلی اگر پس از مراجعت از عرفات قصد رفتن به وطن را دارد و آمدنش به مکه از این جهت است که در راه او واقع شده در مسیر بازگشت در مشعر و منی و مکه حکم مسافر را دارد و وظیفه او نسبت به تخییر بین قصر و تمام در مکه گذشت.

مقصود از حرج

مسأله ۹۷۵ - مقصود از حرج و مشقت که در بعض مسائل این کتاب آمده است حرج و مشقت شخصی است مگر تصریح به خلاف آن شده باشد.

---

۱. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: تصرف در مال مزبور مانعی ندارد.

2. آية الله خوئي، آية الله تبريزي: با علم به خلاف وقوف با آنها كافي نخواهد بود و در اين حال اگر مكلف تمكّن از عمل به وظيفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراري در مزدلفه بدون محذور حتي محذور مخالف تقيه، بايد عمل به وظيفه نمايد و در غير اين صورت جحش بدل به عمره مفرده شده و حجي نخواهد داشت و چنانچه استطاعتش از همين سال بوده و براي سالهاي بعد باقي نماند و جوب حج از او ساقط خواهد بود مگر اين كه استطاعت تازه اي پيدا كند كه در اين صورت دوباره حج مي نمايد.

---

236

ديوانه شدن محرم

مسأله ۹۷۶ - كسي كه بعد از احرام عمره تمتع ديوانه شده است همچنان در احرام باقي (1) مي ماند. و نيابت كردن ديگران براي او در اعمال كافي نيست و اگر در اين رابطه مالي را مصرف كنند نمي توانند از كسي بگيرند مگر از كسي كه موجب غرور آنان شده است.

---

1. آيات عظام تبريزي، خوئي، فاضل: احرام او باطل مي شود.

آية الله سيستاني: اگر احتمال بهبودي در او نيست نيازي به نيابت نيست و حج و احرام او باطل است.

---

237

اجازات

---

238